



شهادت امام حسن عسکری (ع) تسلیت باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۷۲ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹ | ۲ ربیع الاول ۱۴۴۲ | ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

سیامک باقری

۲ نگاه

لغو تحریم تسلیحاتی؛ اصل یا فرع!

حسین عبداللہی فر

۲ نگاه

خروج از حاکمیت

مهدی سعیدی

۴ راهبرد

مواجهه عقل و ترس!

صادق

با ماسک از خانه بیرون بیاییم

آقای روحانی

مردم را متهم نکنید!



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

در چند سال گذشته، طرفداران نظریه مذاکره و سازش با آمریکا، با روایت خاص خود از صلح امام حسن مجتبی (ع)، تلاش کرده تا بر این موضع خود به دلیل انطباق با سیره امام معصوم مهر تأیید بزنند. آقای روحانی در جلسه هیئت دولت در هفته گذشته، به تناسب ایام سخنرانی و با اشاره به سالروز شهادت امام حسن مجتبی (ع) گفت: «امام حسن به ما می آموزد مرد جنگ باشیم به روز جنگ و مرد صلح باشیم به روز صلح. اگر در روز صلح جنگ کردیم و اگر در جنگ صلح کردیم، هر دو خطا و اشتباه است. به موقع باید بایستیم و بجنگیم و به موقع هم باید صلح کنیم.» به طور قطع این سخنان را به اقتضای شرایط روز، پیشینه این نوع سخنان و همچنین بازتاب های آن در محافل سیاسی و رسانه های داخل و خارج باید تحلیل و تفسیر کرد. پس از این سخنان بود که جماعت مشتاق مذاکره با آمریکا، به وجد آمده و از ضرورت صلح و آشتی با دنیا از طریق مذاکره با آمریکا سخن ها گفتند. حتی برخی از این جماعت مشتاق مذاکره، بدون توجه به سابقه مذاکره با آمریکا و بدعهدی این کشور در برجام، زمان صلح را در حال از دست رفتن دانسته، بر انجام هر چه سریع تر مذاکره با ایالات متحده تأکید می کنند. یکی از این افراد با اشاره به مشکلات اقتصادی کشور و مردم، راه حل مشکلات را تجدیدنظر در سیاست خارجی کشور و تغییر نوع نگاه به جامعه بین الملل و در پیش گرفتن راه آشتی با دنیا و جامعه جهانی اعلام کرده و می گوید: «اگر مشکل خود را با آمریکا حل کنیم، با کشورهای دیگر هم مشکلی نخواهیم داشت؛ چرا که انتظارات همه دنیا، هم کشورهای عرب

منطقه و هم اتحادیه اروپا و... در انتظارات آمریکا جمع است.» در اینکه آیا راه حل مشکلات کشور مذاکره با آمریکاست یا نه، پاسخ بسیار روشن است. قصه برجام نشان داد، اندیشه باز کردن گره به دست دشمن، نتیجه ای جز گره روی گره افتادن و ده برابر شدن دلار (به جای تحقق وعده رشد هشت درصدی اقتصادی با مذاکره) نخواهد داشت. اما در این نوشتار، حرف اصلی آن است که نباید با تحریف «صلح امام حسن (ع)»، هم به آن امام بزرگوار جفا کنیم و هم در حق ملت خودمان ظلم کنیم. دوران کنونی ما در چله دوم انقلاب اسلامی، از هیچ جهت مشابهت با دوران امام حسن مجتبی (ع) ندارد که بخواهیم، سیره آن بزرگوار را حجت و دلیلی بر مواضع نادرست خود قرار دهیم. اگر ادعا شود که امام حسن مجتبی (ع) با وجود یاران و اصحاب قوی، با ایمان و پا در رکاب از یک سو، و ادوات نظامی از سوی دیگر خواهان صلح بود، این ادعا در تعارض با تاریخ و شخصیت والای امام (ع) است. واقعیت تاریخ آن است که امام حسن (ع) پس

از شهادت پدر بزرگوارشان، به دلیل رویگردانی معاویه از بیعت، سپاهی به استعداد ۱۶ هزار نفر را برای جنگ آماده کرد. حضرت با چنین لشکری علیه معاویه قیام کرد و کار را به پیش برد تا اینکه، با خدعه و نیرنگ معاویه این سپاه متلاشی شد. امام حسن (ع) بارها نسبت به خطر معاویه به مردم هشدار داده بود و به همین دلیل قصد ترک جنگ نداشت؛ اما خیانت خواص و بی وفایی مردم عراق، کار را به جایی رساند که از سپاه حضرت، با فرماندهی عبیدالله بن عباس حدود ۱۲ هزار نفر جدا شده و به معاویه پیوستند. بدین صورت بود که با خیانت یاران امام حسن (ع) در مدینه و مدائن، ضربه مهلکی بر سپاه حضرت وارد شد و به طور کلی امکان جهاد از ایشان گرفته شد. کار حضرت به جایی رسید که اطرافیانش، به جای یاری رساندن به ایشان، به معاویه پیام دادند که در صورت اراده او، حسن بن علی را به صورت زنده یا کشته تحویلش خواهند داد! با پذیرش پیشنهاد صلح معاویه که آنها هم با خدعه ای دیگر همراه بود، صلح را پذیرفت و معاویه را مفتضح کرد. اما اکنون چه تشابهی میان ملت ما و نیروهای

مسلح ما با مردم بی وفای زمان امام حسن (ع) و لشکریان فریب خورده و تطمیع شده ایشان وجود دارد که می خواهیم از آن بزرگوار درس صلح بیاموزیم؟ آیا کسانی که امروز برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود، از طریق مذاکره با آمریکا، به صلح امام حسن (ع) با معاویه استناد می کنند، به مردم وفاداری که بیش از چهل سال در برابر مستکبرین عالم دست به مقاومت زده اند، ظلم نمی کنند؟ هر چند اساساً مقایسه معاویه با آمریکا هم نادرست است، معاویه با ادعای مسلمان بودن و فریب دادن مردم، مدعی خلافت مسلمین بود و مردم مسلمان هم به دلیل ضعف معرفت دینی نسبت به جایگاه امامت و ضعف دشمن شناسی و غافل بودن از خدعه و نیرنگ معاویه و همچنین روحیه دنیاگرایی، فریب معاویه را خوردند و امام را تنها گذاشتند؛ ولی امروز، طرف مقابل نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، آمریکای جهان خوار قرار دارد که از اساس با اسلام و عزت و استقلال ملت ایران مخالف است و از طریق تحریم و جنگ اقتصادی، به دنبال آن است که با ترفند مذاکره، سلطه خود را بر ایران احیا کند؛ اما مهم تر آنکه در این میان، سپاه و نیرویی که امام خمینی (ره) برای مقابله با آمریکا شکل داد، نه تنها متفرق و تضعیف نشد؛ بلکه امروز این سپاه و نیروها در جغرافیای غرب آسیا با آمریکا در حال نبرد پیروزمندانه هستند. از طرفی نظام لیبرال دموکراسی آمریکا هم روند روبه افول را طی می کند و از درون سرزمینش، دشمنی چون ملت خود پیدا کرده است. آقای روحانی! دلیل اصلی تمام موفقیت ها، پیشرفت ها و دستاوردهای بزرگ در ۴۱ سال گذشته، وفاداری ملت بزرگ ایران به نظام اسلامی و ولایت فقیه بوده، حال آیا سزاوار است این مردم وفادار را به بی وفایی متهم کنیم؟ آن هم وفاداری که سطح و اندازه و عیارش، در تشییع جنازه سیدالشهدای مقاومت حاج قاسم سلیمانی آشکار شد.

ذره بین

- ۱- آقای روحانی! دلیل اصلی تمام موفقیت ها، پیشرفت ها و دستاوردهای بزرگ در چهل و یک سال گذشته، وفاداری ملت بزرگ ایران به نظام اسلامی و ولایت فقیه بوده، حال آیا سزاوار است این مردم وفادار را به بی وفایی متهم کنیم؟
- ۲- در اینکه آیا راه حل مشکلات کشور مذاکره با آمریکاست یا نه، پاسخ بسیار روشن است. قصه برجام نشان داد، اندیشه باز کردن گره به دست دشمن، نتیجه ای جز گره روی گره افتادن و ده برابر شدن دلار (به جای تحقق وعده رشد هشت درصدی اقتصادی با مذاکره) نخواهد داشت.
- ۳- چه تشابهی میان ملت ما و نیروهای مسلح ما با مردم بی وفای زمان امام حسن (ع) و لشکریان فریب خورده و تطمیع شده ایشان وجود دارد که می خواهیم از آن بزرگوار درس صلح بیاموزیم؟

یادداشت

لغو تحریم تسلیحاتی اصل یا فرع؟

سیامک باقری

عضو شورای سیاست گذاری صبح صادق



لغو تحریم تسلیحاتی ایران را می توان شکستی برای دولت آمریکا دانست، اما اینکه این رخداد یک دستاورد بزرگ و تاریخی است و نشانه کارآمدی برجام است، موافقان و مخالفان دارد. با نگاهی جامع می توان گفت، این رخداد ممکن است دستاورد فرعی داشته باشد؛ ولی به دلایل گوناگون نمی توان از آن به یک دستاورد بزرگ و راهبردی نام برد.

۱- مشکل راهبردی ایران در مذاکرات برجام رفع محدودیت های تسلیحاتی نبود کما اینکه قرار نداشت. شرایط زمینه ای هم در اولویت قرار نداشت. شرایط زمینه ای آن زمان نیز دل بر همین موضوع بود که گفته می شد: «دنیای فردا دنیای گفتمان هاست نه دنیای موشک ها». در همین راستا هم جریان غربیگرا مدت هاست که فشار روانی شدیدی را بر نظام برای برچیدن برنامه های موشکی و صنایع مدرن دفاعی بومی تحت عنوان مذاکرات برجام ۲ و ۳ وارد کرده و از هم اکنون در انتظار پیروزی بایند در انتخابات آمریکا هستند که ایران این موضوع را در اولویت دستور کار خود قرار دهد.

۲- نکته دیگری که جنبه پذیرش راهبردی بودن رفع محدودیت های مزبور را دشوار می کند، پیشرفت های خیره کننده صنعت موشکی و دفاعی ایران و بی نیازی و استقلال است که نیروهای جهادی در این زمینه ایجاد کرده اند. چنانکه همه مؤسسات تحقیقات جهان، از جمله مؤسسه مطالعات دفاعی و امنیتی انگلیس معتقدند، پیشرفت های ایران در حوزه توانمندی های موشکی، یک انقلاب فنی تمام عیار بوده است. در واقع رفع این محدودیت از حیث مدرن سازی دفاعی برای ایران علی السویه است.

۳- اروپایی ها همان طور که در گذشته به هیچ یک از تعهدات خود پایبند نبودند، در این قضیه نیز با وجود مخالفت با تمدید محدودیت های تسلیحاتی، عملاً اثبات کردند که با رفع محدودیت ها مشکل دارند. اولین دلیل نوع و ماهیت مخالفت اروپا در جریان تمدید تحریم های تسلیحاتی و استفاده از ساز و کار ماشه از سوی آمریکا است که در هر دو مورد نگرانی شدیدشان را نسبت به آزاد شدن محدودیت ها ابراز داشتند. دلیل دوم تحریم های تسلیحاتی اروپایی هاست که در سال ۲۰۰۷ علیه ایران وضع کردند و حداقل تا اکتبر ۲۰۲۳ ادامه خواهد یافت. علاوه بر این، طبق قوانین شورای امنیت سازمان ملل (از جمله قطعنامه ۲۲۱۶ مرتبط با یمن و قطعنامه ۱۷۰۱ لبنان)، مانع هر نوع فروش تسلیحاتی از سوی ایران خواهند شد. بازخوانی بیانیه های سه کشور اروپایی، نشان می دهد نمی توان نسبت به آزادسازی خرید و فروش سلاح ها خوش بین بود و برداشت راهبردی از آن داشت.

۴- وقتی وضع تحریم علیه بانک هایی که تبادل مالی برای دارو و غذا را انجام می دادند، انجام شد و هیچ عکس العملی از سوی اروپایی ها صورت نگرفت، به طریق اولی تحریم ثانوی علیه برنامه های تسلیحاتی ایران شدیدتر خواهد بود. کما اینکه به زودی ترامپ فرمان اجرایی را برای مجازات ناقضان تحریم تسلیحاتی اعلام خواهد کرد و به موازات آن با ایران هر اسبی، سلاح های بیشتری به منطقه منتقل خواهد کرد. بنابراین این طور نیست که تحریم تسلیحاتی برداشته شده و می توانیم از هر کس بخواهیم اسلحه بخریم و به هر کس بخواهیم اسلحه بفروشیم.

خروج از حاکمیت

واقعیت اظهار پشیمانی برخی اصلاح طلبان از انقلاب چیست؟

حسین عبداللہی فر

جریان شناس



۴ در بیان ایسن واقعیت، عده ای دیگر طرح نتیجه انقلاب اسلامی ملت ایران و تشکیل نظام ولایتی را بهانه ای می دانند که نهضت آزادی و امروز شاگردان آنها تکرار می کنند؛ چرا که پشیمانی انقلابیون از انقلاب پروژه ای بود که دشمنان اسلام از سال های پیش آغاز کرده و برای آن سرمایه گذاری کرده بودند.

۵ پروژه ای که نظام لیبرال دموکراسی غرب با عنوان عملیات PSB از روزهای آغازین قرن ۲۰ شروع و هدفش را نابودی همه نظام های عقیدتی دنیا برای برتری نظام لیبرال دموکراسی غرب عنوان کرد. به همین منظور سازمان های اطلاعاتی غرب به سراغ اسلام سیاسی و شیعه در ایران آمدند و «دومارانش» رئیس سازمان اطلاعات فرانسه در سال ۱۳۵۱ حکم مشاوره از شاه ایران را با ماهی ۶۰۰ هزار تومان دریافت کرد و پروژه تأسیس دانشگاه سونسی و شبکه مساجد را در دستور کار خود قرار داد. دومارانش با پیروزی انقلاب اسلامی از آغاز جنگ جهانی چهارم که او جنگ میان «شوالیه های صلیبی با اصولگرایان مسلمان» تعریف می کرد، سخن گفت. وی در ملاقاتی که با رونالد ریگان، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا داشت، گفت در جنگ عقیده نباید از موشک و بمباران استفاده کند و طرح عملیاتی با رمز پشه مالاریا را مطرح کرد که از نظر اوسه قشر مأمور اجرای آن بودند؛ روشنفکران، مترجمان و قاچاقچیان مواد مخدر.

۶ پیرو این عملیات و اجرایی شدن هر شش مرحله عملیات PSB در ایران شبکه هایی از روشنفکران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران، انتشاراتی ها و... ایجاد شد و کتاب های فلاسفه یهودی و پنتاگونی یکی پس از دیگری به دست چاپ سپرده شد. از جمله کتاب هایی که در این راستا ترجمه شد، دو کتاب «انقلاب» و «خشونت» از یک فیلسوف زن یهودی به نام «هانا آرنت» بود که آن را عزت الله فولادوند ترجمه کرد و اکبر گنجی پس از مطالعه آنها گفت: «در همان سال های ۱۳۵۸-۱۳۵۹ آقای عزت الله فولادوند دو کتاب مهم از هانا آرنت ترجمه کرد؛ یکی کتاب خشونت و یکی کتاب انقلاب. من این دو کتاب را خواندم، فهمیدم که چه کار اشتباهی انجام دادیم که انقلاب کردیم و به راه بسیار بدی گام گذاشتیم.»

بعضی دیگر از اصلاح طلبان هم چنین اعتراضاتی دارند؛ اما برخی مانند تاج زاده و حجاریان هنوز چنین شهامتی را نیافته اند؛ ضمن آنکه آنها باید بگویند چرا از میانه سازمان های صاحب نفوذ به حلقه کیان دعوت شدند و در پای درس سروش و بشیریه چه چیز های فرا گرفته اند؟!

۱ عده ای مباحث انتخاباتی و دودستگی فعلی اصلاح طلبان بر سر وارد شدن یا نشدن به انتخابات ۱۴۰۰ را مطرح کرده و معتقدند اصلاح طلبان به دلیل اشتباهی که در حمایت از روحانی مرتکب شده اند، امروز باید پاسخگویی مردم باشند و چون پاسخی ندارند، خود را در برابر رأی مردم قرار نمی دهند. مفهومی این مطلب رویکرد قهر اصلاحات با صندوق های رأی بوده که علت آن از دست دادن پایگاه اجتماعی است.

۲ عده ای دیگر پاسخی عمیق تر را مطرح کرده و معتقدند اصلاح طلبان از همان دورانی که در قدرت بودند نیز بر سر حضور در قدرت اختلاف داشته و نظریه پردازان اصلی شان، مانند سعید حجاریان مخالف شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ بودند؛ چرا که پروژه اصلی آنها خروج از حاکمیت نظام اسلامی و استعفای دسته جمعی بود تا جمهوری اسلامی را از منظر خود با انسداد سیاسی مواجه کنند. از این رو، سعید حجاریان همان موقع اعلام کرد که اصلاحات مردود و ادامه این حضور در حاکمیت علی افشاری در انتخابات مجلس هفتم در مقاله ای با عنوان چهار راه عمل به تاج زاده که رئیس ستاد انتخابات وزارت کشور بود، نوشت: «چرا انتخابات برگزار می کنید و بیهوده مردم را امیدوار می سازید، بایبید صادقانه به مردم بگویید که فقه اسلام قادر به اداره جامعه نیست.»

۳ اما واقعیت دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد پشیمانی برخی نیروهای انقلابی از زمانی مطرح شد که این نیروها در زمره اپوزیسیون و مقابله با نظام اسلامی قرار گرفتند. چنانکه این سخن امروز مصطفی تاج زاده را که علت پشیمانی اش از انقلاب را به نظام ولایتی و ولایت فقیه ارتباط می دهد، سال ها پیش ابراهیم یزدی مطرح کرد و دلیل مخالفتش با انقلاب اسلامی و نظام را در قالب عبارت سخیف و اهانت آمیزی نسبت به ساخت ولایت اعلام کرد و اظهار داشت: «چاه کنديم که به آب برسيم اما خورديم به...»

تاریخ نندان های امروز شناس!

سخنان روحانی تا چه میزان با تاریخ اسلام همخوانی دارد؟

مهدی عامری

کارشناس علوم اسلامی



۱ از تاریخ باید عبرت گرفت و آن را چراغ راه امروز قرار داد، تاریخ فقط برای خواندن نیست و باهوش ترین انسان ها کسانی هستند که بتوانند از نگاه به دیروزها، راه این روزها را پیدا کنند! اما دشواری کار در توان تشخیص و تطبیق سرگذشت پیشینیان با اوضاع امروز است، اینکه امروز ما، با کدام برهه تاریخی شباهت و مطابقت دارد، امری پیچیده است که از هر کسی بر نمی آید! برای این مهم هم باید به ماجراهای تاریخی، تحلیل آن ماجراها و شناخت وقایع گذشته مسلط بود، هم باید به جغرافیای زمان و مکان حال مشرف بود و گرنه یا به تحریف تاریخ گرفتار شده یا تطبیق نادرست، موجب تصمیم نادرست می شود یا هر دو!

۲ سیره اهل بیت (ع) علاوه بر بعد تاریخی، برای ما شیعیان ساحت حجیت و شریعت اعمال است؛ چرا که یکی از منابع دینی تشیع، سنت است و یکی از مصادیق سنت، فعل معصوم است. از این رو دقت و تیزبینی در این حوزه باید مضاعف باشد؛ یعنی هم بعد تاریخی و تحلیلی را در بر بگیرد و هم جنبه شرعی را شامل شود. تطبیق نادرست در این وادی، فقط به مخاطرات پیش گفته دچار نمی شود و چسب به وهن اهل بیت و جابه جایی حکم الله نیز منجر شود؛ به همین دلیل در این حوزه کارشناس تاریخ بودن کافی نیست و اجتهاد فقهی نیز اهمیت دارد.

۳ دوران ما باز از تطبیق اعمال و افراد با احوال و افعال انمه معصوم (ع) داغ است. بر اصل کار نباید خرده گرفت که اصلش کار نادرستی نیست؛ بلکه سخن در تشخیص مصداق و گویندگانی است که گاه با نگاه های سهل اندیشانه و سطحی با قیاسات مع الفارق روشن، سعی دارند امور بی ربط را به هم ربط دهند و با توسل به مشترکات لفظی، می گویند اشتراکات تاریخی را اثبات کنند! برای نمونه در تاریخ، صلح حدیبیه یا صلح امام حسن (ع) را خوانده اند و هر گونه توافق و سازش ناموزنی را می خوانند به آن مرتبط کنند! این روند در نگاهی خوش بینانه از سر نگاه سطحی به تاریخ است.

۴ در تاریخ آمده است، در حالی که امام حسن مجتبی (ع)، آرایش جنگی به خود گرفته تا با معاویه ستیز کند و سپاهی بزرگ آماده کرده بود، اولین زرمه های صلح از جانب معاویه شنیده شد. او با حرابه های رسانه ای، شایعه کرده بود که قرار است امام حسن با او مصالحه کند و حتی صلح را پذیرفته است! این در حالی بود که امام کاملاً آماده نبرد با جریان فاسد اموی بود و بعدها به طور رسمی نیز درخواست صلح و شایعات از جانب معاویه

آغاز شد. این نکته اساسی ماجرای صلح تحمیلی بر امام مجتبی (ع) است. حال کسانی که قرار است آن تاریخ را با شرایط امروز تطبیق بدهند، باید استدلال کنند در حال حاضر، ایران اسلامی از جانب چه کسی به صلح دعوت شده است؟ اکنون دشمن بی محابا و با وقاحت تمام به ایران اهانت و هتاک می کند، ملت ایران را تهدید و تحریم می کند، این شرایط چه نسبتی با جریان امام حسن (ع) دارد؟ پسر فرض که امام حسن (ع) به خواسته اکثریت مردمی که از جنگ خسته شده و در برابر شایعات معاویه خام شده بودند، تن داد و با معاویه در مجلس صلح نشست، اما آیا واقعا شرایط امروز شرایط امام حسن (ع) است؟ امروز دشمن ملت ما، حتی مانند معاویه، نمایش صلح طلبی هم اجرا نمی کند، بلکه به صراحت از براندازی انقلاب و دولت ایران می گوید، ترجیح بند سخنرانی های شان گزینه نظامی است و حتی در برابر دیدگان همه دنیا، سرداران ما را ترور کردند! در این اوضاع چرا از اردوگاه ما باید ندای صلح شنیده شود؟ آن هم از زبان کسانی که چندین سال است به جای آرایش جنگی، آغوش صلح باز کرده اند و هنر خود را مذاکره معرفی می کردند!

۵ دوران امام حسن (ع) مقایسه کنند، جدای از حقایق که با فهم نادقیق و قشری خود به تاریخ و حضرت مجتبی (ع) کرده اند، مرتکب جفای بزرگی نیز به مردم دلیر ایران شده اند! مردمی که سال هاست برای حفظ انقلاب خود از خودگذشتگی کرده اند و به تعبیر حضرت امام (ره)، از مردم صدر اسلام بهتر هستند، چه نسبتی با مردم دنیزده و بی بصیرت دوران امام مجتبی (ع) دارند که فریب سخنان ریاکارانه و اغواگرانه معاویه را خورده بودند؟

روایتیست اگر عده ای از راه انقلابی و مواضع سابق خود خسته و پشیمان شده اند، این را به مردم ایران هم نسبت دهند! شاید مردم از ناکارآمدی برخی مسئولان و افراد پرادهای بی عمل خسته شده باشند؛ اما به یقین به سازش پرجالش با کسانی که نقشه نابودی آنها را می کشند، تن نمی دهند.

۶ صلح امام حسن (ع)، یک کارکرد داخلی بین مسلمین داشت در برابر دشمن خارجی تا امام بتواند، با مدیریت جهان اسلام، ضمن دفاع از آرمان های اصیل اسلامی، مانع نابودی کامل دین خدا بشود. در شرایطی که به هر دلیل دور امام (ع) از سرداران جنگی و توده های حامی خود خالی شده بود، برای حفظ اسلام، راهی جز پذیرش صلح باقی نمانده بود، آیا انصافاً امروز کیان اسلام و انقلاب بسته به سازش با دشمنان است؟ آیا کسانی که این گونه سخن می گویند خبر از تاریخ ندارند؟ یا از قدرت ملت و نیروهای مسلح و ظرفیت های متعدد کشور خود هم آگاه نیستند؟ آیا خبر ندارند با تکیه به ملت و امکانات درون می توان بسیاری از مشکلات را برطرف و دشمن را ناامید کرد؟

گزارش

پیاده نظام فتنه

بر خورد ضربتی با اوپاش و اشارار با بازنگری در روش ها

دستگیر شده به مردمی که تظلم خواهی می کنند و برخورد شدید و بدی مأمور نیروی انتظامی که هر چند در نگاه اول درست و بجای به نظر می رسید؛ اما اعتبار حقوقی نداشت و خوراک رسانه ای معاندین شد.

بر همین اساس، رئیس قوه قضائیه پس از این ماجراها درباره حقوق شهروندی و تعدی از قانون و نقض این حقوق ضمن تأکید بر برخورد قاطع و بی امان با ارادل و اوپاش حکم تشهیر را صرفاً در صلاحیت دادگاه و در چارچوب قوانین دانست. در اینجا سخن از مجازات جایگزین که رویکرد جدید دستگاه قضاست، به میان نیامده و فرض مطرح شده جهت جایگزینی در روش تشهیر اوپاش است نه در تغییر نوع مجازات؛ چراکه مجازات افسردی که تعرض و تجاوز به نوامیس، باجگیری و ایجاد رعب و وحشت می کنند کاملاً مشخص بوده و در صورت بازگشت چنین افرادی به جامعه بدون انجام اقدامات پیشگیرانه و تأدیبی درست، فرد در انجام اقدامات مجرمانه جری تر خواهد بود.

هر چند فرمانده انتظامی تهران بزرگ معتقد است، مبتنی بر ذات باجگیری، تعرض به نوامیس و قداره بندی این افراد ارادل گردانی کار درستی است؛ اما ذکر چند نکته و وقایع دیگر هم برای رسیدن به تحلیل درست از ماجرا لازم است.

رسوا کردن معترضان به نوامیس، باجگیران و زورگویان و این دسته از افراد به طور حتم کار خوبی است؛ اما با حکم مرجع قضایی و رعایت اصول آن، باید توجه داشت که ماهیت ارادل و اوپاش شدن چنین افرادی کسب شهرت و دیده شدن و جبران حقارت های گذشته است که با نمود پیدا کردن انواع تبهکاری ها و چهره های عجیب و غریب تبهکارانه در رفتار این افراد شروع می شود. در برخی موارد حتی میزان روزهای حبس هم برای چنین افرادی اعتبار آفرین است چه رسد به اینکه در یک محله به عنوان اوپاش شاخص گردانده شوند. البته زمانی که مردم هم ببخواهند ظلم های روا رفته به خود را بازگو کنند، همان اتفاقی می افتد که در تصاویر منتشر شده در شبکه های اجتماعی دیدیم، فحاشی اوپاش

دستگیر شده در محلات با آن اوضاع و احوال خاص وجود داشت. هر چند آن طرح ضربتی بر خورد مفید بود؛ اما استمرار نیافتن آن در سال ۱۳۸۸ نمود پیدا کرد و این ارتش اجاره ای فتنه فضا سازی خوبی برای گرم کردن تنور فتنه گران داشتند.

ماجرای اعتراضات بنزنی آبان ماه سال قبل، درسی دیگر برای مسئولان امنیت و آرامش مردم بود. یگان های آموزش دیده، مجهز و سازماندهی شده از ارادل و اوپاش در وسط مردم به تخریب گسترده اموال عمومی دست زدند. از طرفی حجم کشف قاچاق سلاح های سرد و گرم از تدارک فتنه های خونینی خبر می داد که ارتش این فتنه همان ارادل و اوپاش بودند.

لذا طرح ضربتی بر خورد با ارادل و اوپاش و جمع آوری آنها بار دیگر در سال ۱۳۹۹ کلید خورد. در دستگیری های اخیر در یک حرکت شاید غیر کارشناسی و به روز نشده دوباره بعد از حدود ۱۵ سال نیروی انتظامی اقدام به نمایش پشت و انتی ارادل و اوپاش دستگیر شده کرد.

احسان امیری

خبرنگار

اولین جلوه های سیاسی و امنیتی شلن ماجرای ارادل و اوپاش را در درگیری ها و اغتشاشات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ دیدیم؛ درست پس از اعلام رمز اغتشاشات از سوی عاملان و سران فتنه ۸۸. در انتهای تجمعات اعتراضی طیف فریب خورده از مردم جورچین ناامنی به وسیله اوپاش چیده شد و آن صحنه های تخریب و ناامنی در همه ذهن ها شکل گرفت؛ اما ناامنی سازی اوپاش در ابتدای دهه هشتاد هم سابقه داشت. ارادل و اوپاشی که حتی به آبرو و ناموس مردم در تهران و شهرستان ها رحم نمی کردند و بنا بر ارعایی که این دسته از حرامیان در محلات ایجاد می کردند، کمتر کسی حاضر به اعلام شکایت یا برخورد با آنها می شد، لذا یگان های ویژه ای برای برخورد ضربتی با ارادل و اوپاش در نیروی انتظامی شکل گرفت و تا حدودی موفق عمل کرد. البته در همان دوران گرداندن اوپاش

روزنه

کارگزار تحقق بخش
آرمان‌های انقلاب

احمد رضا هدایتی

کارشناس مدیریت



یکی از سوالاتی که این روزها در میان بخش‌هایی از مردم وجود دارد این است که چرا تا کنون آرمان‌های انقلاب به شکل واقعی و کامل محقق نشده است؟ یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تحقق این آرمان‌ها کارگزاران نظام اسلامی هستند. کارگزاران نظام اسلامی، علاوه بر تعهد و تخصص و سایر مؤلفه‌های اخلاقی و رفتاری، باید متصف به صفات دیگری هم باشند. کارگزار نظام اسلامی باید شناخت کافی نسبت به مبانی و ظرفیت‌های اسلام برای اداره امور جامعه داشته باشد یا افراد متخصص در این زمینه استفاده کنند. کارگزار نظام اسلامی باید در حوزه کاری خود با اعتقاد قلبی و به شکل عملی برای طراحی الگوهای بومی مبتنی بر مبانی اسلامی برنامه داشته باشد. کارگزار دولت اسلامی نباید برای الگوسازی اسلامی، نظریه‌های شرقی و غربی را مبنای کار خود قرار داده و با مزین کردن آنها به آیات و روایات اسلامی، الگوی به ظاهر بومی ارائه کند، بلکه باید با کمک افراد متخصص به شکل واقعی الگوی اسلامی را طراحی و ارائه کند. کارگزار دولت اسلامی باید برای اداره حوزه کاری خود، برنامه مکتوب علمی، عملی و کاربردی مبتنی بر اسناد بالادستی داشته باشد. کارگزار دولت اسلامی باید متناسب با سطح مسئولیت، با اسناد بالادستی کشور به ویژه در حوزه کاری خود آشنا باشد و بر همین اساس برنامه‌ریزی و حرکت کند. کارگزار دولت اسلامی باید متناسب با سطح مسئولیت، حداقل با توافق‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی حوزه کاری خود آشنا باشد. کارگزار دولت اسلامی باید با مشکلات و نقاط ضعف و قوت حوزه کاری خود کاملاً آشنا و برای برون‌رفت از آنها راهکار داشته باشد. کارگزار دولت اسلامی باید بیش از دیگران باور داشته باشد که اگر دیگران توانستند، پس «ما هم می‌توانیم» با توکل به خدا، کمک مردم و اتکا به منابع فراوانی که در اختیار داریم، آرمان‌های والای انقلاب را محقق کنیم. کارگزار دولت اسلامی باید، عملاً و قدماً و تا آنجا که امکان دارد با اولویت و اتکا به نیروهای فراوان داخلی (سرمایه انسانی، منابع طبیعی، ابزار و سایر مؤلفه‌های تولید ثروت و قدرت داخلی) اقدام و عمل کند و بتواند با استفاده بهینه از امکانات موجود و قابل دسترس، حداقل عایدی را نصیب کشور کند. کارگزار دولت اسلامی در حالی که کم‌توقع و ساده‌زیست است، باید با تمام قوا وارد میدان شود و از همه توان و ظرفیت فکری، علمی، تجربی و عملی خود برای انجام وظایف بهره‌بردار. کارگزار دولت اسلامی هرگز نباید رانت و روابط را جایگزین ضوابط کرده و در پی تأمین منافع حزبی و جناحی یا فامیلی و غیرفامیلی باشد. کارگزار نظام اسلامی باید از جنس مردم و برای مردم باشد و برای لمس و رفع مشکل آنها، تا آنجا که می‌تواند، به شکل میدانی و عملی (به ویژه در حوادث و بحران‌ها) در کنارشان باشد. کارگزار نظام اسلامی اگر چه ممکن است از دانش و تجربه سایر کشورها برای انجام کارهای بهره‌بردار، اما هرگز انتظار وقوع معجزه از سوی بیگانگان را ندارد. اکنون در آستانه ورود به سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، این نکات باید به طور جدی و در سطوح مختلف، مورد توجه کاندیداهای محترم ریاست جمهوری آینده قرار گیرد.

حاج قاسم در حرم به استقبال آمد

ضریح حضرت سلطان سریر ارتضای نیست. همه این ماجراها به کنار، اما دلم به حال آن پیر مرد سوخت که اگر هنری هم داشت ابزار دست سیاست‌بازان شد و این گرگ‌های دغل به جنازه او هم رحم نکردند. باز بگذریم...

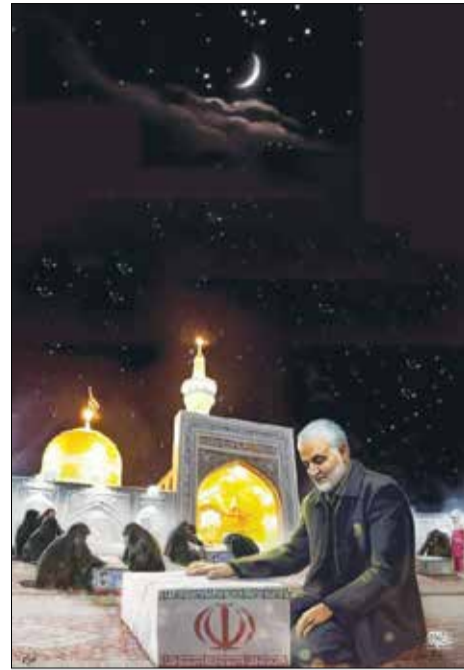
حالا شهیدان رضا حاجی‌زاده، علی عابدینی، محمد بلباسی، حسن رجایی‌فر، محمود رادهمهر از مازندران، شهید زکریا شیری از قزوین، شهید مجید سلیمانان از البرز و شهید مهدی نظری از خوزستان در روزهای آخر ماه صفر از امام حسن (ع) و از پنج تن آل عبا خجل شدند؛ چراکه در این خاندان تشییع جنازه میسر نشد؛ اگر هم میسر شد به بهای هفتاد تیر...

البته تشییع با شکوه قهرمانان دین و میهن در سخت‌ترین شرایط قرن در همه‌گیری کرونا آن هم این چنین، مایع افتخار است. این یعنی تاریخ دیگر به شیوه کربلای سال ۶۱ تکرار نمی‌شود و اگر تکراری هست آن تکرار ممکن است کربلای ۱۳۶۵ شلمچه باشد یا کربلای ۱۳۴۶ اروندرود، یا کربلای ۱۳۶۱ خرمشهر و دیگر کربلایهایی که در وسعت جبهه جهانی مقاومت رخ داد یا رخ خواهد داد. اما باز هم بنام زمان‌شناسی شهدا که به موقع می‌آیند...

شاید شایسته نباشد که میان دو گروه قیاس کنیم. گروهی که در پی اغراض سیاسی به جنازه پیر مرد هشتاد ساله هم رحم نکردند؛ هم در شکستن پروتکل‌های بهداشتی و هم در شکستن حرمت میت مسلمان هنگام تلقین سنگ تمام گذاشتند.

اما گروهی دیگر از مردم هم فراخوانده شدند؛ از سوی شهید. نمی‌دانم چه شد؛ اما یک شب و روز خبر عروج چند کیوتر خونین بال آمد. آن هم از کربلای خان طومان. البته شهیدی هم بعد از ۲۸ سال از جبهه‌های ایران بازگشت. خان طومان زمستان سال ۱۳۹۵ از زبان‌ها در ذهن‌ها جای گرفت؛ آنجا که سیدالشهدای مدافعان حرم یارانی از دیار مازندران و سایر شهرهای ایران را در نبرد خان طومان از دست داد و بعد از آزادی خان طومان دستور تشکیل تیم تخصص شهدای سوریه را داد. پیکر این شهید در دوران شهادت حاج قاسم بازگشتند و طواف حرم عشق کردند.

راستی حاج قاسم زنده هست در دوران شهادت انکار خادم ۲۴ ساعته امام رضا (ع) شده؛ چه زبیا آن هنرمند تصویر استقبالی حاج قاسم در لباس خادمی امام رضا (ع) را از شهدای خان طومان ترسیم کرد. به راستی در این روزگار کرونا بی‌انکار کسی جز شهدا مجاز به طواف



زنگ خطر برای متهمان فراری

رسیدگی به جرایم اخلاک‌گرا در نظام اقتصادی کشور به طور غیابی به ۱۲ سال حبس محکوم شده است. حیدرآبادی‌پور که در زمره مدیران کثیرالشغل کشور قرار داشت، برای هر یک از مشاغل خود حقوق‌های کلانی دریافت می‌کرد؛ از جمله اینکه درآمد ماهیانه وی تنها از مشاوره دادن به شرکت معدنی گل‌گهر، ۱۲ میلیون تومان در سال ۱۳۹۴ بود.

«سردار شیرزاد» رئیس پلیس بین‌الملل دربارۀ روند دستگیری حیدرآبادی‌پور گفت: «با استفاده از ظرفیت‌های موجود در بانک‌های اطلاعاتی سازمان اینترپل و هماهنگی‌های لازم با مراجع مربوطه داخلی و خارجی، علیه وی اعلان قرمز صادر و متعاقباً متهم را در یکی از کشورهای اروپایی ردیابی و مورد شناسایی قرار داد و بر اساس اعلان قرمز صادره و هماهنگی‌های انجام شده با مبادی دیپلماسی پلیسی کشور مقابل متهم دستگیر شد.» وی همچنین ضمن قدردانی از پیگیری‌های مستمر دستگاه قضایی در جریان بازگرداندن حیدرآبادی‌پور به کشور، گفت: «با انگیزه و جدیتی که مجموعه قضایی دارد دنیا برای مجرمانی که از ایران فرار می‌کنند، هر روز کوچک‌تر و سخت‌تر می‌شود.»

اهتمام قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط برای بازگرداندن حیدرآبادی‌پور، زنگ خطر را برای دیگر غارتگران بیت‌المال که به خارج متواری شده‌اند، به صدا درآورده است. ۱۹ خرداد امسال بود که حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی در جلسه شورای عالی قضایی، با اشاره به فاطمیت دستگاه قضا در مبارزه با فساد و رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی، یکی از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی را پناه دادن غربی‌ها به مجرمان، مفسدان

حسین چخماقی

خبرنگار



۲۳ مهر ۱۳۹۹ یاد ماجرای را برای ایرانیان زنده کرد. یک سال پیش در چنین روزی خبر دستگیری «روح‌الله زم» سرشیکه کانال معاند و ضدانقلاب «آمدنیوز» طی یک عملیات پیچیده اطلاعاتی به دست نیروهای اطلاعات سپاه، موجی از شادی و مسرت را در کشور ایجاد کرد. «دانیال‌زاده» نیز ۲۲ آبان سال گذشته در خارج از کشور دستگیر و به کشور بازگردانده شد؛ این در حالی است که ۲۳ مهر امسال هم با تلاش‌های پلیس بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و پیگیری‌های قوه قضائیه، یکی از متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی در خارج از مرزهای سرزمین‌مان دستگیر و وارد کشور شد.

«علیرضا حیدرآبادی‌پور» مدیرعامل اسبق بانک سرمایه‌دهنده در حین تحقیقات مقدماتی پیرامون تخلفات این بانک، از کشور خارج شده و روانه اروپا شده بود، سرانجام با تلاش پلیس اینترپل جمهوری اسلامی ایران، از طریق پلیس اسپانیا دستگیر و به کشور مسترد شد. مدیرعامل اسبق بانک سرمایه‌دهنده که دو پرونده مهم فساد اقتصادی دارد، در همه جلسات رسیدگی به تخلفات عدیده این بانک و صندوق ذخیره فرهنگیان طی چهار سال گذشته غایب بود. وی به اخلاص در نظام اقتصادی از طریق «خیانت در امانت» و «تحصیل مال نامشروع» متهم بوده و در جریان محاکمه برخی از مدیران بانک سرمایه‌دهنده شعبه سوم دادگاه ویژه

و غارتگران اموال مردم و منافقین عنوان کرد و گفت: «اینکه غرب به یک متهم یا مجرم اقتصادی که با پول‌های حرام فرار کرده پناه بدهد، با هیچ یک از قواعد بین‌المللی سازگار نیست.» رئیس دستگاه قضا در همان جلسه با بیان اینکه مبارزه با پولشویی و جرایم سازمان یافته صرفاً با تدوین و تصویب معاهدات و میثاق‌نامه‌ها تحقق نمی‌یابد؛ بلکه باید اراده جلدی برای اجرای این میثاق‌نامه‌ها هم وجود داشته باشد، دادستان کل کشور و معاون بین‌الملل قوه قضائیه را مأمور پیگیری استرداد متهمان متواری پرونده‌های فساد اقتصادی کرد و به متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی که از کشور متواری شده‌اند، هشدار داد که احساس نکنند می‌توانند از چنگ عدالت فرار کنند. ارزش و اهمیت مضاعف این دستگیری و استرداد را آنجایی می‌توان متوجه شد که بداندیم این اولین بار است که یک مجرم اقتصادی از اروپا به کشور بازگردانده می‌شود.

«محمدحسن آصفی» عضو هیئت رئیسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس به صبح صادق گفت: «دستگیری متهمان اقتصادی و امنیتی در خارج از مرزهای کشورمان، نشان‌دهنده اشراف اطلاعاتی بالای نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و عزم قاطع مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با متهمان و مجرمان است.» وی افزود: «در شرایطی که دشمن سعی می‌کند با تحمیل جنگ اقتصادی همه‌جانبه و اعمال تحریم‌های ظالمانه، جمهوری اسلامی ایران را از پای دریاورد، عده‌ای از افراد طمع‌کار در داخل کشورمان، با سوءاستفاده از موقعیت خود، اقدامات مخرب اقتصادی انجام داده و در روند نظام اقتصادی کشور اخلاص ایجاد می‌کنند.» عضو هیئت رئیسه

عکس و مکت



سرافراز و سرافکنده: در هفته گذشته دو بازگشت به کشور داشتیم. شهیدان خان طومان سرافراز و بر روی دوش، مایه مباحثات و افتخار مردم که جماعتی انبوه برای خوش‌آمدگویی آنها مشتاقانه آمدند، شهیدایی که برای دفاع از جان و مال مردم کشورشان از ایران رفته بودند. در مقابل مدیرعامل بانک سرمایه‌دهنده، سرافکنده، دستبند به دست و نقاب بر چهره پس از دست‌درانی به مال مردم از کشور فرار کرده بود.



آخه چرا؟! / در حالی که پیشتر آمریکایی‌ها از ترامپ نفرت دارند، یک مرد هندی به نام «بوسا کریشنا راجو» مجسمه‌ای از ترامپ ساخته و مثل خدا، اونو پرستش می‌کنه. آخه ترامپ؟ گاو رو رها کردی به ترامپ رسیدی؟! جالبه این مرد به نیت سلامتی ترامپ، چهار روز روزه گرفته و از دنیا رفته! دید که چیز بیشتری نمی‌شه گفت، هرچی بگیم از طنز ماجرا کم می‌شه!



مسبح سیستان و بلوچستان: ۱۱ سال از شهادت سردار شهید شوشتری و یارانش و جمعی از اهل سنت به دست عوامل گروهک تروریستی عبدالملک ریگی ملعون می‌گذرد. مردم بلوچ همیشه خوبی‌ها و دلسوزی‌های این شهید را به یاد دارند. بخش از وصیت‌نامه این شهید: «دیروز از هرچه بود گذشتیم. امروز از هرچه بودیم گذشتیم. آنجا پشت خاکریز بودیم و اینجا در پناه میز. دیروز دنبال گمنامی بودیم و امروز مواظبیم ناگهان کم نشود.»



درخ شرف و وجدان! / عرضه ماسک و مواد ضد عفونی‌کننده نه به نرخ دولتی و نه حتی به نرخ بازار، بلکه به نرخ شرف و وجدان از سوی مغازه‌دار اردبیلی. شاید فقط یک تبلیغ برای جلب مشتری باشد. ولی همین که به یادمان می‌آورد در برخورد باهم باید شرف و وجدان و اخلاق را در نظر بگیریم یک دنیا ارزش دارد. در ابتدای کرونا با محدودیت تولید ماسک مواجه شدیم؛ اما امروزه خوشبختانه ایران به قطب‌های تولید ماسک در منطقه تبدیل شده است.

انعکاس

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

تاریخچه سورپرایز اکتبر

ثمنه اکوان

کارشناس بین‌الملل

در دهه ۱۹۸۰ میلادی و در زمان رقابت‌های انتخاباتی بین کارتر و ریگان، «ویلیام کیسی» یکی از اعضای کمیته انتخاباتی ریگان که بعداً رئیس سازمان سیا شد، برای اولین بار از واژه «سورپرایز اکتبر» استفاده کرد و گفت، جیمی کارتر می‌خواهد راه‌حلی قطعی برای حل بحران سفارت آمریکا در ایران و گروگان‌های آمریکایی اعلام کند که اگر این کار صورت گیرد، می‌تواند شگفتی ماه اکتبر باشد و او را در انتخابات پیروز کند. کارتر با این حال نتوانست سورپرایز خود را ارائه دهد و در نتیجه در انتخابات شکست خورد؛ اما پیش از این در سال ۱۹۷۲ نیز آمریکا شاهد شکل‌گیری یک سورپرایز اکتبر بود و «هنری کیسینجر» مشاور امنیت ملی نیکسون جمله‌ای بیان کرد که بسیار جنجالی شد. او بیان کرد، در خصوص جنگ ویتنام، «صلح در دسترس است»؛ همین یک جمله که چند هفته پیش از برگزاری انتخابات بیان شد، نتیجه انتخابات را به نفع نیکسون در برابر رقیب دموکراتش، جورج مک گاورن تغییر داد. در سال ۲۰۱۶ و چند روز باقی‌مانده به برگزاری انتخابات، جیمز کومی، رئیس اف‌بی‌آی در نامه‌ای به کنگره اعلام کرد، پرونده تحقیقاتی جدیدی را در خصوص ایمیل‌های کلینتون باز کرده است.

با این حال برخی از شگفتی‌های ماه اکتبر هم بوده است که نامزد‌های انتخاباتی یا افراد نزدیک به آنها بیان نکرده و در واقع حوادثی به وجود آمده است، که خود سبب ایجاد شگفتی در فرایند انتخابات شده است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۲، حوادث طبیعی در تعدادی از «ایالت‌های نوسانی» یعنی ایالت‌هایی که تا آخرین دقایق انتخابات معلوم نیست به چه کسی رأی می‌دهند، تأثیرگذار بوده است؛ این ایالت‌ها تحت تأثیر طوفان ماه اکتبر، با اوپاما رأی دادند.

اما سورپرایز اکتبر ترامپ چه می‌تواند باشد؟

گمانه‌های زیادی در این زمینه مطرح شده است و با وجود اینکه عده‌ای معتقدند هنوز هم زمان برای ارائه شگفتی‌های جدید از سوی کمیته انتخاباتی ترامپ وجود دارد؛ اما برخی دیگر معتقدند ترامپ زمان لازم برای این کار را از دست داده است؛ اما برخی دیگر همچنان معتقدند اقداماتی وجود دارد که می‌تواند نتیجه انتخابات را به نفع ترامپ تمام کند، شامل پایان یافتن مراحل تحقیقاتی واکسن کرونا و اعلام آغاز فرایند واکسیناسیون عمومی و انتشار ایمیل‌های کلینتون و متهم کردن دموکرات‌ها به فساد سیاسی، انتشار جزئیات تحقیقات اف‌بی‌آی درباره دخالت روسیه در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا و ارتباط کمیته ترامپ با روس‌ها و نشان دادن این مسئله که این اتهامات بی‌پایه و اساس بوده است، از مواردی است که می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد. با این حال گمانه‌های دور از ذهن دیگری هم وجود دارند که هر چند احتمال‌شان کم است، اما هنوز هم در دایره پیش‌بینی‌ها قرار می‌گیرند؛ زیرا از کسی که پیر و نظریه «مرد دیوانه» است و می‌خواهد ثابت کند همیشه برای رویارویی با مشکلات آماده است، بعید نیست که این بار نیز اتفاقی عجیب در روزهای پایانی ماه اکتبر رخ دهد و سرنوشت انتخابات این کشور را به کلی تغییر دهد.



مهدی سعیدی

کارشناس سیاسی

اگر از تعریف دیرینه انسان که از آن با عنوان حیوان ناطق یا حیوان عاقل یاد کرده‌اند، بگذریم، مقوله عقلانیت در دنیای مدرن، به یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم بدل شده است. مفهومی مقدس که آدمیان در تلاشند تا رفتار خود را به آن آراسته و خود را معقول جلوه دهند. عقلانیت در غرب پس از رنسانس دستخوش تغییر مفهومی شده است. غرب مدعی است، با توجه به بازتعریف عقل توانست از «عصر تاریکی» که با حاکمیت مسیحیت و کلیسا در قرون وسطی مقارن بود، بگذرد و راه توسعه و پیشرفت را در «عصر روشنگری» بیابد. عقلی خودبنیاد و بی‌نیاز و منقطع از راهنمایی‌ها و هدایت وحی که گزاره‌هایی متفاوت و متعارض با گزاره‌های دینی و اخلاقی را احصا می‌کند. عقل منقطع از وحی هر چند تلاش دارد خود را مستقل از هرگونه تعلق و «آزاد» نشان دهد، اما حقیقت آن است که چنین مدعایی گزاره‌های بیش‌نوده و عقل سکولار خود را اسیر در شهوت و حیوانیت یافته و به ابزاری برای تأمین خواسته‌های نفسانی آدمی استحاله شده است؛ به گونه‌ای که تبلور عینی آن استعمار و غارت سرزمین‌ها و استعمار و استثمار ملت‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکا و آغاز دو جنگ جهانی خانمان سوز اول و دوم و قتل ده‌ها میلیون توده‌های مردم در آغاز قرن بیستم و کشتار مظلومانه مردم فلسطین، یمن، افغانستان، عراق، سوریه و... در قرن بیست‌ویکم است!

عقلانیت در پرتو وحی

عقل در نگاه اسلامی هویت دیگری دارد و در پیوند با شریعت تعریف شده است. سال‌ها پیش رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف عنصر عقلانیت در مکتب امام فرمودند: «عقلانیت امام هم از اسلام است.» آنچه در آموزه‌های دینی مورد تأکید و توجه است، عقلی است که تنها در برابر وحی قرار ندارد؛ بلکه با هدایت و راهنمایی وحی مسیر حق و هدایت را می‌یابد. در گفتمان حضرت امام (ره) عقل موجودی است که «ما عید به الرحمن» است و راه و رسم سعادت و زندگی را مبتنی بر راهنمایی‌های آسمانی ترسیم می‌کند. این عقل متصل به وحی ضمن توجه و تأیید گزاره‌های دینی، در فهم این گزاره‌ها نیز به کار می‌آید و خود حافظی برای جلوگیری از تحریف و ایجاد مصونیت در آموزه‌های دینی است.

صحنه منازعه دو الگوی عقلانیت

مهم‌ترین تجلی دو الگوی عقلانیت را می‌توان در عرصه سیاست‌ورزی امروز مشاهده کرد؛ عرصه‌هایی که جمهوری اسلامی با الگوی ارائه کرده خود، جهان غرب را به چالش کشیده است. سیاست در غرب به ظاهر چهره‌ای عقلانی به خود

گرفته و اندیشه‌های دیگر را به جرم التزام نداشتن به مؤلفه‌های عقلانیت و پیروی نکردن از منطق سیاست مدرن، «غیرعقلانی» معرفی می‌کند. حمایت از مردم مظلوم عالم، منطق مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهان و استعمارگران، تلاش برای حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ده‌ها عقلانی دیگر، همگی غیر عقلانی خوانده شده و در سایه تقوق رسانه‌ای و قدرت رسانه‌ای به خورد ملت‌های جهان داده می‌شود. عقل محافظه‌کار مدرن امروز، عقل توجیه‌گر نظام سلطه حاکم بر جهان است و مبتنی بر آن نمی‌توان از مقاومت و مبارزه با یکجانبه‌گرایی سخن گفت؛ این در حالی است که ملت‌های مستضعف و محروم عالم امروز برای غلبه بر وضعیت نامتوازن حاکم بر جهان، در اولین گام باید منطق عقلانیت غرب را کنار گذاشته و عقلانیت جدیدی را جایگزین کنند. آن بوده و بهترین گزینه «راه‌های بخش» به حساب می‌آید. این اندیشه امروز به برکت انقلاب اسلامی به مهم‌ترین گفتمان رقیب عقلانیت مدرن بدل شده است.

مقوله انسانیت و اخلاق

تفاوت دو الگو را می‌توان در غایات سیاست مشاهده کرد. عقلانی کردن سیاست در دنیای مدرن به مفهوم عقلانی کردن روش و تسری دادن رابطه عینی عقلانی میان وسیله و هدف بر حوزه سیاست تلقی می‌شود و در این میان صحبت از عقلانی شدن اهداف مورد توجه نیست. امروز حاکمیت نگاه رئالیستی و پوزیتیویستی بر سیاست مغرب زمین، عقلانی شدن دولت را تنها در کارایی و پیچیدگی ابزارها و بوروکراسی آن می‌بیند و از اهداف سیاست و اهدافی که قرار است این ابزارهای کارآمد در خدمت تحقق آن قرار گیرند، سخنی در میان نیست. در نتیجه اهداف سیاست مبتنی بر اهواء بشر‌ها شده از اخلاق و رویگردان از آسمان ترسیم شده و مدت‌هاست که اخلاق و انصاف و انسانیت و عقل، از جرگه تصمیم‌گیران در این عرصه کنار گذاشته شده است. در سیاست اسلامی بررسی اهداف

سیاست از اولویت ویژه‌ای برخوردار است و به نوعی سیاست اسلامی را می‌توان «سیاست غایت‌محور» دانست. در این نگاه تدبیر و تصمیمی در حوزه سیاست عقلانی است که تحقق بخش انسانیت و اخلاق باشد؛ وگرنه غیرعقلانی و غیرشرعی است. در منطق سیاست‌ورزی مبتنی بر عقل مدرن، رسیدن به هدف اصالت داشته و حجتی برای مباح دانستن وسیله است، لذا کسب منافع از هر طریق ممکن می‌تواند مجاز باشد، حتی اگر به قربانی کردن حقوق دیگران منتهی شود. حضور مفاهیم و مقیّدات اخلاقی از آنجاکه مانعی پیش روی کارایی و رسیدن به هدف است، باید کنار گذاشته شود. در تاریخ سیاسی غرب شاهد مثال‌های بسیاری را می‌توان یافت که مبتنی بر این اصل جنایات بزرگی شکل گرفته است. از بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی برای تسلیم کردن ژاپن تا اشغال افغانستان، عراق،

مروری بر منازعه دو الگوی عقلانیت در عرصه سیاست‌ورزی

یمن و سوریه به بهانه مبارزه با تروریسم و ایجاد دموکراسی، همگی نمونه‌هایی از این رفتارهایی عقلانی غرب است!

ایسن در حالی است که در منطق اسلامی به شدت این اصل منطق مدرن نفی شده و راه و طریق رسیدن به هدف نیز همچون هدف پر اهمیت است و از راه‌های نامشروع و غیر عقلی نمی‌توان به دنبال اهداف مشروع بود. نمونه بارز این رفتار اسلامی را می‌توان در به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و حمله موشکی به مناطق مسکونی یافت که با وجود اینکه این اقدامات ناروا از سوی رژیم بعثی به کرات به کار گرفته شد، ولی حضرت امام (ره) هیچ گاه اجازه به کارگیری چنین روش‌هایی را صادر نکردند.

تقابل دو نوع عقلانیت

مواجهه همه‌جانبه این دو الگو از عقلانیت، امروز در صحنه سیاسی و مدیریتی کشور به اوج خود رسیده است. در یک سوی این مواجهه، غربگرایانی قرار دارند که در طول سه دهه اخیر، نزدیکی به غرب را راه حل مشکلات کشور دانسته‌اند و جریان ارزشی و انقلابی که ایستادگی و استقلال‌طلبی را ضامن عزت و پیشرفت این ملت می‌دانند. دوگانه سازش-مقاومت آشکارترین صحنه این تقابل و رویارویی است، آنجا که عقل مدرن از ضرورت مذاکره برای برداشتن تحریم‌ها سخن می‌گوید و تصویب برجام را اوج دستاورد خود برای حل مشکلات جشن می‌گیرد! در مقابل عقلانیت اسلامی معتقد است، راه مقابله و بی‌اعتبارسازی تحریم‌ها مذاکره نیست؛ چرا که مشکلات موجود محصول سوء تقاضاهات نیست که گفت‌وگو و مذاکره حلال آن باشد. تحریم ابزاری برای دشمنی است که جز تسلیم و تغییر رفتار ملت ایران هدف دیگری ندارد. عقلانیت انقلابی امام معتقد است، با اتکا به منابع و استعداد‌های درونی می‌توان به اقتصادی رسید که تحریم را بی‌اثر کند.

به همین دلیل شعار «ما می‌توانیم» سر می‌دهد و نمی‌خواهد اجازه دهد که در «جنگ اراده‌ها»، حس یأس و ناامیدی در جامعه فراگیر شود. عقلانیت اسلامی تجربه هشت سال دفاع مقدس را بازخوانی می‌کند تا به نسل سوم و چهارم انقلاب یادآوری کند که چگونه در آن شرایط حساس و در حالی که دست کشور از همه چیز کوتاه بود، شعار «ما می‌توانیم» نسل اول و دوم انقلاب توانست بر مشکلات فائق آمده و توان نظامی کشور را آنگذر ارتقا بخشد که دشمن را مجبور به عقب‌نشینی و صدور قطعنامه ۵۹۸ کند. در این الگو از عقلانیت، صلح و آرامش و مذاکره نیز پس از مقاومت و ایستادگی به نتیجه خواهد رسید و با پشتوانه اراده‌هایی که می‌توانند همه موانع را بر طرف کنند، دستگاه دیپلماسی در میز مذاکره خواهد توانست از حقوق یک ملت دفاع کرده و اراده ایشان را به قطعنامه و صلحنامه بدل کند.

عقلانیت انقلابی به اقتصاد مقاومتی معتقد است، اقتصادی که اصل را بر تولید داخلی قرار داده و مستظهر به توان فکری و نیروی کار داخلی

مواجهه عقل و ترس!

است و به اراده و هوش و استعداد جوانان این سرزمین اعتقاد داشته و بر این باور است که از این طریق می‌توان تحریم‌ها را بی‌اثر کرد. اما غربگرایان همچنان منتظرند تا تکلیف انتخابات آمریکا مشخص شود تا شاید با انتخاب بایدن، گشایشی را برای کشور رقم بزنند! در بستر این تقابل است که رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی سال‌ها پیش تأکید داشتند: «عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌یابی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست. بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسرسر بین‌المللی، می‌خوانند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم‌بگذارند! این نمی‌شود. این نشانه بی‌صبیری و نشانه خسته شدن است.» (۱۳۷۶/۶/۱۹)

شجاعت و عقلانیت

حاصل عقلانیت سکولار چیزی جز محافظه‌کاری و انفعال و بزدلی نیست! انسان منفع‌طلبی که جز به حیات مادی خود نمی‌اندیشد و هیچ سنت الهی فرامادی را قبول ندارد و برای حفظ حیات خود به هر ذلت و پستی رضایت می‌دهد تا چند صباحی بیشتر زنده بماند! و همین ضعف و ناتوانی است که دشمن را بیش از پیش طمع‌کار کرده و زیاده‌خواهان عالم را به تجاوز و تعدی بیشتر سوق می‌دهد!

محصول تربیت عقل غایت‌اندیشی و تربیت مدیرانی است که حتی حاضر به حضور در خط مقدم در هیچ عرصه‌ای نیستند! همان‌ها که می‌خواهند از کیلومترها دور، صحنه جنگ را مدیریت کنند و حضور در کنار مدافعان سلامت و امنیت و... را «بی‌عقلی» معرفی می‌کنند. چنین رفتارهایی کافی است تا رهبری انقلاب را به یادآوری چنین سخنانی ترغیب کند که: «بعضی‌ها اسم عقل و عقلانیت را که می‌آورند، منظورشان از عقلانیت ترسیدن است؛ وقتی می‌گویند عاقل باشید، یعنی بترسید، یعنی منفعل باشید، یعنی از مقابل دشمن فرار کنید!»، «این درست نیست!» ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند اینها است؛ عقلانیت یعنی محاسبه درست. البته دشمن سعی می‌کند عقلانیت به آن معنای غلط را تلقین کند، بعضی هم نادانسته گاهی حرف‌های دشمن را تکرار می‌کنند.» (۱۳۹۹/۷/۲۱)

امروز راه حل مشکلات کشور سپردن امور به افراد جسور و شجاعی است که هویت خود را مبتنی بر الگوی عقلانیت اسلامی-انقلابی شکل داده‌اند! ترسوها روز به روز کشور را به عقب رانده‌اند و عقلانیت سکولار آنها چیزی جز ناکارآمدی و انفعال و تحریم و فرصت‌سوزی به همراه نداشته است. هوشمندی نسبت به این ماجرا خواهد توانست سرنوشت خوشایند و پرامیدی را در آینده نزدیک برای ملت بزرگ و شجاع این سرزمین رقم زند. ان‌شاء‌الله

سازش هرگز!

«سید عمار حکیم» رهبر جریان حکمت ملی عراق و ائتلاف عراقین در دیدار با جمعی از شیوخ و چهره‌های برجسته عشایر سراسر عراق، اظهار داشت: «بغداد به هیچ عنوان بخشی از سیاست عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نخواهد بود.» وی تأکید کرد: «حل فصل گرفتاری‌های عراق در گرو حل سلسله حلقه‌های متصلی است که از حلقه سیاسی آغاز می‌شود؛ چرا که ثبات سیاسی دروازه ثبات امنیتی است و ثبات امنیتی راه دستیابی به ثبات اقتصادی به شمار می‌رود و از رهگذر تحقق این مقوله‌ها، مردم به کشورشان و ساختار سیاسی‌اش علاقه‌مند می‌شوند.»



تشدید بحران

روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» نوشت: دونالد ترامپ در مراسم تحلیف خود گفت که سیاست او، «اول آمریکا» خواهد بود «و منظور او امروز در افول رهبری آمریکا و تقدیس برند آمریکایی، نگرانی متحدان آمریکا و کامیابی رهبران مستبد متجلی شده است.» این روزنامه خاطر نشان کرده است، مشکلات آمریکا صرفاً به دلیل ترامپ ایجاد نشده‌اند؛ اما او آنها را تشدید کرده است: «مشکلات دنیا البته همه تقصیر ترامپ نیست. اما بی‌اعتنایی خودسرانه آقای ترامپ به مسائل دنیا و بی‌زاری او از دیپلماسی، یافته‌های اطلاعاتی و مسائل تجربی، غالباً موجب شده‌اند مشکلات وخیم‌تر شوند.»

The
New York
Times

شکست خوردیم

جان بولتون با انتقاد از فقدان راهبردی در سیاست‌گذاری دولت ترامپ در سیاست خارجی گفت: «اگر ترامپ به پیروزی برسد، ممکن است تحریم‌ها و اعمال تعرفه‌ها را کنار بگذارد و یک بار دیگر بر اساس دریافت‌های درونی خودش به مسیر تلاش برای رسیدن به توافق تجاری در قبال ایران برگردد.» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا همچنین با اذعان به شکست واشنگتن در برابر تهران، تصریح کرد: «راهبرد ما در قبال ایران نتایج مثبت به همراه نداشته است. ما داریم به عقب برمی‌گردیم. همه اینها مشکلاتی هستند که به دلیل تصمیم‌گیری‌های تصادفی رئیس‌جمهور ایجاد شده‌اند.»



حضور بلندمدت

ترکیه از قره‌باغ چه می‌خواهد؟



علی مهر دوست

کارشناس مسائل ترکیه

در درگیری‌های اخیر آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره‌باغ، نقش بازیگران ثالث، از جمله ترکیه بیش از پیش به چشم می‌خورد.

نقش متفاوت

ترکیه که در دوران استقلال جمهوری آذربایجان، متناسب با شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و اختلافاتی که با ارمنستان دارد، سیاست واحدی را درباره قره‌باغ اتخاذ کرده و همواره بر لزوم آزادی‌سازی این منطقه و الحاق آن به خاک آذربایجان تأکید داشته، تلاش کرده است از طریق سیاسی و رسانه‌ای نه تنها قدرت نرم خود را در میان افکار عمومی این کشور یعنی آذربایجان گسترش دهد؛ بلکه روابط خوبی را با دولت باکو برقرار کند. با وجود رویکرد ثابت و مشخص ترکیه در زمینه قره‌باغ، در درگیری‌های چند هفته اخیر نقش این کشور متفاوت از گذشته دیده می‌شود. در این دوره ترکیه علنی در کنار جمهوری آذربایجان قرار گرفته و افزون بر حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای که از قبل داشته است، اقدام به پشتیبانی‌های تسلیحاتی و مستشاری از این کشور کرده است. کما اینکه حتی اطلاعاتی نیز مبنی بر انتقال تعدادی از عناصر سلفی از سوی ترکیه برای کمک به ارتش آذربایجان در رسانه‌ها منتشر شده است که واقعیت دارد.

اهداف

ترکیه از ورود مستقیم به مناقشه قره‌باغ اهداف متعددی را پیگیری می‌کند که در ادامه به اهم آنها اشاره می‌شود: ۱- توسعه حوزه نفوذ و سرزمینی خود به قفقاز در راستای سیاست نئوعثمان‌گرایی با تکیه بر اکثریت قومی و زبانی و تعقیب سیاست کسب امتیاز از سایر بازیگران حاضر در این منطقه (روسیه، ایران، فرانسه) در پرونده‌هایی همچون سوریه و لیبی؛ ۲- تلاش برای حضور فعال در مذاکرات قره‌باغ؛ اگرچه ترکیه جزء گروه

مینسک است؛ اما چون هدایت و سیاست‌های این گروه بیشتر از سوی آمریکا، روسیه و فرانسه اعمال می‌شود، لذا ترکیه به دنبال ایفای نقش فعال و مؤثر در مذاکرات است. به تعبیر آقای اردوغان، برای حضور در میز مذاکرات باید در میدان حضور داشت. ۳- اعمال فشار علیه ارمنستان و حامی آن فرانسه با توجه به اختلافات موجود میان دو کشور در مدیریت شرقی و لیبی؛ ۴- جلب حمایت‌های اقتصادی آذربایجان و فراهم کردن بستر فروش تسلیحات به این کشور با توجه به اوضاع نامناسب اقتصادی ترکیه؛ ۵- تلاش برای حضور نظامی در قفقاز از طریق احداث پایگاه نظامی در جمهوری آذربایجان، طوری که هفته پیش رئیس مجلس ترکیه از بررسی این موضوع در مجلس این کشور خبر داده بود؛ ولو اینکه تحقق چنین سیاستی نیازمند تغییر قانون اساسی آذربایجان و چشم‌پوشی روس‌هاست.

نکته راهبردی

همان ابتدا ترک‌ها در تمامی سطوح بر لزوم حضور خود در مذاکرات قره‌باغ تأکید می‌کردند؛ اما رفتار مستقل و باطمینان روسیه و پرهیز از مشارکت دادن سایر بازیگران حاضر از جمله ترکیه در مذاکرات آتش‌بس، نشان داد که روس‌ها همچنان خود را پلر خوانده آن منطقه تلقی کرده و تمایلی برای حضور سایر بازیگران اخیر افزایش مقبولیت اجتماعی در میان افکار عمومی آذربایجان بوده و در عرصه منطقه‌ای نتوانسته بر خلاف تلاش‌هایش، جایگاه حقوقی در میز مذاکرات برای خودش تصاحب کند. از آنجا که ترک‌ها به دنبال حضور بلندمدت در منطقه بودند، این نگرانی وجود دارد که بی‌توجهی روسیه به درخواست‌های طرف ترک برای حضور در مذاکرات و نارضایتی آنها از این سیاست، نه تنها سبب شکنندگی توافق آتش‌بس بشردوستانه میان طرفین و تداوم درگیری‌ها شود؛ درگیری‌های چند روز بعد از توافق- بلکه در صورت تداوم مداخلات ترکیه، همکاری‌های دو کشور در سایر حوزه‌ها نیز تحت الشعاع قرار گیرد.

زلزله سیاسی!

نظر سنجی‌ها از پیروزی ترامپ خبر می‌دهند یا بایدن



محمدصادق مصطفوی

کارشناس بین‌الملل

میانگین نظر سنجی‌های معتبر در روزهای اخیر نشان می‌دهد، بایدن نسبت به ماه گذشته از دو درصد مقبولیت بیشتر برخوردار شده، این در حالی است که ترامپ و طرفدارانش به مناظرات زنده تلویزیونی امید ویژه‌ای داشتند؛ حال آنکه در اولین مناظره واهی بودن امیدهای آنها آشکار شد و ترامپ آنگونه که انتظار داشت نتوانست از پس رقیب دموکرات خود بر آید، این ناکامی دو دلیل ویژه داشت:

الف- کارنامه نامیدکننده ترامپ در ماه‌های اخیر به ویژه در موضوع کنترل کرونا و ابتلای بیش از ۸ میلیون آمریکایی و مرگ بیش از ۲۲۰ هزار نفر؛ بد مقابله لجام‌گسیخته بایدن با ترامپ و استفاده از ادبیات تند که سبب شد نه تنها ترامپ کنترل جریان مناظره را از دست دهد؛ بلکه بایدن نیز متفاوت از تصورات ظاهر شد.

بر اساس آخرین نظر سنجی‌ها، بایدن با رشد یک و هشت دهم درصدی، ۵۷٪ درصد به پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰ نزدیک‌تر شده است و ترامپ با کاهش هشت دهم درصدی، در انتخابات پیش رو ۴۱٪ درصد امکان پیروزی خواهد داشت. این کاهش مقبولیت سبب شده است تا روند تحولات سیاسی روزهای آینده آمریکا با اما و اگرهای متعددی روبه‌رو شود، تا جایی که «توماس فریدمن» تحلیلگر معروف آمریکایی پیرامون برنامه‌های پنهانی ترامپ و اینکه احتمالاً وی در صورت ناکامی در کارزار انتخاباتی، به واگذاری قدرت به صورت مسالمت‌آمیز تن ندهد، هشدار داد و خطر وقوع «جنگ داخلی» در برخی از ایالت‌های آمریکا را متذکر شد. هر چند با توجه به شخصیت‌سازی پوشالی‌ای که از آمریکا در میان ملت‌های جهان با ابزارهایی مانند هالیوود صورت گرفته این موضوع دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ اما آیا کسی تصور می‌کرد که قتل یک سپاه‌پوست، آمریکا را با چنین چالش اجتماعی عمیق و گسترده‌ای روبه‌رو کند که ماه‌ها به طول انجامد و حتی ابعادی فراتر

از سوی ترامپ حکایت دارد. در آخر باید اشاره کرد، هشت ساله بودن دوران ریاست جمهوری اکثریت رؤسای جمهور آمریکا سبب شده است تا ترامپ قاطعانه به دنبال ثبت اسم خود به عنوان یکی دیگر از این افراد باشد تا جایی که برای کسب این جایگاه بر اساس اظهار نظرهایی که درباره احتمال تقلب برای جلوگیری از انتخابش کرده و آینده انتخابات را صرفاً با پیروزی جمهوری خواهان قابل پذیرش دانسته است و...، همگی حکایت از این خواهد داشت که این دور از انتخابات آمریکا سرنوشتی متفاوت از دیگر انتخابات‌های آمریکا خواهد داشت.

فضای بیمارگونه آمریکا

ماهیت علمی و انسانی عملیات مهار کرونا را کاملاً کنار می‌گذارند. هیچ واکنش نظام‌مندی در برابر اپیدمی کرونا در سطح فدرال آمریکا دیده نمی‌شود؛ این رویه غیراخلاقی که سیاستمداران کاخ سفید محاسبات سیاسی را در اولویت علم قرار می‌دهند، یک زخم عمیق در تاریخ توسعه تمدن سیاسی بشر به وجود آورده است.

زور آزمایی ترکیه!

سی‌ان‌ان: در نخستین دهه از حکومت اردوغان میلیون‌ها ترکیه‌ای از فقر بیرون آمدند، اقتصاد رونق یافت، تنوع در بازار ترکیه بیشتر شد و حتی نرخ مرگ و میر نوزادان به شدت کاهش یافت؛ اما در سال‌های اخیر، ارزش پول ملی ترکیه به طور ناگهانی پایین آمده، بدهی دولت افزایش یافته و تورم نیز بیشتر شده است. انتظار می‌رود اقتصاد ترکیه در مقایسه با اقتصاد دیگر کشورهای جهان در سال ۲۰۲۰ میلادی سقوط کند؛ اما ممکن است در سال ۲۰۲۱ بهبود یابد. اقتصاد نه تنها در سیاست داخلی، بلکه در سیاست خارجی نیز پاشنه آشیل اردوغان به شمار می‌آید. اگر ترکیه بتواند به زور آزمایی‌های خود ادامه

شکست در همه جبهه‌ها

رای‌الوم: صحبت از جنگ و مقابله با حزب‌الله از زبان سمیر جمیع که می‌گوید ۱۵ هزار نیرو دارد و تاکنون آن را تکذیب نکرده، بوی توطئه می‌دهد، در واقع این اظهارات حکایت از تلاش برای برافروختن آتش جنگ داخلی دوم در لبنان دارد که آمریکا و رژیم صهیونیستی و سازشکاران عرب که هدف همه آنها نابودی حزب‌الله و خلع سلاح آن است، پشت این توطئه هستند. سمیر جمیع گویا نمی‌داند که حمایت آمریکا و عربستان و امارات از وی نمی‌تواند تضمین پیروزی‌اش باشد. این مثلث شوم که جنگ غیرانسانی یمن را به پا کردند و در همه جبهه‌های آن شکست خوردند.

فاجعه دست‌ساز بشری

واشنگتن پست: ناکامی تاریخی آمریکا در مقابله با اپیدمی کرونا، ثابت کرد که مهار این اپیدمی در آمریکا یک فاجعه دست‌ساز بشری است. در فضای سیاسی کنونی بیمارگونه آمریکا، تعداد زیادی از مقامات مهم داخل و خارج از کاخ سفید صرفاً به دنبال منافع سیاسی شخصی و حزبی‌شان هستند و



جهان

شماره ۹۷۲ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

تداوم بحران سیاسی در لبنان

محمد رضا بلوردی

کارشناس مسائل منطقه



بیشتر از دو ماه از حادثه انفجار مهیب در بندر بیروت و تحولات سیاسی پس از آن، که به استعفای دولت حسان دیاب انجامید، می‌گذرد. در این مدت با وجود تلاشی که قدرت‌های خارجی و به طور مشخص فرانسه صورت دادند و مهلت همراه با تهدیدی که به گروه‌های سیاسی داده شد، اما شرایط برای مصطفی ادیب، گزینه معرفی شده برای تشکیل دولت فراهم نشد و او نیز از تشکیل کابینه انصراف داد. در چنین فضای سعد حریری، نخست‌وزیر اسبق لبنان در گفت‌وگویی تلویزیونی اعلام کرد، او گزینه نخست‌وزیری در کشورش است و برخی گروه‌های سیاسی هم از او حمایت می‌کنند. حریری همچنین نوشت: «من مثل بقیه دیگران را تهدید نمی‌کنم و آنگونه که برخی منتقدان می‌خواهند عمل نخواهم کرد. من پسر رفیق حریری هستم که به واسطه اعتدالی که در رفتارش داشت شناخته می‌شود.» اعلام آمادگی حریری برای عهده‌دار شدن نخست‌وزیری کشورش تعجب‌برانگیز به نظر می‌رسد؛ به‌ویژه اینکه در وضعیت کنونی او از حمایت‌های منطقه‌ای و فرماندهی (که برای تشکیل دولت در کشور مثل لبنان یک ضرورت به حساب می‌آید) برخوردار نیست. همچنان‌که در داخل هم برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با او همراهی نمی‌کنند؛ گروه‌ها و جریان‌هایی که در چنین موقعیت‌هایی وظیفه آنها آماده کردن مسیر برای کسی است که قصد رسیدن به کرسی نخست‌وزیری را دارد. بر اساس اطلاعات موجود، مشورت‌ها و گفت‌وگوهایی که حریری با میشل عون، رئیس جمهور و نینه بری، رئیس پارلمان داشته است، چندان مثبت نبوده و ناراحتی او را در پی داشته است. گفته می‌شود رئیس جمهور لبنان از حریری خواسته است تا با جبران باسیل (وزیر خارجه سابق و مخالف سرسخت حریری) گفت‌وگو کند؛ همچنان‌که نینه بری نیز در گفت‌وگو با حریری تأکید کرده است گروه‌های سیاسی شیعه (جنبش امل و حزب‌الله) به حریری امتیازی فراتر از آنچه به مصطفی ادیب پیشنهاد کرده بودند، نخواهند داد. این در حالی است که در طرف مقابل هم پیمانان سابق حریری (ولید جنبلاط، رئیس حزب ترقی خواه، و سمیر جمیع، رئیس حزب نیروهای لبنانی) هم نظر مثبتی برای معرفی او برای تشکیل کابینه ندارند. به هر حال، تلاش حریری برای بازگشت به قدرت و طرح پیشنهاد تشکیل دولت تکنوکراتی که احزاب و گروه‌های سیاسی در آن حضور نداشته باشند، مورد موافقت آنها قرار نخواهد گرفت. به ویژه اینکه گروه‌های سیاسی شیعه لبنان هم تأکید کرده‌اند در گفت‌وگو با هر کسی که به مثابه گزینه نخست‌وزیری معرفی شود، همان مسیری را ادامه خواهند داد که با مصطفی ادیب رفته بودند تا از این طریق پایبندی خود به این سخن سید حسن نصرالله را ثابت کنند که گفته است: «ما برای حمایت از مقاومت در هر دولتی که در لبنان تشکیل شود شرکت خواهیم کرد.»

وضعیت اقتصادی نابسامانی که این کشور پشت سر می‌گذارد و فشارهایی که در این زمینه وارد می‌شود، این احتمال را تقویت می‌کند که گروه‌های مختلف برای رسیدن به یک توافق فرآیند مجبور شوند امتیازهای متقابل بدهند تا بار دیگر فرصت برای تشکیل دولت از دست نرود.

یادداشت

دلایل افزایش قیمت اوراق تسهیلات مسکن

مهدی سلطان محمدی

کارشناس مسکن



در حالی که قیمت مسکن با رشدی افسارگسیخته رکورد‌های جدیدی را ثبت می‌کند؛ نسبت تسهیلات خرید مسکن به قیمت نهایی خانه روز به روز در حال کاهش است. با این حال در روزهای گذشته خبری مبنی بر افزایش قیمت خرید اوراق تسهیلات مسکن منتشر شد. نکته قابل ذکر در این باره این است که قیمت خرید اوراق تسهیلات مسکن در تعادل بین عرضه و تقاضای بازار تعیین شده و یکی از ساده‌ترین سازوکارها برای تسهیلات مسکن است؛ چرا که دولت نقشی در آن نداشته و در واقع در این روش منابع برخی از افراد در راستای تأمین کمبود منابع دیگران و بدون اینکه بار مالی روی بودجه داشته باشد، تأمین می‌شود. حتی اگر دلیل افزایش قیمت این اوراق، فعالیت‌های سفته‌بازانه افراد در بورس باشد، باز هم این افزایش تقاضا سبب خواهد شد اوراق بیشتری منتشر شود و این فعالیت‌ها نه تنها فعالیت زیان‌بخشی برای بازار نیست؛ بلکه عرضه و تقاضا را تغییر می‌دهد.

اما اینکه چرا همچنان مردم باوجود افزایش هزینه‌های خرید اوراق تسهیلات مسکن از آن استقبال می‌کنند، این است که وقتی افزایش قیمت مسکن شدید بوده و در شش ماه اول سال حدود ۶۰ درصد افزایش داشته است، در چنین وضعیتی برای خریدار مسکن صرفه دارد که حتی منابع مالی را با قیمت‌های بالاتری دریافت کند؛ چرا که فکر می‌کند این کار برایش به صرفه است و افزایش قیمت مسکن می‌تواند این سود را پوشش دهد. در چنین شرایطی اگر قیمت اوراق تسهیلات مسکن افزایش یابد، به این معناست که سپرده‌گذاران به این نتیجه رسیده‌اند که این اقدام نیز روشی برای سپرده‌گذاری خواهد بود و ممکن است به سودی بیشتر از سود سپرده‌های بانکی برسند. بنابراین میزان عرضه در این بخش افزایش می‌یابد.

اگر چه در حال حاضر به دلیل افزایش قیمت مسکن، سهم این تسهیلات در قیمت تمام شده مسکن به شدت کاهش یافته است؛ اما در نهایت این سازوکار در یک افق میان‌مدت خودش را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که وقتی قیمت بالا رود، میزان عرضه این اوراق بیشتر می‌شود و وقتی عرضه افزایش یابد، این افزایش عرضه در دوره‌های بعدی، روی بازار تأثیر می‌گذارد. در واقع وقتی میزان عرضه منابع بیشتر شود، می‌تواند سهم بیشتری از آورده خانوار برای خرید مسکن داشته باشد. منتهی یکی از مشکلات این اوراق، تضمین‌هایی است که باید برای بازگشت این تسهیلات داده شود. با توجه به اینکه حقوق رسمی عموم شهروندان خیلی بالا نیست و فرض بانک‌ها این است که رقم اقساط نباید بیشتر از دریافتی حقوق افراد باشد، خود این موضوع به مانعی برای دریافت تسهیلات تبدیل شده است. با این حال اگر چه افزایش میزان تسهیلات سبب تقویت بخش تقاضای مسکن شده و اثر فرایندهای روی قیمت‌ها خواهد داشت؛ اما این موضوع در همه جای دنیا صادق بوده و نمی‌توان با این استدلال، تحریک و تقویت تقاضا را نفی و تسهیلات‌دهی به خریداران مسکن را کنار گذاشت.

در گفت‌وگوی صبح صادق با محمد کهندل اقتصاددان و استاد دانشگاه مطرح شد

گرانی‌ها هیچ ربطی به FATF ندارد

میلاذ شکری

خبونگار



تورم به شدت در حال افزایش است. افزایش قیمت‌هایی که تقریباً همه کالاها و خدمات موجود در بازار را شامل شده است. دولت هم گویا هیچ قصد و انگیزه‌ای برای افزایش نظارت‌ها و مدیریت بازار ندارد. در این میان برخی از سیاسی‌کاری‌ها در کشور موجب شده برخی از افراد به دنبال گرفتن ماهی خود از آب گل آلود باشند. عده‌ای که یا از سر جهل یا عمد می‌خواهند این وضعیت اقتصادی را به مواردی چون تصویب نشدن FATF ربط داده و این طور وانمود کنند که همچنان ریشه حل مشکلات اقتصادی کشور در خارج از مرزهاست. کسانی که متأسفانه با وجود مشاهده نتایج برجرام، چه آن زمان و چه حتی امروز به دنبال برجرام‌های بعدی بودند. «محمد کهندل» اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با صبح صادق توضیح می‌دهد که گرانی‌های اخیر چقدر نتیجه تصویب نشدن FATF یا مذاکره نکردن با آمریکا است؟ این استاد دانشگاه معتقد است هیچ فرد یا مسئولی نمی‌تواند بگوید اقتصاد ضعیف یا تورم اقتصادی ناشی از تصویب نشدن FATF یا ننشستن پای میز مذاکره برای تصویب برجرام‌های بعدی است. مشکلات اقتصادی ما تنها یک دلیل دارد و آن، سوء مدیریت و صلاحیت نداشتن دولتمردان است.



چالش تبدیل شده است، از این رو دولت کل همسایه‌های ایران را رها کرده و به دنبال آمریکا و اروپاست غافل از اینکه اروپا و آمریکا به دنبال به زانو درآوردن ما هستند و تلاش می‌کنند ما را در شرایطی قرار دهند که هیچ برنامه‌ریزی برای تولید و توسعه اقتصادی نداشته باشیم. متأسفانه غرب توانست این باور را به آقای روحانی و تیم اقتصادی دولت تلقین کند که ما حلال مشکلات شما هستیم، دولت هم با باور این موضوع به آمریکا اعتماد کرد؛ در حالی که می‌دانست آنها دشمن ما هستند و ما با آنها در حال جنگ هستیم حتی اگر با آنها هم در حال جنگ نباشیم، به دلیل اینکه رقیب مادر منطقه هستند، باید برای توسعه اقتصاد و تولید خود برنامه‌ریزی می‌کردیم و در این برنامه‌ریزی به جای توجه به غرب، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را مد نظر قرار می‌دادیم.

اما متأسفانه راهبرد اقتصاد مقاومتی در مشی اجرایی و سیاست‌های دولت قرار نگرفت، یا دولت اصولاً برنامه‌ای برای اقتصاد کشور تدوین نکرد. به گونه‌ای که می‌توان گفت دولت در هفت سال گذشته اقتصاد را به صورت روزمره مدیریت کرده و نه تنها برنامه‌ای برای اجرای اقتصاد مقاومتی نداشته؛ بلکه نسبت به برنامه‌های یک ساله بوده و برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز بی‌توجه بوده است. بدون شک، در چنین شرایطی دلیل بیشتر مشکلات اقتصادی ما نه کاخ سفید است و نه تصویب نشدن FATF یا ترامپ و...؛ بلکه دلیل اصلی خود ما هستیم. اینکه با بیمار شدن و دست‌نکار دادن آقای ترامپ اقتصاد ایران بالا و پایین می‌شود، نشان‌دهنده بی‌عرضگی و ضعف مدیران اقتصادی ماست.

بنابراین بخش مهمی از مشکلات اقتصادی را وابسته به عملکرد دولت می‌دانید؟

واقعیت این است که آنچه امروز در اقتصاد کشور شاهد آن هستیم، دلیل اصلی و اول آن سوءمدیریت‌های داخلی و ضعف دولت است. همه شهروندان و کارشناسان از بیان این چالش‌ها و مشکلات متأسف هستند، اما باید این موارد را تذکر داد تا دولتی‌ها شاید حداقل در ماه‌های پایانی به جای اینکه به دنبال معرفی مقصر باشند، به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی کشور توجه کنند.

غرب به سرکردگی آمریکا به دنبال آن است تا شرایطی را به جمهوری اسلامی تحمیل کند که مسئولان، مدیران و برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی باور کنند حل مسائل اقتصادی ما فقط و فقط به دست اروپا و آمریکا است، البته آنها در اجرای این سیاست در دولت آقای روحانی موفق شدند؛ زیرا متأسفانه باور مدیران کلان سیاسی و اقتصادی کشور بر این اساس بود که حال اقتصاد ما با نسخه غرب و گسترش ارتباط با کشورهای غربی آن هم به هر نحوی خوب می‌شود. در حالی که از همان زمان توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی کشور و ظرفیت‌های منطقه‌ای ما با کشورهای همسایه، مانند هم‌مرز بودن با ۱۵ کشور بلااستفاده بوده و است. متأسفانه دولت در این هفت سال کمترین توجهی به گسترش ارتباطات و تعاملات تجاری و صادرات و واردات با کشورهای همسایه و هم‌مرز نداشته است.

ما حتی می‌توانیم با لایحه‌های کوچک در جنوب کشور، صادرات و واردات داشته باشیم. طبیعتاً وقتی کشور ما چنین شرایط و موقعیت‌هایی را دارد، عملاً مسئله‌ای به نام تحریم نباید در ما اثر کند؛ چرا که به واسطه این تعداد کشور همسایه و هم‌مرز ایران تحریم‌ناپذیر است.

اما سیاست‌های همگرایی با همسایه‌ها طی این سال‌ها دست کم گرفته شده و مسئله‌ای به نام تحریم برای جمهوری اسلامی به یک

اقتصادی ایران را در کاخ سفید جست‌وجو کند و آدرس کاخ سفید را به مردم دهد؟ حتی اگر علت مسائل و مشکلات اقتصادی کشور سیاست‌های تحریمی کاخ سفید علیه جمهوری اسلامی ایران باشد، دلیلی بر بیان آن از سوی رئیس‌جمهور نیست. فرض کنیم علت مشکلات اقتصادی کشور کاخ سفید است، آیا شخص اول اجرایی کشور این مسئله را باید از تربیون‌های رسمی عنوان کند و به آمریکا و کاخ سفید گرا بدهد که تحریم‌های مؤثر بوده و مسأله‌های جز لعن و نفرین نداریم؟!

این حرف‌ها مانند این است که آقای رئیس‌جمهور به آمریکا پیام می‌دهد که سیاست‌های تحریمی شما بر اقتصاد ما تأثیر گذاشته است، لذا به تحریم‌ها علیه ما ادامه دهید، این در حالی است که باید به دشمن ثابت کرد تحریم‌ها هیچ تأثیری بر اقتصاد ایران ندارد یا تأثیر آن چندان مشهود نیست و این امر فقط با اعتماد به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های درونی کشور و قطع امید از بیگانگان محقق می‌شود.

چرا با وجود اینکه در توافق جامع هسته‌ای ثابت شد مشکلات اقتصاد ما ربطی به بیرون از مرزها ندارد، ولی همچنان عده‌ای ارتباط اقتصادی با دنیای غرب را تنها نسخه درمانی برای اقتصادی دانند؟

شاخص

برندگان نوبل

جایزه علوم اقتصادی نوبل به نام «های پل میلگرام» و «رابرت ویلسون» از دانشگاه استنفورد آمریکا برای «بهبود نظریه حراج و خلق قالب‌های جدید حراج» اعطا شد. پل میلگرام متولد ۱۹۴۸ است و از سال ۱۹۸۷ به عنوان اقتصاددان و پرفسور علوم انسانی در دانشگاه استنفورد فعالیت می‌کند. او بنیانگذار چندین شرکت است که از جمله به حراجی‌هایی می‌توان اشاره کرد که با فراهم کردن نرم‌افزار و خدمات، بازارهای کارآمدی را برای حراج‌ها و مبادلات تجاری پیچیده ایجاد می‌کند. رابرت باتلر ویلسون نیز متولد ۱۶ ماه می ۱۹۲۷ است. وی پرفسور برجسته و بازنشسته مدیریت در دانشگاه استنفورد است. وی به علت مشارکت در علوم مدیریت و اقتصاد بازرگانی مشهور است.



منهای نفت

تغییر قیمت گذاری

کشورهای توسعه‌یافته توانسته‌اند در چند دهه گذشته در چارچوب الگوهای اقتصاد سیاسی و براساس نظرات هوشمندانه اقتصادی، به‌کارگیری فناوری‌های جدید و سیاست‌های تجاری و ارزی، ثروت را از کشورهای صادرکننده نفت به کشورهای خود انتقال دهند. بر این اساس برای افزایش رفاه و ثروت ایرانیان راهکار اول افزایش سهم تولید ناخالص داخلی بدون نفت است. برای دستیابی به هدف افزایش سهم تولید ناخالص داخلی بدون نفت در گام اول باید شیوه قیمت‌گذاری نفت و فرآورده‌های نفتی براساس مقتضیات و شرایط راهبردی کشور اصلاح و سعی شود نفت در یک برنامه زمان‌بندی مشخص تا حد امکان به‌طور خام صادر نشود.



افزوده

تسعیر ارز چیست؟

«نرخ تسعیر» عبارت است از نرخ تبدیل دو واحد پولی به یکدیگر (حاوی انواع نرخ‌های برابری رسمی، قراردادی و غیره) که در فرآیند تسعیر به کار گرفته می‌شود، به گونه‌ای که نتایج آن عموماً با اثرهای تغییرات نرخ ارز بر جریان‌های وجوه نقد واحد تجاری و ارزش ویژه آن هماهنگی داشته باشد. برای نمونه، دلار آمریکا به تبدیل ارز از سوی شرکت‌ها به پول رایج کشور خود تسعیر می‌گویند. برای نمونه، شرکتی که در ایران مستقر است، هزار دلار بابت محصول خود از یک شرکت انگلیسی دریافت می‌کند. ثبت این هزار دلار در دفاتر حسابداری به ریال و همین‌طور تبدیل آن به پول رایج، «تسعیر» نام می‌گیرد.



کثرت عبادت، کثرت تفکر در امر خداست

گفتاری از حجت الاسلام محمدمهدی ماندگاری

امام حسن عسکری (ع) هم خط امامت و ولایت را حفظ کردند و هم شبهات را پاسخ دادند و هم مردم را برای غیبت امام زمان (عج) آماده کردند و هم حقانیت مکتب اهل بیت (ع) و باطل بودن مکاتب دیگر را اعلام کردند و در مقابل انتظاراتی از ما دارند.

اولین انتظار امام عسکری (ع) این است که کارهای تان را بدون اندیشه و تفکر انجام ندهید. «ای انسان‌ها بر شما باد که کارهای تان را با فکر انجام دهید که فکر کردن حیات بخشیدن به قلب بصیر است»؛ فکرمان آخرتی کار کند. فقط دنیایی کار نکند. اهل بیت (ع) در دنیا زندگی می‌کردند، ولی به فکر آخرتشان بودند. ما در دنیا زندگی می‌کنیم، ولی به فکر دنیایمان هستیم. فرزند آخرت باشید، فرزند دنیا نباشید. می‌خواهی ازدواج کنی یا فکر آخرتی ازدواج کن. می‌خواهی در انتخابات شرکت کنی یا فکر

آخرت انتخاب کن که روز قیامت نگویی از این انتخابی که کرده‌ام، عذرخواهی می‌کنم. بعضی‌ها بعد از انتخابات می‌فهمند خراب کرده‌اند. عبادت به کثرت صیام و صلاة نیست. نماز و روزه جزء فروعات دین است، ولی کثرت عبادت، کثرت تفکر در امر خداست. یکی از اوامر خدا این است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ»؛ اگر همه کارهای مان با اشاره ولایت بود، وضع این چنین نبود. امام عسکری (ع) از ما انتظار دارد امور فردی و اجتماعی مان را تفکر کنیم. بخشی از ناکامی‌های ما به خاطر بی‌فکری‌های ماست. امام عسکری (ع) می‌فرمایند، ازدواج بی‌فکر نکنی. خرج بی‌فکر نکنی. انتخاب بی‌فکر نکنی. انتظار دوم امام عسکری (ع) این است که ای مردم اگر می‌خواهید سودتان به دیگران برسد، ایمان به خدا را در وجودتان افزایش دهید. صورت زیبا خیلی دوام داشته باشد ده سال است.

هر چه خوشگل باشد، در خاک می‌گذارند و هر چه زشت باشد در خاک می‌گذارند. امام عسکری (ع) فرمودند: «دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران»؛ ایمان‌تان به خدا را تقویت کنید.

سومین انتظار امام این است که به یاد قیامت باشید. باور کنیم یک روزی از هر پستی که هستیم پایین می‌آییم و باید جواب بدهیم. زیاده به فکر مرگ باشیم. بعضی‌ها می‌گویند فکر کردن به مرگ آدم را افسرده می‌کند؛ ولی من به این اعتقاد ندارم. «اکثروا ذکر الموت»؛ مرگ سوت پایانی بازی دنیاست. هر کسی زیاد به یاد مرگ باشد تلاشش بیشتر می‌شود. در جامعه‌ای که یاد مرگ نباشد جلوه‌های دنیا پررنگ می‌شود.



۷
دین

شماره ۹۷۲ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹

صداقت

آیه

پیامبر اسلام (ص) غمخوار محرومان

محمدرضا قضایی

کارشناس علوم اسلامی



قرآن کلام خداوند است و به همین واسطه می‌تواند در شناختن حقیقت وجودی عالم راهنمای اصلی ما باشد. قرآن در شناخت پیامبر اسلام (ص) نیز می‌تواند محل مراجعه باشد و شناخت حقیقی ایشان را برای ما میسر کند. هدف اصلی همه انبیا و پیامبر اعظم (ص) در قرآن آمده است، اما در میان این آیات، صفات و خصوصیات شخصی پیامبران را هم به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانیم پیدا کنیم. برای نمونه، خصوصیات اخلاقی و حتی جسمانی حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت یوسف (ع) و... یافت می‌شود که الگویی ما هستند. اما قرآن نسبت به پیامبر گرامی (ع) ویژه عمل کرده است. این شناخت‌ها در صفات مشترک پیامبر (ص) با خداوند عزوجل یافت می‌شود؛ یعنی خداوند و پیامبر (ص) در برخی صفات مشترک هستند. برای نمونه، خداوند خود را قاری معرفی می‌کند: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ»؛ به درستی که جمع کردن و خواندن قرآن بر عهده ماست، پس هرگاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن، سپس توضیح و بیان نیز بر عهده ماست. (قیامت/۱۹-۱۷) همچنین در مورد پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِقْرَأْ بِأَنْسِمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»؛ (علق/۱) مسلماً قرانت قرآن در این آیات خواندن و رد شدن نیست، بلکه مفهومی وسیع‌تر دارد. خداوند از پیامبر (ص) می‌خواهد تبیینی را که بر او وحی می‌شود، ابلاغ کند و به آیات قرآن عمل کند. پس پیامبر (ص) قاری و عامل کامل به قرآن و نمایش دقیقی از دستورات و اهداف قرآن است. اما صفتی دیگر که به پیامبر (ص) نسبت داده شده و با خداوند مشترک است، صفت زینت و رحیم است. خداوند در مورد پیامبر (ص) می‌فرماید: «رَسُولِي إِذْ خُودَ شَمَا بَهِ سَوِي تَانِ أَمَدَ كَه رِنَجْهَائِي شَمَا بَرِ أَوْ سَخْتِ اسْتِ وَ اصْرَارِ بَهِ هِدَايَتِ شَمَا دَارِدُ وَ نَسَبْتِ بَهِ مُؤْمِنَانِ دَلْسُو ز وَ مَهْرَبَانِ اسْتِ.» (توبه/۱۲۸) خداوند متعال در قرآن از خودش با نام رنوف «وَاللَّهُ رُؤُفٌ بِالْعَالَمِينَ» (بقره/۲۰۷) و هشت بار با نام رنوف رحیم یاد کرده است. مانند این فراز که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُفٌ رَحِيمٌ» (بقره/۱۴۳) علامه طباطبایی (ره) درباره فرق بین رأفت و رحمت می‌نویسد: «فرق میان رأفت و رحمت بعد از آنکه هر دو در اصل معنا مشترکند، این است که رأفت مختص به اشخاص مبتلا و بیچاره است، ولی رحمت در اعم از آن (بیچاره و غیربیچاره) استعمال می‌شود.» (المیزان، ج ۱، ص ۳۲۵) همچنین در فراگیری میان تمامی انسان‌ها حتی دشمنان صفت رحیم می‌آید؛ یعنی نگاه پیامبر (ص) مانند خداوند به تمام خلائق در عالم دل‌سوزانه و بارحمت است و فقط هدایت و نجات امت خود را و پیروان خود را در نظر ندارد. در خصوص معنای دقیق رنوف آمده است که این صفت درمان‌گری است که بدون درد و رنج و زحمت، مریض خود را درمان می‌کند. مرحوم مصطفوی می‌گوید: «رأفت، عطوفت، لطف و رحمت خالص و شدید است؛ یعنی لطف و رحمتی است که وقوع درد و ناراحتی را بر نمی‌تابد، هر چند آن درد ناراحتی به مصلحت فرد باشد. اما رحمت، صرف عطوفت و مهربانی کردن است. مهربانی کردنی که گاهی با درد و ناراحتی فرد نیز همراه است. مانند لطف و رحمت یک جراح به یک بیمار علاقه‌مند به بهبودی.» (التحقیق، ج ۴، ص ۶)

مکتب

ایمان یعنی خدمت به خلق خدا

سیدحسین خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



انتم اطهار (ع) در مقام پیشوایان شیعه در طول حیات ظاهری خود چه در دورانی که مردم علاقه‌ای برای شنیدن رهنمودهای آنان نداشتند، چه زمانی که تعداد زیادی از دانشمندان در محضر ایشان شاگردی می‌کردند و چه زمانی که مردم قصد کسب فیض از علوم بی‌انتهای حضرت معصومین (ع) را داشتند، اما دستگاه‌های حکومتی اجازه این کار را نمی‌دادند، اقدام به تعیین چارچوب، ضوابط و وظایف مردم می‌فرمودند. امام حسن عسکری (ع) که تحت مراقبت دستگاه ظالم حکومتی با شدیدترین تدابیر امنیتی بودند، با درایت و ذکاوت‌شان توانستند مردم را از علوم الهی بهره‌مند کرده و تکالیف آنها را تعیین فرمایند.

خود را بر خویش مقدم می‌دارند اگر چه خودشان نیازمند باشند و شیعیان علی (ع) کسانی هستند که از آنچه خداوند نپسندیده، دوری می‌کنند و به آنچه امر کرده، عمل می‌کنند و آنان در تکریم و احترام برادران مؤمن خود به علی (ع) اقتدای می‌کنند. (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۳۱) ایشان در حدیثی دیگر درباره دو خصلت ارزنده می‌فرمایند: «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانٌ بِاللَّهِ وَ نَفْعٌ لِإِخْوَانٍ»؛ دو خصلت است که چیزی برتر از آن دو نباشد: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴) آنچه در این دو حدیث مشترک است، خدمت به برادران دینی خود است. این خصلت نشانه ایمان و خصلت یک مؤمن و شیعه واقعی دانسته شده است. امام حسن عسکری (ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ»؛ مؤمن برای مؤمن برکت است و بر کافر حجت. (تحف العقول، ج ۲، ص ۴۸۹)

در احادیث فوق لفظ برادران دینی آمده است که اولویت را مدنظر قرار داده، نه آنکه خدمت به غیر برادران دینی و غیر شیعیان فضیلت نداشته باشد. پس احترام به همه انسان‌ها الزامی است که در سیره انبیا و انتم اطهار (ع) وجود دارد.

در کل روابطی که دین برای ما تعیین کرده، اول مربوط به خودمان است و دوم مربوط به خلق خداست. آنچه مربوط به خلق خداست، همگی

در زمره خدمت قرار می‌گیرند. به عبارتی در هر دستوری که دین در مورد دیگر خلائق داده است، خدمتی نهفته است که اگر همه انسان‌ها این دستورات را رعایت می‌کردند، هیچ درد و رنجی در دنیا به وجود نمی‌آمد. دستورات قرآن و اهل بیت (ع) در مورد خدمت به خلق خدا بسیار سبب و مورد تأکید است. بخشی به اشخاص برمی‌گردد و بخشی به بزرگان دین و مسئولان جامعه. اسلام بهره‌کشی از مردم را مردود دانسته و آن را مانع قدم گذاشتن مردم در راه خداوند می‌داند. به عبارتی وقتی انسان‌ها با بهره‌کشی و سوءاستفاده‌های مالی مواجه شوند، هم دچار فقر می‌شوند و هم از دینداری باز می‌مانند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای اهل ایمان، بسیاری از علما و راهبان (یهود و نصاری) اموال مردم را به باطل طعمه خود می‌کنند و (خلق را) از راه خدا منع می‌کنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنها را به عذابی دردناک بشارت ده.» (توبه/۳۴) اینکه در سیاست‌ورزی‌ها باعث فقر خلق خدا شویم مصداق خیانت و خروج از ایمان است. چه آنکه رسیدگی به مردم به ویژه برادران دینی نشان از ایمان دارد و فساد آن عدم ایمان است. در کتب روایی آمده است: امیرالمؤمنین (ع) به یک پیرمرد مسیحی برخورد کردند که گدایی می‌کرد. آن حضرت تعجب کردند... با یک تشری

سلوک

تقویت علمی و عملی اسلام حتی در زندان

به مناسبت شهادت امام حسن عسکری در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری

باشیم پیامبر (ص) و انتم (ع) درصدد تشکیل حکومت اسلامی نبودند و فقط برای اخلاق آمده‌اند، از آن اشتباهات تاریخی و مضرت است که در گذشته هم ضربه‌های زیادی به شیعه زده است. نمونه عالی آن فعالیت‌های امیرالمؤمنین (ع) در کادرسازی و شبکه‌سازی بود که در زمان امام باقر (ع) به اوج خود رسید و تا زمان امام حسن عسکری (ع) به عنوان آخرین امام ظاهر ادامه داشت. امام حسن عسکری (ع) در دوران حیات ظاهری پدرشان امام هادی (ع) اولین فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز فرمود. ایشان در نامه‌ای به عبدالله بن عبداللین طاهر (از امیران صاحب نفوذ در دستگاه عباسی، که از دشمنان «مستعین»، خلیفه وقت به شمار می‌آمد) خلیفه را فردی طغیانگر خواند و ساقط شدن او را از خدا خواست. این ماجرا چند روز پیش از سقوط مستعین بود. پس از آنکه مستعین به قتل رسید، «معتز» که دشمن مستعین بود به خلافت رسید و برای ظاهرسازی و اینکه خود مانند مستعین مورد خطاب امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)

سید مرتضی رضایی

کارشناس علوم اسلامی



یکی از سؤالات مهمی که باید در مواجهه با سرگذشت انتم اطهار (ع) و طول حیاتشان پیرسیم، این است که امامان شیعه چه برنامه‌ای برای توسعه اسلام داشتند؟ آیا فشارها و تنگناهایی که اهل حکومت بر ایشان تحمیل می‌کردند، آنها را از فعالیت‌هایی که منجر به توسعه همه‌جانبه اسلام ناب محمد (ص) می‌شد، بازمی‌داشت یا در هر شرایطی به این امر مهم اقدام می‌کردند؟ پاسخ مشخص است. انتم اطهار (ع) حتی خانواده و دوستان و شاگردان ایشان از هیچ تلاشی برای رشد همه‌جانبه اسلام دست نمی‌کشیدند و حتی در پاییزی علمی و عملی حکومت اسلامی فعالیت‌های چشمگیری انجام دادند. اینکه به استناد فرمایش رسول خدا (ص) که می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ اعتقاد داشته

قرار نگیرد، با ایشان برخورد ملامتی داشت. پس از شهادت امام هادی (ع) تا یک سال به همین منوال رفتار کرد تا آنکه پس از یک سال دشمنی خود با امام حسن عسکری (ع) را آشکار کرد و در سال ۲۵۵ هجری ایشان را زندانی کرد. معتز دوامی نیاورد و مهندی به مدت یک سال خلیفه شد و امام (ع) همچنان در زندان بود. پس از مهندی، «معتد» به خلافت رسید که خلافتش با قیام‌های متعدد شیعی رویه‌رو شد. این زمان بود که معتد مجبور شد امام (ع) را آزاد کند. نکته قابل توجه آن است که منابع تاریخی فعالیت امام (ع) در این دوره را سازماندهی اجتماعی و نظم بخشیدن به مسائل مالی مسلمانان ذکر کرده‌اند. اخبار دقیقی از فعالیت‌های امام (ع) در دست نیست، اما جهت‌گیری ایشان مشخص بود، آن‌گونه که امام (ع) پس از آزادی‌شان فوراً اقدام به سازماندهی علمی و عملی می‌فرمودند. ضمن آنکه امور شیعیان در سرزمین گسترده اسلامی آن روز به دست امام (ع) بود و اداره این امور کار آسانی نبود. امام (ع) از نظر مالی به دریافت وجوه شرعی و تقسیم آن اقدام

قرار نگیرد، با ایشان برخورد ملامتی داشت. پس از شهادت امام هادی (ع) تا یک سال به همین منوال رفتار کرد تا آنکه پس از یک سال دشمنی خود با امام حسن عسکری (ع) را آشکار کرد و در سال ۲۵۵ هجری ایشان را زندانی کرد. معتز دوامی نیاورد و مهندی به مدت یک سال خلیفه شد و امام (ع) همچنان در زندان بود. پس از مهندی، «معتد» به خلافت رسید که خلافتش با قیام‌های متعدد شیعی رویه‌رو شد. این زمان بود که معتد مجبور شد امام (ع) را آزاد کند. نکته قابل توجه آن است که منابع تاریخی فعالیت امام (ع) در این دوره را سازماندهی اجتماعی و نظم بخشیدن به مسائل مالی مسلمانان ذکر کرده‌اند. اخبار دقیقی از فعالیت‌های امام (ع) در دست نیست، اما جهت‌گیری ایشان مشخص بود، آن‌گونه که امام (ع) پس از آزادی‌شان فوراً اقدام به سازماندهی علمی و عملی می‌فرمودند. ضمن آنکه امور شیعیان در سرزمین گسترده اسلامی آن روز به دست امام (ع) بود و اداره این امور کار آسانی نبود. امام (ع) از نظر مالی به دریافت وجوه شرعی و تقسیم آن اقدام

می‌کردند و همین کار به سازماندهی گسترده‌ای نیاز داشت. در واقع نقش فعال امام (ع) آن هم در پایتخت دولت عباسی سبب حصر و حفاظت شدید و بی‌سابقه از ایشان شد. آمادگی مردم در جامعه اسلامی آن روز اقتضای می‌کرد که امام (ع) با تمام توان در زمینه پی‌ریزی یک حکومت اسلامی تلاش کنند و این کار دستگاه خلافت را نگران می‌کرد. امام (ع) در صفر سال ۲۶۰ هجری به دستور معتد به زندان افتاد و شخص خلیفه روزانه اخبار مربوط به امام (ع) را پیگیری می‌کرد. یک ماه بعد امام (ع) از زندان آزاد شد، ولی تحت‌المحفظ به خانه حسن بن سهل (وزیر مأمون) در نزدیکی شهر واسط منتقل شد. امام حسن عسکری (ع) چنان تحت مراقبت بودند که می‌فرمودند: «کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند، زیرا در امان نیستید»؛ ولی با تمام این حفاظت‌ها لحظه‌ای از تقویت فکری و علمی اسلام دست برنداشتند و اگر دشمنان لحظه‌ای به ایشان فرصت می‌دادند به طور قطع حکومتی قوی تشکیل می‌شد که در تمام ابعاد حرفی برای گفتن داشت.

سقوط جهانی

نگاهی به بحران اقتصادی در جهان همزمان با شیوع ویروس کرونا

پیش درآمد

آیا شرایط نابه سامان اقتصادی تنها در ایران وجود دارد؟

انور حبیبزاده بوکانی

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

از دلایل شرایط بحرانی اقتصاد جهانی می‌توان به مسئله انتخابات آمریکا و شیوع بیماری کرونا در جهان اشاره کرد، چرا که مسئله اقتصاد جهان وابسته به این جریان هاست. به نظر بنده رکود اقتصادی در کل جهان حاکم است؛ البته شرایط ایران نسبت به همه کشورها بهتر است چون مردم قانعی دارد و مسائل را بهتر درک می‌کنند. اما با وجود محرومیت‌های ایران طی چند سال اخیر در زمینه مسائل اقتصادی و مشکلات مالی و کمبودهایی که وجود داشته است، نسبت به کشورهای دیگر بهتر هستیم و می‌توانیم این وضعیت بد اقتصادی را پشت سر بگذاریم و به امید خدا روزهای خوب و روشنی برای جمهوری اسلامی رقم خواهد خورد.

بالاخره باید اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران را در یک راستا ببینیم؛ چراکه بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. در واقع وقتی در بسیاری امکانات تحریم هستیم، می‌تواند روی اقتصاد اثرگذار باشد؛ اما ان‌شاء‌الله در آینده با توجه به آگاهی مردم ما از وضعیت کنونی اقتصاد کشورها، از این مسئله هم عبور می‌کنیم و وضعیت اقتصادی بهبود می‌یابد. همچنین امیدوار هستیم مدیران کشوری در بخش اقتصاد، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و امور دارایی و همچنین مجلس همگی دست به دست یکدیگر بدهند و با هم در زمینه حل مشکلات اقتصادی تعامل داشته باشند و همدیگر را تخریب نکنند تا بتوانیم این شرایط و مشکلات اقتصادی را که همه دچارش شده‌اند، با تعامل کنترل کنیم.

اگر به وضعیت اقتصادی همه کشورها به خصوص کشورهای اروپایی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که همه آنها با رکود اقتصادی مواجه هستند و با توجه به تحقیقاتی که درباره اقتصاد کشورهای اروپایی داشته‌ام، می‌توانم می‌گویم که هیچ کدام از آنها از این امر مستثنی نیستند. بالاخره اقتصاد جهانی با یکدیگر در ارتباط است و همه با هم در حال سپری کردن این اوضاع هستند. در کل وضعیت خوب و مناسبی از نظر اقتصادی در سطح جهان وجود ندارد؛ اما با توجه به اینکه شرایط کشورهای اروپایی قبل از این بحران خیلی بهتر از ما بوده است و از امکانات بهره می‌برده‌اند، فکر می‌کنم شرایط آنها بسیار بدتر از ماست. الان با توجه به مسئله کرونا همه صنایع و منابع تولیدی در سطح دنیا به حالت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمده است که قطعاً در زمینه اشتغال تأثیرگذار است و همین موضوع عاملی خواهد بود تا نارضایتی کشورهای اروپایی زیاد شود.

اقتصاد کرونا زده جهان

ساسان شاه‌ویسی

اقتصاددان و استاد دانشگاه

اگر بخواهیم به ظرفیت قطب‌های اقتصادی، مانند ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، شرق آسیا، کشورهای عربی، مرکزی و جنوبی و داخل آفریقا که یک دپارتمان‌بندی و تقسیم‌بندی در آن انجام شده می‌خواهند یک نظم آفرینایی را برای خود تعریف کنند، نگاه کنیم، به نظر می‌رسد باید یک تابلویی از وضعیت اقتصاد بین‌الملل قبل از ورود به سال میلادی جدید داشته باشیم و البته پاندمی کرونا را هم در نظر بگیریم.

به نظر می‌رسد، بخشی از رکود ایجاد شده در اقتصاد بین‌الملل به روی کار آمدن آقای ترامپ در ایالات متحده آمریکا برمی‌گردد که سعی کرد سهم ایالات متحده آمریکا از بیک تجارت جهانی را افزایش دهد و برای این استعدادسازی، به شدت به بسیاری از التهاب‌ها - که در حدود ۶۰ سال گذشته با نظم‌های مختلف تجاری، اقتصادی، حقوقی و وجود سازمان‌های بین‌الملل سعی شده بود نظم اقتصاد لیبرال بین‌المللی حفظ شود - دامن بزند. وی به عنوان یک پارادایم جدید، بخش بزرگ از این استعداد را به چالش کشید، همچنین بسیاری از قراردادهای محرک‌ها و خود انتظام‌های اقتصاد بین‌الملل را به چالش کشید یا از آن خارج شد و سعی کرد با محوریت آمریکا، برای خود فرصت‌های جدید را ایجاد کند. بنابراین یک وضعیت‌سازی جدید بود که اقتصاد جهان را دچار تهدید و تحریم کرد.

بحث دیگر به نویدها و نو ظهورهای اقتصادی برمی‌گردد که آمریکا در مسیر اقتصاد سیاسی بین‌المللی به وجود آورده بود. برای نمونه، تحریم‌ها و برخوردهای مستقیمی مثلاً با چین و روسیه به وجود آورد و حدود ۵۶ کشور منهای ایران در اسبایداری آن تار عنکبوتی تحریم‌های آمریکایی قرار دارند و این یک تعیین وضعیت جدیدی را به وجود آورده بود. حتی کشورهای اروپایی را هم داریم که همچنان در حوزه تحریم‌های آمریکایی قرار دارند، مانند بوسنی و کشورهای حوزه یوگسلاوی سابق. در عین حال یک بحث بزرگ‌تری وجود دارد به عنوان قطب‌بندی‌های جدیدی که نویدها و نو ظهورهای اقتصادی مانند بریکس به وجود آوردند؛ آن سعی کرد این جریان جدید را در حوزه آسیا به وجود بیاورد و این دامنه‌ها مثل اکو و حوزه اوراسیا ظرفیت‌هایی را تعریف کردند و قابلیت‌هایی را که چین سعی کرد به عنوان سرمایه‌گذاری جدید در حوزه آسیا تعریف کند. در پایان سال ۲۰۱۹ و شروع سال ۲۰۲۰ شاهد شوک‌هایی یک قطب جدید اقتصادی بودیم به منزله اتحاد اقتصادی آسیایی با قابلیت بسیار بزرگ که بتواند به اندازه ۲۵ درصد اقتصاد بین‌الملل را به خود اختصاص دهد، اما از سال ۲۰۲۰ با توجه به بحران کرونا، اتفاقات جدیدی افتاد. بعضی از کشورها با توجه به ساختار، آدامگی، اقلیم، آب و هوا و با توجه به پایداری یا عدم پایداری آنها در مواجهه با بحران‌های بیولوژیکی و ویروسی، یک ظرفیت و استعداد را برای برگشت‌پذیری پیدا کردند. به نظر می‌رسد، اینجا ایستگاه آخری است که بخش بزرگی از قطب‌های اقتصاد، نظم لیبرال بین‌المللی را به چالش کشیدند و به طور مشخص هم شاید مقصد آخر این ایستگاه نهایی، ایالات متحده آمریکا و اروپایی‌ها بودند.

اگر شیوع ویروس کرونا را از حدود بهمن ماه فرض کنیم، می‌توان گفت یک ماه بعد از سال میلادی جدید و تا سه ماه بعد از آن، اینها وارد پارادایم‌های کرونایی شدند. ترم اول آن را در اروپا و بعد در آمریکا مشاهده کردیم و به طور مشخص در ایتالیا و بعد انگلیس، اسپانیا و فرانسه و نهایتاً ایالات متحده آمریکا به ترتیب یکی بعد از دیگری دچار چالش‌های کرونایی شدند. به نظر می‌رسد اینجا، آن نقطه تعیین‌کننده است که مکنزی، بلو میرک، مورگان، بانک‌ها و مؤسسات مختلف اقتصادی اندازه‌گیری‌هایی را ارائه داده و مدل‌هایی را برای عبور از بحران پارادایم جدید کرونایی تعریف می‌کردند و در نهایت می‌گفتند اگر یک ترم، سه ماه طول بکشد مثلاً به این اندازه اقتصاد دنیا دچار از دست رفتگی می‌شود و به طور مشخص هم مد نظرشان آمریکا و اروپا بود. به نظر می‌رسد هیچ یک از اقتصادهای بزرگ و قطب‌های اقتصادی پیش‌بینی نمی‌کردند که بیشتر از دو ترم بحران کرونایی طول بکشد و شاید به مثابه بحران مالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ اندازه‌گیری می‌شد. با این تفاوت که اگر بالای طبیعی را به آن اضافه می‌کردیم که انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد و هر مدل اقتصادی و هر تأمین مالی و ظرفیت اقتصادی‌ای که به وجود بیاورند، وقتی مهم‌ترین عامل تحولات اقتصادی، انسان‌ها هستند، آنها دچار مخاطره می‌شوند. یعنی هم بازار مصرف‌کننده و هم بازار تولیدکننده و هم بازارهای توزیعی دچار مخاطره و از دست رفتگی می‌شود. لذا تعبیر بنده این است که حدود پایان ماه نهم میلادی و ترم سوم اکثریت قطب‌های اقتصادی غربی ایالات متحده آمریکا و اروپا نتوانسته‌اند آن شیفت پارادایم یا بازگشت‌پذیری را انجام دهند و زنجیره تأمین نهادهای تجاری خود را کامل کنند؛ از این رو فاصله بسیار معناداری با حداقل رشد اقتصادی که پیش‌بینی می‌شد به وجود آمد و تقریباً برای اروپا ۱/۲ درصد، برای ایالات متحده آمریکا ۲/۳ درصد، برای چین حدود ۵/۹ درصد، برای حوزه شرق آسیا حدود ۸ تا ۹ درصد، برای شمال آفریقا حدود ۹ تا ۱۰ درصد و برای حوزه خاورمیانه و آسیای جنوب غرب حدود ۶ درصد پیش‌بینی می‌شد؛ اما فاصله‌ها به قدری معنادار شد که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همه آن پیش‌بینی‌ها را کامل کنار گذاشت و الان دیگر هر دو هفته یا سه هفته یک بار فاصله از دست رفتگی را با حداقل پیش‌بینی‌ها اندازه‌گیری می‌کند.

لذا مشاهده می‌کنید که ایالات متحده آمریکا همچنان در بیکاری مزمن و عدم برگشت‌پذیری خود است و با بازسازی‌ها و محرک‌های آن مانند بازار مصرفی و بازار خود اقتصادی مثل قابلیت‌مند کردن آن بسته‌های حمایتی نتوانسته آنها را به سرانجام برساند؛ اتحادیه اروپا هم تقریباً همین‌طور است. سومین بسته‌ای که اقتصاددان‌های غرب‌گرا سعی کرده‌اند تجهیز کنند، هنوز به کارایی اساسی و برگشت‌پذیری آنها منجر نشده است. به نظر بنده تنها اقتصادی که در قطب‌های اقتصادی توانسته حداقل‌ها را برای برگشت‌پذیری به وجود بیاورد و از آن به عنوان یک فرصت، نه تنها برای عبور بحران، بلکه به عنوان یک دست‌آویزی برای بزرگ‌تر کردن ظرفیت‌های اقتصادی خود این محیط و این شرایط تعریف کند، اقتصاد چین است. البته آن هم به نظر می‌رسد به دلیل اتفاقات انتخابات ایالات متحده آمریکا است که نه تنها در آمریکا بلکه در قطب‌های بزرگ اقتصادی همچون چین، اروپا و شرق دور اثر خواهد گذاشت.

اروپا در بحران اقتصادی

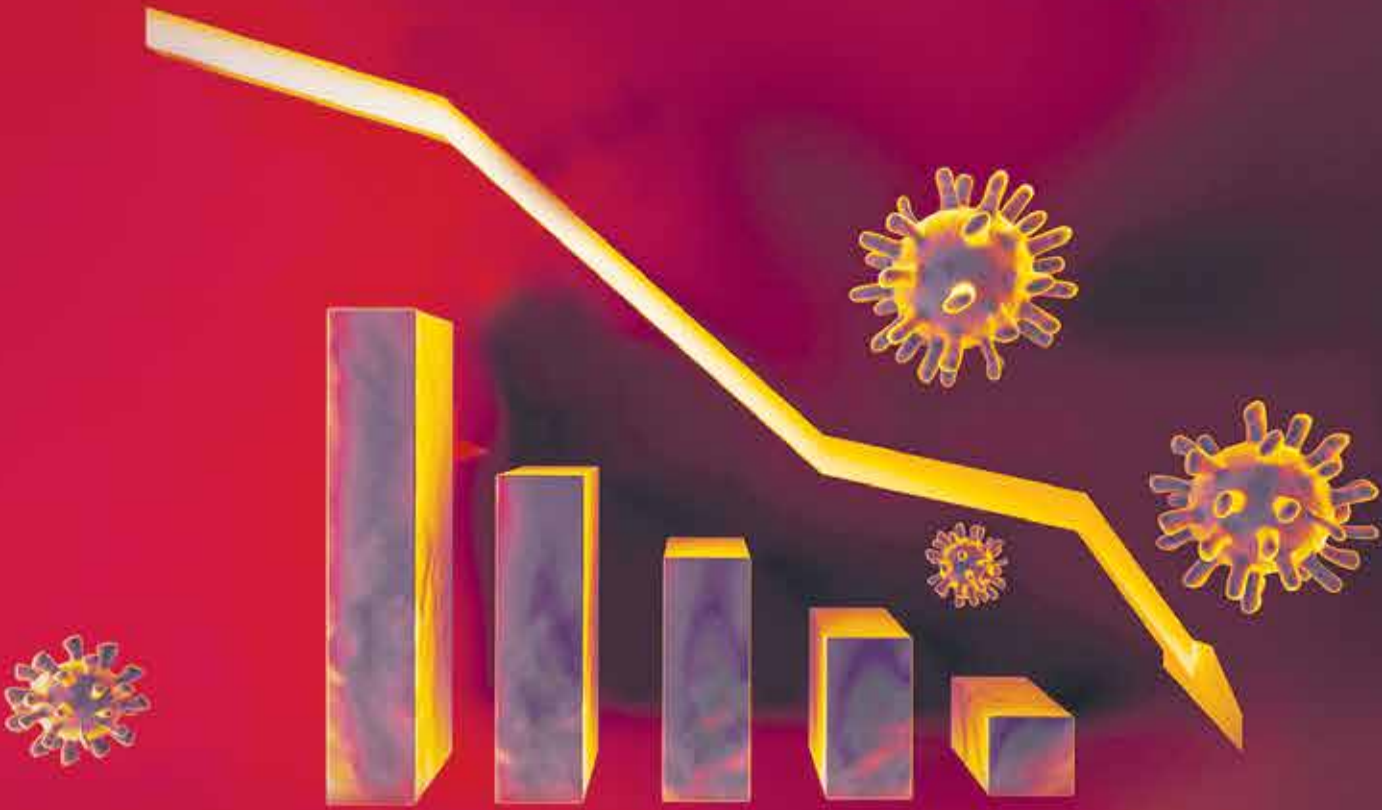
رکسانا نیک نامی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران

از زمان شکل‌گیری اتحادیه اروپا، مسئله اقتصاد و همکاری‌ها و همگرایی اقتصادی یکی از رکن‌های مهم آن بود؛ زیرا اروپایی‌ها به این فهم مشترک رسیده بودند که اگر قرار باشد در دنیای بعد از جنگ جهانی دوم، جایگاهی داشته باشند، آن را فقط با در کنار هم بودن می‌توانند به دست بیاورند و در مقابل قدرتی مانند ایالات متحده آمریکا امکان اینکه مثل گذشته بتوانند به عنوان یک بازیگر مستقل باقی بمانند، به هیچ وجه وجود ندارد؛ البته یکسری از کشورهای اروپایی مانند انگلیس ابتدا در مقابل این مسئله خیلی مقاومت نشان دادند. جامعه اروپا تشکیل شد و در نهایت شاهد شکل‌گیری اتحادیه اروپا شدیم. وقتی درباره ساختار اقتصادی اتحادیه اروپا صحبت می‌کنیم، یک حالت نسبی دارد که نسبت به ساختارهای سیاسی یا ساختار امنیتی، در حوزه اقتصادی موفق‌تر عمل کرده است. حداقل در مورد یکسری از کشورها مانند آلمان به این صورت بوده است و در حال حاضر ۲۰ درصد کل GDP دنیا در اتحادیه اروپا تولید می‌شود. اگر در حوزه بانکی و مالی، بانک مرکزی هر کشوری را به عنوان نماد نظام بانکی و مالی یک کشور در نظر بگیریم، این دولت حاکمیت را به بانک مرکزی واگذار اروپا شکل گرفت. در مقابل بحران‌های اقتصادی مهم‌ترین ابزاری که در دست دولت‌هاست، بانک مرکزی است و به این صورت دولت خود را از این ابزار سیاست‌گذاری مالی برای طی کردن بحران‌ها خلع سلاح کرد و از این نظر می‌توان گفت به لحاظ همکاری‌های اقتصادی خیلی موفق‌تر نسبت به حوزه‌های دیگر بوده است. مشکلی که وجود داشت، این بود که در آن زمان یکسری اشتباهات در طراحی اتحادیه اروپا اتفاق افتاد و یکسری قوانین اقتصادی تصویب شد؛ برای نمونه کشورهای حوزه اتحادیه اروپا نباید بیشتر از ۶۰ درصد GDP بدهی داشته باشند یا اینکه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به هیچ وجه نمی‌توانند کسری بودجه را بیشتر از ۳ درصد GDP بگذارند. با توجه به اینکه ساختار اقتصادی این کشورها خیلی شبیه هم نبود، همه اینها باعث شد زمانی که بحران مالی سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد، اقتصاد اروپا در معرض آسیب‌پذیری بسیار شدیدی قرار بگیرد و در نهایت از سال ۲۰۱۱ به بعد، یعنی از زمانی که می‌توان گفت رکابوری اقتصادی در آمریکا اتفاق افتاده بود، یکدفعه بحران در اروپا منفجر شد و خود را به صورت ورشکستگی یونان نشان داد. بنابراین اگر بخواهیم وضعیت اتحادیه اروپا را در قرن ۲۱ بررسی کنیم، اولین مشکلی که بروز و ظهور کرد از بحران مالی سال ۲۰۱۱ بود که در اروپا شروع شد. بحران مالی جهانی از سال ۲۰۰۸ آغاز شد و اثرات خود را در یکسری اقتصادهای بزرگ مانند آلمان به جای گذاشت، منتها بحران اصلی مالی در سال ۲۰۰۸ در اروپا شکل نگرفت و تا تأخیر وارد اروپا شد. مشکل اساسی اینجا بود که اتحادیه اروپا برای شرایط بحرانی طراحی نشده بود، یعنی در شرایط بحرانی دولت مجبور بود به صورت مستقیم وارد عمل شود و سیاست‌گذاری‌های مالی را با توجه به وضعیت اقتصادی کشور در نظر بگیرد؛ اما مسئله این بود که با واگذاری‌ای که دولت‌ها در بخش ای‌سی‌دی بانک مرکزی انجام داده بودند، عملاً ابتکار عمل از دست دولت‌ها خارج شده و وارد سطح اتحادیه اروپا شده بود. یعنی اینجا مشکلات ساختار اتحادیه اروپا بیرون زد و مشخص شد حتی به نظر می‌رسد این کامیابی اقتصادی هم که از طرف اروپایی‌ها اتفاق افتاده، بیشتر سراب بوده است. از اینجا تشکیل یکسری واحدها اروپایی شروع به شکل گرفتن کرد. بنابراین اولین بحرانی بود که در حوزه مالی و بانکی اتفاق افتاد، ولی اثرات خود را در بعد سیاسی برجای گذاشت. مهم‌ترین مسئله‌ای که ایجاد شد بحران مشروعیت در کشورهای اروپایی بود که خروجی این بحران به طور مشخص باعث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شد. انگلیس جزء پنج قدرت اصلی اتحادیه اروپا به شمار می‌آمد که وقتی این اتفاق افتاد، یک ضربه بزرگی به اقتصاد اروپا وارد کرد. بیشتر مردم اروپا در حال حاضر معتقد هستند نهادهای اتحادیه اروپا نمی‌توانند برای آنها نمایندگی و از منافع اقتصادی آنها تبعیت کنند.

دومین بحرانی که در قرن ۲۱ اتفاق افتاد و اتحادیه اروپا را از نظر اقتصادی تحت تأثیر قرار داد، بحران کروناست؛ با وجود خبرهای بسیاری که در رسانه‌ها منعکس می‌شود مبنی بر اینکه اروپا به خصوص کشورهای شمال اروپا در این قضیه خیلی خوب عمل می‌کنند یا کارهایی که اروپایی‌ها انجام داده‌اند را با کارهایی که آمریکایی‌ها انجام داده‌اند، خیلی مقایسه می‌کنند و می‌گویند کاپ بهترین مدیریت به اروپا می‌رسد، اما در واقعیت اینطور نیست و بحران کرونا ضربات بسیار مهلکی را بر بیکره اقتصاد اروپا وارد کرده است. در آمارهای که ماه گذشته منتشر شده، آمده است از زمانی که بیماری کرونا وارد اروپا شده، فقط شرکت‌های اروپایی حدود ۷۲۰ میلیارد دلار ضرر کرده‌اند. برای اینکه این عدد جا بیفتد که چقدر عدد بزرگی است، اینطور بگویم که این عدد به اندازه حجم اقتصاد اتریش و فنلاند با همدیگر است؛ اگر یک مقدار خردتر نگاه کنیم، به لحاظ اشتغال و تأثیرگذاری که کرونا در زندگی مردم هم گذاشته، بسیار پررنگ بوده است. بعد از بحران کرونا در کل کشورهای عضو اتحادیه اروپا، حدود ۴۰ تا ۴۵ میلیون نفر شغل خود را از دست داده‌اند و بیکار شده‌اند؛ این موضوع در کشورهایی مانند فرانسه که خیلی مشکل حادی بود، الان بسیار حادتر هم شده است. یکی از دلایل ناآرامی‌ها در فرانسه این بود که بیشتر کارفرماها به دلیل اینکه زیر نظر قوانین و مقررات سندیکای کارگری نروند، حاضر به استخدام کسی نیستند و به صورت دوره‌ای کارگر استخدام می‌کنند. این در حالی است که با شیوع کرونا این عدم امنیت و ضررهایی که داشتند افزایش یافت و موجب شد این الگوهای اشتغال که در اقتصادهای بزرگ اروپا خیلی باب شده بود، به بقیه کشورهای اروپایی نیز گسترش پیدا کند و این مشکلات زیادی از جمله تعداد زیاد بیکاران را در اروپا ایجاد کرده است.

شاید بتوان گفت، درست است که ضررهای بحران کووید ۱۹ برای اروپا خیلی زیاد بوده است، اما شاید همین موضوع شانس مجددی شود که اتحادیه اروپا بتواند به لحاظ هویتی و حیثیتی خود را احیا کند. در واقع، این بحران با تمام مشکلاتی که برای اروپا داشت، می‌تواند فتی باشد برای اینکه دوباره بخواهد حیثیت اتحادیه اروپا برگردد.



وضعیت اورژانسی اقتصاد آمریکا

سقوط امپراتوری

علی رهجو

کارشناس اقتصاد استراتژیک



اقتصاد آمریکا هر روز یک رکورد جدید و بی سابقه می زند؛ برای نمونه ترامپ در انتخابات قبلی با رأی کمتری نسبت به هیلاری کلینتون رئیس جمهور آمریکا شد؛ یعنی حدود ۶۳ میلیون نفر به او رأی داده بودند و حدود ۶۵ میلیون نفر هم به هیلاری کلینتون رأی داده بودند، منتها شورای الکترونال یا منتخبین در نهایت ترامپ را انتخاب کرد. جالب است بدانید که تا امروز در آمریکا، چیزی حدود ۶۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر برای دریافت بارانه بیکاری نام نویسی کرده اند؛ یعنی کسانی که از نیمه ماه مارس (اواخر اسفند ۹۸) تا امروز که حدود هشت ماه است، در آمریکا بیکار شده اند و فرم دریافت بارانه بیکاری را پر کرده اند، از کسانی که به ترامپ رأی داده اند، بیشتر شده است. مثلاً فقط در هفته آخر ماه سپتامبر، ۸۴۰ هزار نفر فرم دریافت بارانه بیکاری را پر کرده اند، یعنی بیکار شده اند. این رقم چهار برابر رکوردی است که قبل از همه گیری کرونا، در آمریکا ثبت شده بود و می توان گفت ما شاهد فروپاشی اشتغال در آمریکا هستیم. اگر دقیقاً یک سال قبل به یک تحلیلگر بدبین می گفتیم سال دیگر همین موقع، ۶۳ میلیون نفر در آمریکا بیکار می شوند و برای دریافت بارانه بیکاری نام نویسی می کنند، محال بود که باور کند.

نابسامانی

آلبرت بغزیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



بیماری همه گیر کرونا که در صد سال گذشته در آمریکا بی سابقه بوده است، در شکل گیری وضعیت فعلی اقتصادی در آمریکا حکم یک کاتالیزور را دارد. درست مانند عملکرد ویروس کرونا در بدن انسان که اگر فردی زمینه ای داشته باشد و سیستم ایمنی وی به دلیل همان بیماری ضعیف شده باشد، کرونا می تواند برای او کشنده هم باشد. کرونا به صورت کلان همان کاری را با یک جامعه و اقتصاد بیمار می کند که با بدن یک فرد دارای بیماری زمینه ای می کند. اقتصاد آمریکا بیماری های زمینه ای جدی داشته و دارد و حال بیماری کرونا آنها را تشدید کرده و بیرون ریخته است. شاید بیش از دو نسل است که آمریکا به عنوان یک امپراتوری تغییر ماهیت داده است، یعنی از امپراتوری تولید به امپراتوری مصرف تبدیل شده است و این نکته ای است که «چارلز مایر» استاد تاریخ دانشگاه هاروارد بیان می کند. یک زمانی نماد آمریکا کارگران کارخانه ها و کارگران ساختمانی بود که روی آسمان خراش ها کار می کردند؛ آن زمان آمریکا امپراتوری تولید بود و به قول «اندرو یاسویچ» استاد دانشگاه بوستون، نابغه امپراتوری تولید هنری «فورد» بنیان گذار کارخانه اتومبیل سازی فورد بود؛ اما امروز آمریکا به امپراتوری مصرف تبدیل شده است که نابغه آن طبق نگاه «یاسویچ» والت دیزنی است. وقتی یک امپراتوری به جای تولید مصرف کرد و به جای پس انداز کردن، قرض گرفت و بدهکار شد تا همچنان بتواند بدون اینکه به اندازه سابق کار کند و زحمت بکشد، مصرف کند و سطح رفاه قبلی خود را حفظ کند، یک بیماری زمینه ای و مزمن در درونش ریشه می کند. امروز بدهکاری در آمریکا یک بیماری زمینه ای و مزمن است و مردم در قالب بدهی کارت های اعتباری، وام های خودرو، وام های رهنی مسکن و

وام های دانشجویی حدود ۱۶ تریلیون دلار بدهکار هستند. شرکت ها و بنگاه های غیر بانکی هم ۱۶ تریلیون دلار بدهکار هستند و بدهی دولت هم به ۲۷ تریلیون دلار رسیده است. بدهی آمریکا هم به چیزی حدود ۸۲ تریلیون دلار رسیده است؛ البته این اعداد و ارقامی است که فدرال رزرو، یعنی بانک مرکزی آمریکا به صورت رسمی منتشر کرده است. در این وضعیت، بدهی به عنوان یک بیماری زمینه ای و مزمن، افراد را فقیر کرده است و حالا که کار خود را به دلیل شرایط کرونا از دست می دهند، پس اندازی هم ندارند تا بخواهند در شرایط بیکاری با آن روزگار را سپری کنند؛ به همین دلیل صف های کیلومتری برای دریافت غذا در مقابل مراکز خیریه توزیع غذای رایگان در آمریکا شکل می گیرد و طبق آخرین آمارها پیش بینی می شود در آینده نزدیک بیش از ۵۰ میلیون آمریکایی به کسانی که پول کافی برای تهیه غذا ندارند، اضافه شود. در واقع بدهی، فقر و بیکاری به یک معجون مهلک تبدیل شده است که حاصل تغییر ماهیت آمریکا از امپراتوری تولید به امپراتوری مصرف است. درست است که آمریکا پیش از ۵۰ سال است که امپراتوری تولید نیست، اما در طول تمام این سالها همچنان یک پدیده مهم را تولید کرده است و همچنان هم تولید می کند؛ پدیده ای که تولید آن به آمریکا امکان داده تا در طول همه این سالها مصرف کند و سرپا بماند و آن چیزی نیست جز «دلار»! آمریکا با تولید از جهان به منزله یک امپراتوری، پول خود را به عنوان نوع دیگری از بیماری زمینه ای و مزمن بدهی، به همه جهان صادر کرده است و به کمک آن تولیدات سایر کشورها را به خاک خود آورده و مصرف کرده است. «نیل فرگوسن» استاد دانشگاه استنفورد می گوید تا سال ۲۰۰۷ و وقوع بحران

فلج شدگی

نرسی قربان

دبیر کمیسیون محیط زیست و انرژی اتاق بازرگانی بین الملل



مالی، آمریکا و چین مثل دو همسایه بودند. همسایه غربی یعنی آمریکا مصرف می کرد و همسایه شرق یعنی چین تولید می کرد. همسایه غربی هزینه می کرد و همسایه شرق پس انداز. رابطه ای که تا قبل از روی کار آمدن ترامپ کم و بیش ادامه پیدا کرد. این رابطه عجیب را یک چیز تضمین می کرد که آقایی و سروری دلار بود؛ به همین دلیل حفظ این آقایی و سروری برای آمریکا حیاتی است و آمریکا همیشه سعی کرده است از این پدیده که به آن «پتrodollar» یا «دلار نفتی» گفته می شود، حراست کند. اگر بخواهیم از اقتصاد آمریکا برای اقتصاد کشور خود درس بگیریم، باید به موضع شکست آقایی و سروری دلار اشاره کرد که رهبر معظم انقلاب در دیدار با فرماندهان سپاه در سال ۱۳۹۵ به آن اشاره کردند. شیشه عمر امپراتوری مصرف گرایی آمریکا در گرو اعتبار دلار است و اگر این ارزش از اعتبار بیفتد، آمریکا به عنوان یک ابر قدرت به پایان خط می رسد؛ البته اگر بتوانیم دست کم در داخل کشور اعتبار دلار را از بین ببریم و پول ملی کشورمان را به آقایی و سروری برسانیم، راه حلش را رهبر معظم انقلاب مطرح کرده اند که آن هم «تولید» است. به عبارتی، می توان گفت اگر امپراتوری آمریکا امروز این حجم از مشکلات عیدیه را دارد، عمده آنها به دلیل تغییر ماهیت از امپراتوری تولید به امپراتوری مصرف است. کاهش تولید و روی آوردن به مصرف یک امپراتوری را به زانو در آورده و دچار این وضعیت کرده است. حالا اگر ما یا هر کشور دیگری، معکوس این روند را طی کنیم، یعنی به جای مصرف کننده بودن به تولید کننده تبدیل شویم، از نظر اقتصادی قدرتمند می شویم و پرچم اقتصاد، یعنی ارزش پول مان بالا می رود و آقایی و سروری آن محقق می شود.

در حال حاضر، آمریکا در یک وضعیت بسیار مهمی از نظر بیماری کرونا قرار گرفته است؛ زیرا تعداد بیماران کرونایی در این کشور در حال افزایش است و تعداد مرگ و میر بیماران از ابتدای شیوع تا کنون به ۲۱۵ هزار نفر رسیده است. بنابراین همین شرایط تأثیرات بسیار زیادی روی انتخابات پیش روی ریاست جمهوری آمریکا گذاشته است تا جایی که ممکن است اصلاً آقای ترامپ به همین دلیل انتخاب نشود. همچنین این بیماری تأثیر عمده ای روی اقتصاد آمریکا گذاشته و خواهد گذاشت و اثر کرونا بسیار گسترده تر از آن چیزی است که چندین نفر را مبتلا می کند. کرونا سبب شده است صدها هزار نفر در آمریکا بیکار شوند، البته به تازگی تعداد محدودی از این بیکاران به سر کار بازگشته اند، اما همچنان نرخ بیکاری بسیار بالاتر از زمان معمول آمریکاست. همچنین، به بسیاری از صنایع آمریکا صدمات سنگینی وارد شده است که می توان گفت صنایع هوایی و توریستی بیشترین صدمات را طی این مدت دیده اند و تعداد بسیار زیادی از آنها ورشکست شده یا در آستانه ورشکستگی قرار دارند؛ همچنین شغل هایی مانند رستوران ها تحت تأثیر شدید کرونا قرار گرفته اند. به طور کلی کرونا خیلی بسیار، هم تأثیر سیاسی و هم اقتصادی داشته است. نکته قابل توجه این است که اقتصاد روی انتخابات اثر می گذارد و یکی از عوامل مهم انتخابات آمریکا اقتصاد این کشور بوده است. به عبارتی مسائلی چون امور خارجه و بین الملل در درجه سوم و چهارم قرار دارد و مسئله اقتصاد شخصی افراد در انتخابات آمریکا تأثیر گذار است. برای نمونه مسئله بیمه و مالیات ها همیشه روی انتخابات تأثیر گذار بوده است و این بار نیز مسئله کرونا مزید بر علت شده و اقتصاد آمریکا را فلج کرده است. به عقیده بنده، آینده اقتصادی آمریکا و تمام کشورهای دیگر از جمله ایران، بستگی به این دارد که مسئله کرونا به چه شکل حل می شود، چرا که اگر این شرایط ادامه پیدا کند، پیش بینی ها سخت خواهد شد و اگر زود تمام شود کم کم شرایط به همان وضعیت قبل برمی گردد و خیلی کمک می کند که اقتصادها به روال سابق خود بازگردند. البته در مورد ایران موضوع فرق می کند؛ چرا که در ایران تحریم ها نیز مضاعف شده است و حتی اگر کرونا هم برطرف شود اما تحریم ها برطرف نشود، مشکلات بسیاری خواهیم داشت.

وخامت اوضاع اقتصادی آمریکا بیشتر به دلیل کاهش تقاضا بوده است، مشکل آنها در بخش هایی مانند خودرو، مستغلات و گردشگری در کاهش تقاضاست. مسئله بیکاری همیشه در آمریکا وجود داشته و در لبه پر نگاه بوده است. شرکت ها و کارخانه ها در حاشیه ریسک پایین کار می کنند، بنابراین اگر نتوانند هزینه های خود را برگردانند سریع اعلام ورشکستگی می کنند یا کارگر و کارمند خود را بیکار می کنند که هزینه این افراد بیکار شده به عهده دولت قرار می گیرد و همانطور که نرخ بیکاری بالا می رود، بیکار شده ها بیمه بیکاری دریافت می کنند. در نتیجه رکود در آنجا ناشی از تقاضاست، اما اگر بخواهیم آن را با کشور خود مقایسه کنیم، اینطور می توان بیان داشت که رکود اقتصادی ما ناشی از عرضه، یعنی شوک هزینه هاست، لذا عرضه ما لطمه می خورد. برای نمونه در کشور ما قیمت یک خودرو ۱۵۰ میلیون تومان می شود که از یک طرف عده ای می توانند بخرند و از طرف دیگر چون تولید کم شده است، همان تعداد کم را هم دست به دست می کنند. اما اگر در آمریکا تولید خودرو کم شده، به این دلیل است که مشتری هم کم شده است و مجبور شده اند تولید را کاهش دهند و کارگر را بیکار کرده اند. بنابراین اگر بخواهند ادامه دهند، باید تولیدات خود را بفروشند. در حال حاضر همه دنیا با مشکل کرونا مواجه هستند و باید توجه داشت فروش در ایام کریسمس و سال نو میلادی رونق خاصی پیدا می کند. برای نمونه سال قبل، بیماری کرونا را به این دلیل که سال نو شده بود دیرتر اعلام کردند تا فروش این ایام را داشته باشند. مردم آنجا نیز مثل مردم ما در ایام نوروز، همه چیز را تو می کنند. لذا اگر آن سودی که در آن ایام می بردند، اتفاق نمی افتاد خیلی ضرر می کردند که امسال هم همین وضعیت است و ضرر خواهند کرد. لذا برخلاف کشور ما که مشکل هزینه تولید است مشکل در آنجا، فروش است. اگر بخواهیم به قضیه نتایج انتخابات آمریکا در وضعیت اقتصادی ایجاد شده در دنیا پردازیم، باید گفت انتخابات آمریکا می تواند روی اقتصاد چین اثر گذار باشد، چرا که سیاست های اقتصادی ترامپ به نوعی ضد چین است و آنها هم منظر هستند ببینند چه کسی در این انتخابات پیروز می شود. اگر انتخابات ریاست جمهوری دوره های قبل آمریکا را ملاحظه کنید، متوجه می شوید که بیشتر کاندیدها روی نرخ های مالیاتی یا یکدیگر اختلاف داشتند و یکی می گفت از قشر پولدار مالیات می گیرم و دیگری می گفت من از قشر متوسط مالیات می گیرم؛ اما در انتخابات پیش رو دیدگاه کاندیدها بیشتر به ایران برمی گردد و خیلی جالب است که بر سر این مسئله می خواهند نظرات خود را متفاوت نشان دهند و یک کاندید این نکته را که از برجام خارج شده، مهم می داند و کاندیدای دیگری می گوید باید به برجام برگردند؛ به هر حال نظرات متفاوتی در این خصوص دارند.



تقویم انقلاب

سلطنت
در شیب سقوط

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



در تقویم تاریخی انقلاب ثبت شده که در کمتر از ۱۰ روز پس از استقرار امام خمینی (ره) در روستای نوفل لوشاتوی فرانسه وضعیت انقلاب و رژیم شاه کاملاً تغییر یافت؛ یعنی در دهه سوم مهر ماه سال ۱۳۵۷ امام موفق شدند خیلی سریع ابتکار عمل را به دست گرفته و در اوج محبوبیت همگانی قرار گیرد تا جایی که ایده‌ها و خط مشی‌هایی که امام (ره) ارائه می‌دادند، به سرعت مورد استقبال مردم به ویژه جوانان تحصیلکرده قرار می‌گرفت. از طرفی دستگاه‌های عملی، فکری، فرهنگی، سیاسی و امنیتی رژیم شاه در برابر تزلزل و نظریات جدید امام (ره) کاملاً خلع سلاح شده بود؛ به گونه‌ای که وفاداران به شاه دیگر امیدي به آینده رژیم نداشتند؛ ملت ایران به وضوح نتیجه تبعیت از رهبری‌های امام خمینی (ره) را حس کرده بود و کم‌کم رایحه پیروزی را که امام (ره) نوید آن را می‌دادند، همچون نسیمی روحبخش در وجود خود استشمام می‌کرد. امام خمینی (ره) در همین ایام خیلی صریح دیدگاه‌ها و نقطه نظرشان نسبت به وضعیت آینده، یعنی نظام پس از فروپاشی رژیم شاه را اعلام می‌کردند. برای نمونه، در تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۲ در مصاحبه با روزنامه فرانسوی «فیگارو» در پاسخ به این پرسش که چه رژیمی را می‌خواهید جانشین رژیم شاه کنید، فرمودند: «بدون چون و چرا حفظ رژیم شاه غیر قابل قبول است. ما پیوسته با آن مخالف بوده‌ایم، سرنگونی آن هدف غیر قابل تغییر مبارزه ماست، به علاوه این شکل حقوقی رژیم نیست، که اهمیت دارد، بلکه محتوای آن مهم است، طبیعتاً می‌توان یک «جمهوری اسلامی» را در نظر گرفت؛ ولی این موضوع بدین خاطر است که فکر می‌کنیم برداشت اصیل اسلام، ما را بر ترقی جامعه‌ای که سرشار از استعدادها و قوای انسانی و عدالت اجتماعی است راهنمایی می‌کند، قبل از هر چیز ما به محتوای اجتماعی رژیم سیاسی آینده دل بسته‌ایم.»

بدون شک، یکی از قوی‌ترین و برنده‌ترین ابزارهای رژیم شاه را به ورطه سقوط می‌برد، مطالبات قاطع امام (ره) بود که هیچ حربه‌ای توان مقاومت در برابر آن را نداشت؛ شاخص‌ترین آنها برکناری شاه و عوامل و انصار خاندان پهلوی از قدرت و سلطنت بود، چون پدر و پسر هر دو بر پایه کودتا به قدرت رسیده بودند و هیچ مشروعیت ملی و دینی نداشتند. تفکر دیگر امام (ره) نفی اتکا به قدرت‌ها و نظام‌های مطرح شرق و غرب بود. با توجه به اینکه فعالیت جریان‌های سیاسی تاریخ معاصر در چارچوب قطب‌بندی شرق و غرب تحلیل می‌شد و سیاست‌های خود را در جهت همسویی با غرب یا شرق پیش می‌بردند و معمولاً سیاست‌های مبارزین برای نفی یکی به دیگری متکی می‌شدند، امام راحل در این بین هویشارانه انقلاب اسلامی را از این خطر مصون نگه داشتند، بنابراین اعلام مواضع امام که رژیم آینده ایران «جمهوری اسلامی» خواهد بود، در محافل دانشگاهی و مساجد در قالب گفت‌وگو به بحث و بررسی گذشته می‌شد و جوانان با شور و حال در این جلسات شرکت می‌کردند و در راهپیمایی‌های گسترده با شعارهایی چون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به مبارزه ادامه می‌دادند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ



شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های انحرافی، یکی از معضلاتی است که جمهوری اسلامی از زمان تأسیس تا کنون با آن مواجه بوده است. در بررسی عوامل و ریشه‌های انحرافات این گروه‌ها به موارد متعددی می‌رسیم که برخی حائز اهمیت است. نمونه برجسته این گروه‌های انحرافی «سازمان مجاهدین خلق» است که در مسیر انحطاط افتاد و سرانجام بر روی مردم این سرزمین اسلحه کشید.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد انحراف در برخی از گروه‌های مبارز سیاسی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را باید در اعتقاد به تز انحرافی «اسلام منهای روحانیت» جست‌وجو کرد. این تز که خودباختگان تفکرات غربی (چه مارکسیستی و چه لیبرالیستی) آن را رواج دادند، بر آن بود که اسلامی که در آن قشر و طبقه‌ای به نام روحانیت به عنوان مروج و مفسر دین محوریت داشته باشد، اسلامی انحرافی و محافظه‌کارانه است که با مبارزه سازگاری نداشته و با تخریب و جمود و خرافه همراه است. اسلام راستین، اسلامی است که در آن روشنفکران مفسر و مبلغ آن هستند و توانسته‌اند اسلام را با مقتضیات زمان همراه کنند!

این تفکر همان‌طور که بعدها در گروهک منحرف «فرقان» نیز برجسته شد، به تدریج در میان اعضای سازمان مجاهدین خلق نیز گسترش یافت، به نحوی که سرانجام به جدایی کامل از مراجع عظام تقلید و روحانیت معظم شیعه انجامید.

استاد شهید مطهری در نامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ خطاب به حضرت امام (ره) در نجف نوشته‌اند، در توصیف وضعیت فکری سازمان به عنوان یکی از جریان‌های انحرافی آن دوره چنین می‌نویسند: «کوچک‌ترین بدعت اینها [منافقین] این است که به قول خودشان به «خودکفایی» رسیده‌اند و هر مقام روحانی و مرجع دینی را نفی می‌کنند. از همین جا می‌توان تا آخر خواند... جریان غیرقابل انکار این است که تنها موضوعی که گروه‌های مختلف از مقامات دولتی گرفته تا کمونیست‌ها و «منافقین خلق»... در آن وحدت نظر دارند، کوبیدن روحانیت از اساس و برداشتن این سد از میان است.»

بنا به گفته برخی از اعضای مرکزی مجاهدین، تحلیل سازمان بر این بود که برای مبارزه جدی علیه

منافقین و ایده اسلام منهای روحانیت

مروری گذرا بر برخی از انحرافات فکری گروهک مجاهدین خلق



دیگری است... اینهایی که این قدر از قرآن و از نهج البلاغه و از دیانت زیاد دم می‌زنند و بعد فقرات قرآن را یک جور دیگر غیر از آنچه که باید معنا می‌کنند، و فقرات نهج البلاغه را یک جور دیگر غیر از آنچه که باید معنا می‌کنند، اینها را نمی‌توانیم ما خیلی رویشان اطمینان داشته باشیم.»

طبیعتاً انحراف در اعتقادات، گروه‌های سیاسی را به انحراف در عمل نیز می‌کشاند که مهم‌ترین آن وابسته شدن به بیگانگان است. مسیری که در سرنوشت سازمان مجاهدین خلق را به آمریکا و حتی رژیم صهیونیستی گره زد. منافقین که در ابتدای شکل‌گیری خود را علاقه‌مند به مارکسیست و بلوک شرق می‌دانستند و در ایدئولوژی خود به شدت از آن تأثیر پذیرفته بودند، خیلی زود شعارهای ضدامپریالیستی خود را فراموش کرده و بعد از مخالفت با ملت و نظام اسلامی به آغوش غرب و آمریکا پناه بردند. همین وابستگی ایدئولوژیک، سیاسی و مالی کافی بود که این گروهک را به مزدورانی در خدمت بیگانگان قرار دهد. این در روزگی در برابر بیگانگان تا بدانجا پیش رفت که در سرکوب شیعیان جنوب لبنان و مخالفان کرد در شمال عراق همکار و همیار صدام حسین شدند!

روحانیت به اینجا رسیده است.»

استفاده ابزاری از دین و تفسیر به رأی آیات و روایات، یکی دیگر از شاخصه‌های جریان‌های انحرافی بوده است. متصل نبودن به دین‌شناسان اصیل و مراجع عظام تقلید، و همچنین دل‌بستگی به تئوری‌های مارکسیستی، زمینه را برای برداشت‌های انحرافی از متون دین و تفسیر به رأی قرآن و روایات در نزد اعضای سازمان مجاهدین خلق فراهم آورده بود، به نحوی که آنها برای باورها و اعتقادات خود به دنبال یافتن آیات و روایات بودند، نه آنکه دغدغه فهم صحیح متون دینی را داشته باشند. به واقع آنها با استفاده ابزاری از دین تلاش داشتند تا اعتقادات و اندیشه‌های التقاطی خود را با رنگ و صبغه دینی ارائه دهند. حضرت امام (ره) به ملاقات برخی از اعضای سازمان با ایشان و به ماجرای تفسیر به رأی منافقین از قرآن و نهج البلاغه چنین اشاره می‌کند: «من نجف که بودم، یک نفر از همین افراد آمد پیش من، قبل از این بود که آن منافقین پیدا بشوند... هر روز می‌آمد آنجا، و روزی شاید دو ساعت آمد صحبت کرد از نهج البلاغه، از قرآن. همه حرف‌هایش را زد. من یک قدری به نظرم آمد که این وسیله است. نهج البلاغه و قرآن وسیله برای مطلب

امپریالیسم و دست‌نشانندگان آن باید مبارزه مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی راستین باشد، از این رو باید اسلام را از حشو و زوائد و پیرایه‌های آن پاک کرد. در این راستا، سازمان روحانیت را رد کرده و نقشی برای آنها قائل نبودند و معتقد بودند، باید اسلام اصیل و بی‌پیرایه را از سرچشمه زلال آن، یعنی قرآن و تساهل‌های نهج البلاغه و آن هم بر پایه استنباط خود سازمان که به اصطلاح مجهز به علم مبارزه و تشخیص صحیح از سقیم در شرایط پیچیده امروزی است، به دست آورد.

حضرت امام (ره) بارها به این خط انحرافی واکنش نشان دادند؛ از جمله در خردادماه ۱۳۵۸ در دیدار جمعی از مردم فرمودند: «اگر تمام آزادی‌ها را به ما بدهند، تمام استقلال‌ها را به ما بدهند و بخواهند قرآن را از ما بگیرند، نمی‌خواهیم. ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن، ما بیزار هستیم از استقلال منهای اسلام، ما بیزار هستیم از اینکه بگویند اسلام منهای روحانیت، اسلام منهای روحانیت خیانت است. می‌خواهند اسلام را ببرند، اول روحانیت را می‌برند؛ اول می‌گویند اسلام را می‌خواهیم، روحانیت را نمی‌خواهیم! روحانیت استثنا بشود، اسلام در کار نیست. اسلام با کوشش

حافظه

استعمارگران در دهه پایانی قرن بیستم

هیولاهای چندملیتی

دهه پایانی قرن بیستم، شرکت‌های چندملیتی، سراسر جهان را فراگرفته و به قدرت تعیین‌کننده اقتصاد، سیاست و فرهنگی جهانی تبدیل شدند! اصلنامه «ترانس نشنال»، نشریه دیپارتمان توسعه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، وضعیت شرکت‌های فراملیتی را در اواخر سده بیستم میلادی چنین گزارش کرده است: «۳۵ هزار کمپانی فراملیتی در سراسر جهان فعال هستند و ۱۷۰ هزار شرکت دیگر بدان‌ها وابسته‌اند. به‌طور متوسط هر کشور میزبان هزار شرکت وابسته به کمپانی‌های فراملیتی است. برای مثال، سنگاپور که از نظر وسعت و جمعیت برابر با یکی از شهرهای بزرگ هندوستان است میزبان حدود ۱۱ هزار شرکت وابسته به کمپانی‌های فراملیتی است... کشورهای در حال توسعه جمعاً میزبان ۲۷۰۰ کمپانی اصلی [مادر] فراملیتی هستند. حدود نیمی از کمپانی‌های فراملیتی به کشورهای فرانسه، آلمان، ژاپن، هلند و ایالات متحده آمریکا تعلق دارند که جمعاً ۶۵ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های جهان را در تملک دارند. آمریکا میزبان یک سوم از یکصد کمپانی فراملیتی درجه اول جهان است... شرکت‌های شیمیایی، اتومبیل‌سازی و دارویی در زمره بزرگ‌ترین کمپانی‌های فراملیتی هستند ولی شرکت‌های نفتی در صدر لیست این کمپانی‌ها قرار دارند. طبق برآوردها، رویال داچ شل، یک کمپانی نفتی مشترک هلندی-انگلیسی، با بیش از ۱۰۶ میلیارد دلار سپرده صاحب بالاترین میزان دارایی خارجی است. این

کمپانی به اتفاق پنج کمپانی نفتی آمریکایی، یک کمپانی نفتی انگلیسی و دو کمپانی نفتی فرانسوی جمعاً دارای سرمایه‌های معادل ۲۵۰ میلیارد دلار هستند.» هفته‌نامه «بیزنس ویک» در ژوئیه ۱۹۹۳ گزارش مفصلي از سود و زیان شرکت‌های بزرگ جهان در سال ۱۹۹۲ منتشر کرد. طبق این گزارش، در این سال شرکت‌های آمریکایی ۱۴۸/۵ میلیارد دلار، شرکت‌های ژاپنی ۴۳/۶ میلیارد دلار، شرکت‌های انگلیسی ۳۷ میلیارد دلار، شرکت‌های فرانسوی ۱۲ میلیارد دلار، شرکت‌های آلمانی ۱۰ میلیارد دلار، و شرکت‌های مستقر در هنگ‌کنگ ۷/۷ میلیارد دلار سود بردند. بالاترین میزان سود به چهار شرکت فلیپ موریس (آمریکایی) با ۴/۹۴ میلیارد دلار، اکسون (آمریکایی) با ۴/۸ میلیارد دلار، رویال داچ شل (هلندی-انگلیسی) با ۴/۷۸ میلیارد دلار، و جنرال الکتریک (آمریکایی) با ۴/۳۱ میلیارد دلار تعلق داشت. این همه واقعیت نیست. فروش و سود واقعی برخی از این شرکت‌ها را حتی پیچیده‌ترین دستگاه‌های مالی دولت‌های غربی نیز نمی‌توانند محاسبه کنند. ورود به حیطه اسرارآمیز مسائل درونی غول‌های فراملیتی دشوارتر از دستیابی به اسناد محرمانه سرویس‌های اطلاعاتی دنیای غرب است. برای نمونه، شاخه کانادایی شل در سال ۱۹۹۲ به تنهایی ۶۳ میلیون دلار سود برد. برای محاسبه سود واقعی مجتمع عظیم و جهان‌گستر شل باید ارقام صدها شرکت پوششی وابسته به آن را در سراسر جهان دید؛ محاسبه‌ای شاق، پرهزینه و محال.

دهلیز

آثار سوء حاکمیت شاه بی لیاقت پهلوی دوم

غارتگران در دربار

اقتصادی چهره زشت خود را به مردم نشان داد. به دلیل جنگ، روابط بازرگانی با کشورهای اروپایی محدود و مسدود و حمل و نقل کالا متوقف شد. کشور برای تهیه مواد ضروری مثل قند، شکر، پارچه، غله، مواد شیمیایی، دارو و لوازم طبی دچار مضیقه بود. از سال ۱۳۲۱ کمبود غله، مشکل نان را در مملکت به حد اعلامی خود رساند. کلیه وسایل حمل و نقل زمینی و راه‌آهن که باید بسا انتقال به موقع امکانات غذایی، مشکلات مردم را در سراسر کشور حل می‌کردند، در اختیار متفقین قرار داشتند و از حمل مایحتاج مردم پرهیز می‌کردند.

وجود نیروهای اشغالگر و تلاش آنها برای جمع‌آوری غلات و به‌خصوص گندم، مردم را در تهیه نان دچار مشکل کرد. در سال ۱۳۲۲ شوروی حدود یکصد هزار تن غله را از ایران خارج کرد و این غیر از غله‌ای بود که از دولت می‌خرید. روس‌ها در بازار آزاد گندم‌های مردم را خریداری و به روسیه حمل می‌کردند. در سال ۱۳۲۳ نیز ده‌ها هزار تن غله از مرزهای ایران خارج شد. سیاست متفقین (آمریکا و انگلیس و شوروی) آثار مخربی بر اقتصاد ایران گذاشت و سقوط ارزش ریال، فقدان امنیت، نابودی درآمد‌های دولت و ورشکستگی اقتصاد کشور و قحطی و بیماری را به همراه آورد.»



در شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه به وسیله همان‌هایی که وی را به قدرت رسانده بودند، با کوله‌باری از ظلم و ستم و ائتلاف ثروت ملی از قدرت برکنار شد و پسر ناتوان و ناپخته او به نام محمدرضا در ۲۲ سالگی با حمایت قوای اشغالگر (شوروی، انگلیس و آمریکا) و تلاش‌های تعدادی از دولتمردان درباری از جمله محمدعلی فروغی (دکاه‌الملک) بدون برخورداری از پشتوانه حمایت‌های مردمی و ملی به تخت شاهی نشست. او که تحت سیطره پدر عملاً امکان تصمیم‌گیری و ابراز وجود در زندگی را تا آن دوران نیافته بود، سرنوشت کشور طوفان‌زده ایران را به دست گرفت. ناتوانی شاه جدید در حل مسائل کشور، ایران را به صحنه رقابت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا تبدیل کرد؛ نتیجه این بی‌لیاقتی و حضور بیگانگان فقر و قحطی و فلاکت بود.

موسسی نجفی و موسی حقانی در کتاب «تاریخ تحولات سیاسی ایران، بررسی مؤلفه‌های دین-حاکمیت مدینیت و تکوین دولت-ملت در گستره هویت ملی ایران»، که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به چاپ رسانده است، در شرح حوادث این سال‌ها می‌نویسند: «آثار شوم جنگ و اشغال کشور ابتدا با ظهور قحطی، بیماری و نابسامانی



سیاست نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی - ۲۳

غرب گرایان و ستیز
با روحانیت مشروطه

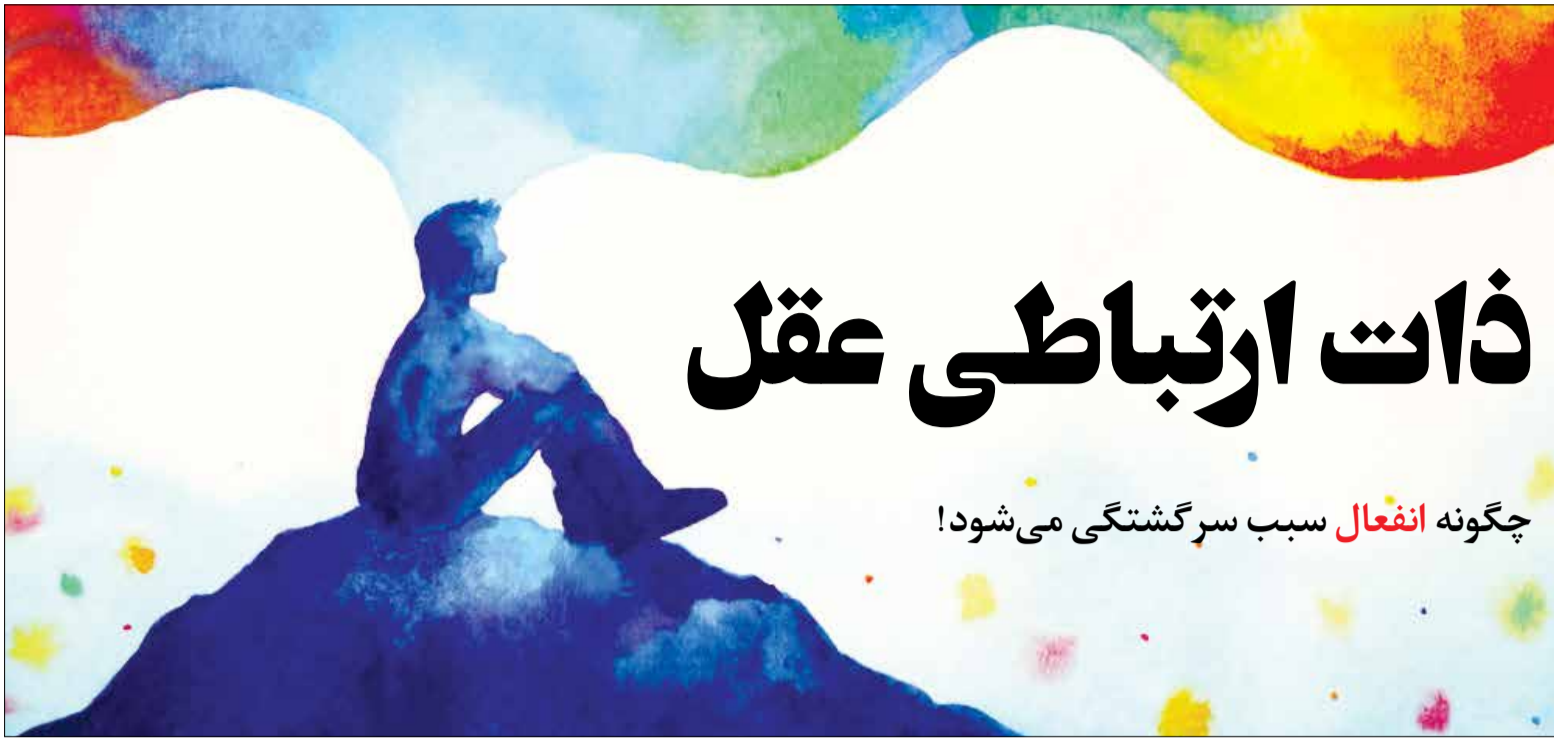
فتح الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

همپای وجود چندگانگی فکری و اختلاف مواضع علمای دینی عصر مشروطیت ایران درباره سنت و تجدد و چگونگی نسبت میان آن دو، مواضع روشنفکران ایران عصر قاجاریه و مشروطیت نیز درباره سنت دینی و تجدد چندگانه و متفاوت بود. همین امر مهم ترین عاملی بود که چگونگی هرگونه روابط علمای دینی و روشنفکران را با یکدیگر تعیین می کرد. جدای از وجود گروهی از علمای دینی که پیارهای اندیشه ها و تمایلات روشنفکرانه و تجددطلبانه داشتند، روشنفکران عصر مشروطیت بر پایه چگونگی تلقی آنان از دین و روحانیت به دو گروه اصلی «روشنفکران دین ستیز» و «روشنفکران دین دار» تقسیم شده بودند. در واقع طرف دیگر بحران تحول و آشوب در مشروطیت، که هنوز دنباله های آن در کشور ما ادامه دارد و به صورت های مختلف از روزنامه، احزاب و کتاب خود را می نمایند، حضور جریان تحصیل کردگان به ظاهر روشنفکر، خودباخته و احياناً خودفروخته در تاریخ صد سال اخیر است که با شگردهای رنگارنگ، به پست شماری و خوارداشت فرهنگ اسلامی و سنن ملی می پرداخت. این جریان برای جبران این بی هویتی، به غرب روی آورد و چنان در این کژراهه شتافت و نه تنها به فرهنگ خودی پای نبست که به ستیز با آن برخاست و به گذشته خود پشت پا زد و به پیشینه و حال غرب، با تمام توان علاقه نشان داد و به آن دل بست.

نویسندگان، شاعران، هنرمندان و سیاستگذاران این جریان چه در روزگار مشروطیت و چه پس از آن، هر کدام به گونه ای این اندیشه غیر خودی را پذیرفته، تبلیغ می کردند و با همه تفاوت ها و جدایی ها و دسته بندی های داخلی، در این ویژگی ها با هم مشترک بودند:

- ۱- خودباختگی در برابر پیشرفت های مادی و تکنولوژی غرب؛ ۲- اسلام ستیزی در این قالب که باورها و ارزش های اسلامی را زیر سؤال ببرد؛ ۳- پیوند با بیگانه؛ ۴- حضور در عرصه های سیاسی و حکومتی؛ ۵- تلاش در کاستن قلمرو دین در جامعه و گرایش آن به عرصه های فردی و عبادی؛ ۶- اصالت بخشیدن به فهم و خرد انسانی در برابر وحی؛ ۷- عضویت در سازمان های مخفی و وابسته به غرب؛ ۸- استفاده از هر وسیله ای برای رسیدن به قدرت؛ ۹- نفوذ در حرکت های سیاسی و جنبش های اسلامی مردمی و انحراف آنها در برهه های سرنوشت ساز؛ ۱۰- ترویج باستان گرایی برای رویارویی تفکر مذهبی، با این کارکرد روشنفکری غربگرا و دیگر اندیش، اجتماع ایرانی را به همان بیماری مبتلا می کرد و از پالندگی باز می داشت که خود آلوده بود، از این رو هم در عرصه فرهنگ، آلودگی هایی به بار آورد و هم در عرصه سیاست و اقتصاد، ننگ و نفرت حکومت های وابسته و سلسله پهلوی را به همراه داشت. طبیعی بود که این جریان مهم دینی و تجددطلبی، در تضاد با یکدیگر خواستار نظام های مختلف باشند. پس آنان نمی توانستند با هم کنار بیایند؛ زیرا اصول حکومت لائیک و لیبرالیسم سیاسی، هیچ گاه قابلیت جمع با اصول فقهی شریعت اسلامی را ندارد. منابع در دفتر نشریه موجود است.



ذات ارتباطی عقل

چگونه افعال سبب سرگشتگی می شود!

حمزه ه عالمی

دکتری اندیشه سیاسی



وجود مسائل و مشکلات گوناگون در جامعه امروز ایران و بازتفسیر این مسائل به روایت های مختلف از سوی رسانه های گوناگون، حوزه شناختی جامعه را با مشکل مواجه کرده است. مردم هر روز با اخبار نگران کننده ای از مشکلات اقتصادی روبه رو می شوند و در مجموع زمینه برای انتشار ناامیدی و سرخوردگی بسیار مهیاست و رسانه های اپوزیسیون این میدان را محیط مناسبی برای یکه تازی خود به منظور عملیات روانی و یأس آفرینی می بینند. این تصور فاجعه آمیز از اوضاع، بسیار بدتر و زیان بارتر از اصل مشکل و بحران است. بحران، هنگامه تولد حماسه و تراژدی است و این دو روح ملت ها را در طول تاریخ ارتقا داده و چنین روحیه ای سرمنشأ تحولات بزرگی در جوامع شده اند. این موضوع را می توان با مسروری بر چگونگی احیای فرهنگ و تمدن ایرانی بعد از حمله مغول و نقش افرادی همچون خواجه نصیرالدین طوسی مشاهده کرد. در تاریخ معاصر به ویژه دوره جنگ تحمیلی که ملت ایران در پرتو فرهنگ اسلامی دفاع شکوهمند و مقدس هشت ساله را رقم زدند، زنده ترین سند در رشد و تعالی فکری، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران را به منصف ظهور گذاشتند. در مجموع، زندگی در عصر بحران، می تواند به یک زندگی پویا و مؤقف تبدیل شود، به شرط اینکه یک ملت امید و انگیزه خود را از دست ندهند.

کی و چگونه امید از بین می رود؟

تاریخ ملت ایران پیوند وثیقی با مسئله روح دارد و «هگل» از همین بابت سرآغاز تاریخ بشر را ایران می داند. هگل در کتاب عقل در تاریخ، معتقد است، اتصال ایرانیان به تمامیت بی کران و بی پایان (ذات کلی) و در همین حال فردی کردن این ذات کلی در درون خود، ایرانیان را برمی انگیزد، به آنان نیرو می بخشد و در راه تکامل قرار می دهد و تاریخ بدین ترتیب آغاز می شود. همه بحث بر سر نقش انسجام بخش و در عین حال پیش برنده روح است که آن را چه عرفانی و چه عقلانی تفسیر کنیم، کل گرای، وحدت طلبی و انسجام بخشی از ویژگی های جوهری اش است. چنین روح و روحیه ای در طول تاریخ بشر بحران ها فائق آمده و همچنان می تواند ایران را پیش ببرد، اما چرا این روزها چنین مواضعی آرمانی تصور می شود و سخن از امیدواری بسیار دشوار است؟

هگل هستی روحی را علاوه بر ایران، در چین و هند نیز زنده می داند، اما از آنجا که معتقد است در این دو تمدن روح تابعی از طبیعت گشته، بنابراین تکامل انسانی در این دو محیط حاصل نمی شود، براین اساس طبیعت اندیشی صرف و اسارت عقل در دایره معاش، نیروی پیش رونده روح را خنثی می کند و در مواجهه با مشکلات، ناامیدی بر جامعه حاکم می شود. نیروی پیش رونده روح به تعبیر هگلی همان دیالکتیکی است که میان روح با طبیعت شکل می گیرد و در نهایت روح (که نزد هگل به عقل ترجمه می شود)، هستی و طبیعت را به صورت خویش درمی آورد و آنچه در این مسیر مهم است، دیالکتیک بوده که از تازگی روح برمی خیزد

و نقطه آغاز آن روی آوردن روح به سوی طبیعت است. طبق اعتقادات اسلامی در تمایل روح به سوی طبیعت، جوهر الهی آن را نباید فراموش کرد و اساساً این روی آوردن زمانی کارآمد است که با انگیزه های دینی و با هدف اکتشاف قدرت خدا در طبیعت باشد. در اینجا میان خدا، انسان و طبیعت وحدت صورت می گیرد و جوهر این وحدت عشق است.

البته در دیدگاه هگل رگه هایی از این نگرش وجود دارد. هگل ذات این روح را روشنائی (با نظر به آیین توحیدی ژروانی در ایران باستان) می داند که به سوی نیکی و راستی در حرکت است. طبیعت نور با خلوت گزینی بیگانه است و یک هستی سرشار دارد. به عبارت بهتر، سرشاری (پُری) جزء وجودی نور است و همین سرشاربودگی آن را به تالو (یا به تعبیر فلاسفه اسلامی به فیضان) وا می دارد. در حالی که اسارت در طبیعت و سیطره عقل معاش بر زندگی، نیروی پیش رونده روح را می گیرد، باز نمایی منفی از واقعیات نیز روح را اسیر تاریکی ها می کند. اساساً غلبه طبیعت بر روح، همان غلبه امر بیرونی بر جوهر درونی است که سبب می شود حرکت درونی روح را در سایه عامل بیرونی خاموش کند.

حال اگر امر بیرونی در یک باز نمایی کاذب بر حرکت درونی مسلط شود، وضعیت خیلی بغرنج تر می شود. این اقدامی است که زبان آلوده به دروغ (جنگ روانی) شکل می دهد و علاوه بر اینکه روح و عقل را تابع امر واقع می کند، واقعیت را به سوی سراب رهنمون کرده و سراب چیزی جز ناامیدی بر نمی انگیزد.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۲۴

نظام انقلابی در عمل

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)



از ایده انقلاب اسلامی در بخش های ساختاری و کارگزار نظام سیاسی نهادینه شود. هر نظام سیاسی مبتنی بر مجموعه ای از ایده ها، وضع مطلوبی را برای خود تصور می کند و به شهروندان خود نوید تحقق آن را می دهد، اما ایده ها برای تحقق یافتن و به عینیت پیوستن نیازمند آن هستند که در چارچوب ساختارها تجسم یافته تا با فراهم کردن شرایط منع و ترغیب بر کارگزاران، پیامدهای مطلوب و مدنظر را ظاهر کنند. بنابراین، در حالی که ایده ها به مثابه نهادهای نظام های سیاسی عمل می کنند و ساختارها نیز به مثابه دستگاه پردازشگر، کارگزاران به مثابه توانایی های نظام های سیاسی تصور می شوند که با برخورداری از توانایی های پنج گانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی قادرند با رفتارهای مناسب و مطلوب، خروجی ها و کارکردهای مورد انتظار، رضایت بخش و تضمین کننده بقای سیستم را تولید کنند. از این رو، در مطالب آتی تلاش می شود در قالب سطوح ایده، کارگزار و ساختار قالبی مفهومی در اختیار خواننده قرار گیرد تا بتوان بر اساس آن، شاخصه های نظام انقلابی را در هر یک از سطوح یاد شده بررسی و تبیین کرد و مبتنی بر آن به دستاوردهای نظام انقلابی اشاره و آن را بر اساس چارچوب ارائه شده آسیب شناسی کرد و در نهایت، به الزامات نظام انقلابی در این راستا برای تداوم مسیر انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمدن بزرگ و جهانی اسلامی توجه کرد.

ریزش ها

فراز و فرود میر حسین موسوی - ۳

ارتباط مشکوک!

می گوید: «دولت آقای میر حسین موسوی... دولت سالاری را در امور اقتصادی عملاً ترجیح می داد و این سیاست تنها به خاطر جنگ نبود، بلکه اصلاً سبک تفکر ایشان این چنین بود... برداشت ما این بود که آقای موسوی می خواهد کلاً دولت در تمام امور اقتصادی حضور داشته باشد و این را قبول نداشتیم.» «میر حسین موسوی ارتباط مشکوکی با فردی به نام «قربانی فر» داشته است که ارتباط نام برده با اعضای باند مهدی هاشمی معدوم و عناصر اطلاعاتی سرویس های بیگانه قطعی است. عدنان خاشقچی (دلال سعودی تبار اسلحه و شریک نیمردی) در نامه ای به «رابرت مک فارلین» مشاور امنیت ملی ریگان، نوشت: «منوچهر قربانی فر، مشاور میر حسین موسوی نخست وزیر ایران و رئیس (!) سرویس های مخفی تهران در اروپا و عامل ارتباطی مناسب میان آمریکا و ایران است.»

پی نوشت ها در دفتر نشریه موجود است.



علی محمد بشارتی (وزیر اسبق کشور) درباره تصفیه نیروهای انقلابی در دولت میر حسین موسوی می گوید: «وقتی موسوی نخست وزیر شد، همه حزب اللهی ها را که ایمان راستینی به انقلاب داشتند، بیرون کرد. آقای عسگر اولادی (وزیر بازرگانی)، آقای ناطق نوری (وزیر کشور)، آقای علی اکبر پرورش (وزیر آموزش و پرورش) و آقای توکلی (وزیر کار) همه را اخراج کرد. دکتر علی اکبر ولایتی را هم می خواست عوض کند که امام خمینی (ره) نگذاشتند.» از ویژگی های اخلاق مدیریتی موسوی که بسیار در سرنوشت سیاسی وی مؤثر بود، خودرایی و یکدندگی وی در تصمیمی بود که به آن می رسید یا اعتقاد داشت درست است. از این رو، در تغییر تصمیمات و محاسبات اشتباه خود بارها پیش آمد که حتی به تذکرات امام (ره) نیز بی توجهی می کرد. این بی توجهی در حالی از وی سر می زد که اساساً رئیس جمهور وقت، آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) به نخست وزیری وی تمایلی نداشت و با توصیه امام (ره) و بنا بر مصالحی که امام تشخیص داده بودند، در این پست باقی مانده بود. برخی معتقدند جریان خاص نفوذی در پیرامون وی بود که بر آتش اختلاف افکنی ها و لج بازی های وی می دمید. از مسائلی که امام خمینی (ره) بارها در دوران نخست وزیری موسوی به او تذکر دادند، اما او هیچ گاه به آن توجهی نکرد، مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی اعم از تولید و تجارت و خدمات نبود. مرحوم آیت الله مهدوی کنی



حساب منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب: جوان ما اگر وارد یک مسئولیتی شد، این طور نباشد که چشم به مقام بالا یا اندوختن مال دنیا داشته باشد؛ این جور کار پیش نمی‌رود. کار با مجاهدت و اخلاص پیش خواهد رفت؛ دوران دفاع مقدس هم واقعاً همین جور بود؛ کسانی آمدند و با اخلاص و فداکاری کار را پیش بردند.



عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان: امنیت برای فعال اقتصادی، ناامنی برای مجرم اقتصادی! استرداد مدیرعامل فراری بانک سرمایه یک گام مهم در جهت ناام کردن فضا برای مجرمان اقتصادی است. سبایر دولت های غربی نیز باید به حمایت از مجرمان و متهمان اقتصادی پایان دهند و آنها را برای اجرای عدالت به ایران مسترد نمایند.



عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی: جمهوری اسلامی ایران در نتیجه صادرات برق و گاز به عراق، منابع مالی چشمگیری در بانک های عراق دارد. امیدوارم با توافق های انجام شده گام های مثبتی در توسعه روابط اقتصادی و بانکی بین دو کشور برداشته شود. جمهوری اسلامی ایران در چارچوب این توافق، بنا دارد بر اساس نیازهای خود، از این منابع مالی مالی برداشت کند.



سید محمود رضوی، مشاور رئیس مجلس: ابتلای برخی از مسئولان به کرونا نشان می‌دهد، چه به میان مردم برویم و چه نروید، احتمال ابتلا به کرونا منتفی نیست. در روزهای جنگ با کرونا و سیل اقتصادی مردم به حضور مسئولان در کنار خود نیازمندند، مسئولان خودتان را از مردم دریغ نکنید. یادتان نرود ترس برادر مرگ است.



سیدامیر سیاح، کارشناس مسائل اقتصادی: وزارت صمت تابستان ۹۷ دستور داد فولاد به قیمت سرکوب شده متناسب دلار ۴۲۰۰ فروخته شود. آن دستور طی ۵۱ روز رانت هنگفتی ایجاد کرد، اما کسی بابت آن مجازات نشد. اخیراً صمت دوباره همان دستور رانت‌زرا را ابلاغ کرده! با این دستور، هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده فولاد ضرر می‌کنند فقط رانت‌خوار سود می‌برد.



فرشاد مهدی پور، فعال رسانه‌ای: منفی شدن تست کرونا ای تراپ تایید نشده و فقط پزشک‌ش گفته نزدیک شدن به رییس دولت آمریکا خطرناک نیست و اشیگل گفته احتمالاً تستش مثبتیه. با این وجود تراپ راه افتاده به سخنرانی برای کمپین انتخاباتی‌ش! در آمریکا تا الان حدود ۲۲۰ هزار نفر بخاطر کرونا مرده‌اند.

نگاهی به پدیده رهاشدگی افکار عمومی در فضای مجازی

اثر شتر مرغ!



عملاً به حال خود رها شده‌اند!

از مرور حوادث و وقایع اخیر می‌توان نتیجه گرفت، در چنین شرایطی و در میانه جنگ نرم بیش از آنچه به نظر می‌رسد، کشور نیازمند باز طراحی سازوکار مدیریت افکار عمومی خود است. البته شاید عجیب به نظر برسد، اما هنوز هم می‌توان مدیران و مسئولانی را یافت که توجهی به حوزه افکار عمومی نداشته و هر از گاهی با طرح عمومی موضوعات و وعده‌هایی مبهم، افکار عمومی را به سخره گرفته و آن را بی اهمیت جلوه می‌دهند؛ البته بد نیست بدانید که از منظر علم مدیریت این رویکرد اثر شتر مرغ یا «Ostrich effect» نامیده می‌شود! دلیل این نام‌گذاری یک باور قدیمی در مورد شتر مرغ است که بر مبنای آن هرگاه شتر مرغ از چیزی بترسد، سر خویش را زیر خاک فرو می‌برد، یعنی از برخی مسائل چشم‌پوشی می‌کند هر چند که این رویکرد می‌تواند به قیمت جان وی تمام شود. این اصطلاح نخستین بار در سال ۲۰۰۶ مطرح شد، آن هم پس از اینکه پژوهشگران در جریان

نوید کمالی

دبیر گروه رسانه



حال و احوال افکار عمومی کشور چطور است؟! در ماهها و هفته‌های گذشته این پرسش و پاسخ به آن، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های پیش روی مدیران و سیاست‌گذاران دلسوز کشور بوده است؛ چرا که حواشی مجازی و حقیقی شکل گرفته در رابطه با موضوعاتی مانند بحران قره باغ و اعتراضات تجزیه‌طلب‌ها، پیش‌نویس قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، ادعاهای رئیس بنیاد مستضعفان، طرح ادعای گشایش اقتصادی، واگذاری خودروهای دنا پلاس به نمایندگان مجلس و مطالبه خودروی شاسی بلند از سوی یکی از آنها و صدها ترند و هشتگ کوچک و بزرگ فضای مجازی دیگر حکایت از این واقعیت دارد که حال و روز نظام مدیریت افکار عمومی کشور آنچنان که باید خوش نیست و افکار عمومی

مطالعه رفتار سرمایه‌گذاران بازار بورس به این نتیجه رسیدند که وقتی بازار در وضعیت نامطلوبی قرار می‌گیرد، بسیاری از سهام‌داران از بررسی مداوم اخبار بازار و وضعیت سرمایه‌شان خودداری می‌کنند.

بدون شک، امروزه وضعیت افکار عمومی و نوع سوگیری‌های عامه مردم در رابطه با مسائل مبتلابه کشور و منطقه نقشی کلیدی در سر نوشت نهایی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان دولت و نظام اسلامی کشورمان دارد؛ چرا که همسو بودن افکار عمومی با سیاست‌های مطلوب حاکمیت، علاوه بر تقویت مشروعیت و مقبولیت سیاست‌ها، زمینه همراهی و همکاری بدون چالش و اصطکاک آحاد مردم در پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌های مدنظر حاکمیت را فراهم می‌کند. با مرور تجربیات امنیت ملی دیگر کشورهای توسعه‌یافته می‌توان دریافت که مسئله مدیریت کارآمد و مؤثر افکار عمومی نه تنها یک موضوع تشریفاتی نیست؛ بلکه یکی از پایه‌های امنیت ملی به شمار می‌آید؛ به همین دلیل در این

قبیل کشورها پیش از طراحی و اجرای هر نوع سیاست خرد و کلان، پایش افکار عمومی در دستور کار مسئولان قرار می‌گیرد تا از این طریق سطح و میزان اقبال و همراهی افکار عمومی با آن سیاست تخمین زده شده و از بروز اصطکاک بین خواست مطلوب حکومت و ملت در مرحله طراحی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی جلوگیری شود.

لذا با توجه به آنچه بیان شد، اگر به دنبال راهکار عملیاتی برای رفع این مشکل در کشور باشیم، بدون شک اولین گام آموزش و توجیه مسئولان خرد و کلان در رابطه با ماهیت افکار عمومی و چرایی اهمیت آن است. در گام دوم ضروری است که پیش از طراحی هر سیاست، داده‌های روزآمد حاصل از نظرسنجی‌ها و افکارسنجی‌های معتبر مراکز پژوهشی و مطالعاتی کشور در دسترس مدیران و سیاست‌گذاران قرار گیرد تا مهندسی طرح‌ها و برنامه‌ها مطلوب و مورد نیاز کشور به گونه‌ای صورت پذیرد که کمترین اصطکاک با افکار عمومی را به همراه داشته باشد.

بررسی اهمیت شناخت افکار عمومی برای تصمیم‌گیران در گفتگو با یک پژوهشگر علوم ارتباطات

مسئولان برای شناخت جامعه به افکارسنجی نیاز دارند



در حوزه افکارسنجی است؛ چرا که از طریق افکارسنجی‌های دقیق و مستمر می‌توان شناخت کاملی از خواسته‌ها، ایده‌آها و نیازمندی‌های جامعه کسب کرد و از این طریق مانع اتخاذ سیاست‌های غیر منطقی و نامعقولانه از سوی مسئولان شد. علاوه بر این، با توجه به ضریب نفوذ بالای فضای مجازی در جامعه ما، مسئولان با حضور فعال در فضای تعاملی وب و به طور خاص شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با کمترین هزینه بیشترین ارتباط را با افکار عمومی ایجاد کنند، البته در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که فضای مجازی تمام افکار عمومی جامعه نیست و مسئولان باید برنامه‌های ویژه‌ای برای حضور مستقیم و بی‌پرده در بین آحاد جامعه داشته باشند و از این طریق صدای مردم را بشنوند.

می‌کند که شناخت و تحلیل دقیق‌تری از جامعه خود کسب کنند.

برای بهبود و افزایش سطح ارتباط مسئولان و نهادهای پر تعداد کشور با افکار عمومی جوان و مطالبه‌گر کشور چه راهکارهایی را می‌توان پیشنهاد داد؟

باید به این نکته مهم توجه داشت که افکار عمومی در هر دوره تاریخی و جغرافیایی مختصات خاص و مخصوص به خود را دارد؛ از این رو نمی‌توان برای تمام جوامع نسخه واحد پیچید. با این حال اگر قصد پیشنهاد راهکار برای بهبود و ارتقای سطح ارتباط مسئولان با افکار عمومی جامعه خودمان را داشته باشیم، طبیعتاً اولین توصیه بهره‌گیری از تیم‌های کارشناسی

افکار عمومی چیست و چه جایگاهی در معادلات سیاسی و اجتماعی کشورها دارد؟

هر چند واژه «افکار عمومی» یا «Public Opinion» سال‌هاست که در رسانه‌ها و کتب مرجع حوزه علوم ارتباطات و حتی سخنرانی‌های رهبران سیاسی استفاده می‌شود؛ اما هنوز نمی‌توان برای این مفهوم تعریف واحد و جامعی ارائه داد، با این حال به طور کلی می‌توان افکار عمومی را حاصل جمع و برآیند تفکرات اعضای مختلف یک جامعه نسبت به یک موضوع خاص دانست. همان‌گونه که از این تعریف برمی‌آید، افکار عمومی برخاسته از برداشت‌ها و باورهای عموم اعضای یک جامعه است، لذا احصا و شناخت افکار عمومی یک جامعه به دولت‌ها کمک

همزمان با گسترش بیش از پیش زیرساخت‌های ارتباطات جمعی، نقش و جایگاه افکار عمومی در کشور ما بیش از پیش ارتقا یافته است و دیگر کمتر سازمان، نهاد یا مسئولی را می‌توان یافت که در سیاست‌های اعلامی خود اشاره‌ای به افکار عمومی نداشته باشد. با این حال، هنوز هم شاهدیم که عرصه عمل مفهوم افکار عمومی آنچنان که باید مورد توجه مسئولان نیست؛ این مسئله را می‌توان ناشی از شناخت ناکافی برخی مدیران و مسئولان نسبت به جایگاه واقعی افکار عمومی در معادلات سیاسی و اجتماعی هزاره جدید دانست. برای بررسی دقیق‌ترین موضوع با «فهمه‌سادات حقانی» خبرنگار، فعال فرهنگی و پژوهشگر عرصه علوم ارتباطات گفت‌وگویی داشتیم.

پژواک

رژیم تروریست

ذلت‌پذیری که مقدمه جنگ شد



بحران «قره‌باغ» چهره واقعی رژیم صهیونیستی برای ارمنستان به نمایش گذاشت! وقتی رژیم صهیونیستی با حمایت نظامی و اطلاعاتی گسترده خود از آذربایجان موجب تقویت توان نظامی این کشور در مقابل ارمنستان شد، ارمنستانی‌ها با تصور اینکه بازگشایی سفارت در سرزمین‌های اشغالی موجب توقف حمایت تل‌آویو خواهد شد، تن به ذلت دادند؛ اما رئیس‌جمهور قره‌باغ کوهستانی رسماً اسرائیل را «رژیم تروریستی» خوانده و بگویند: «برای اسرائیل فقط پول مهم است؛ نه زندگی انسان‌ها و اسرائیل باید یک روز پاسخگوی اعمال خود باشد.»

خبر خوب

رشد بی‌سابقه

رونق بازار تجهیزات رایانه



کرونالوم فاصله‌گیری اجتماعی موجب رواج دورکاری و آموزش مجازی شده است، اما این مهم بدون تجهیزات مناسب رایانه‌ای ممکن نیست؛ نیاز عمومی مردم جهان به ابزارهای دیجیتال، از جمله رایانه‌های افزایش یافته؛ به گونه‌ای که بر اساس جدیدترین آمارهای ارائه شده رشد بازار فروش این قبیل تجهیزات در یک دهه اخیر بی‌سابقه بوده است و با رشد ۱۲/۷ درصدی همراه بوده است؛ لذا با توجه به تداوم بحران جهانی کرونا، سرمایه‌گذاری در حوزه تولید و مونتاژ قطعات رایانه‌ای در کشور ما می‌تواند به یکی از فرصت‌های صادراتی موفق کشورمان بدل شود.

یادداشت

جشنواره فیلم کودکان؛
مدرسه پیر مردها!

آرش فهیم

منتقد سینما



جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در روزگاری نه چندان دور، شکوه و اعتبار خاصی داشت. این جشنواره نه فقط در داخل، بلکه در سطح جهان، به منزله یک رویداد و گردهمایی فرهنگی بزرگ و قابل تحسین شناخته می‌شد؛ اما از اواخر دهه ۷۰ رفته‌رفته از آن عظمت کاسته شد تا امروز که حتی برگزاری دو سال یک بار آن هم گویا برای رفع تکلیف است. کسانی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مخاطب و پیگیر آثار سینمایی بودند، به خوبی به یاد دارند که در آن دوران، سینمای کسودک، یکی از قدرتمندترین بخش‌های هنر هفتم در ایران بود؛ هم تعداد زیادی فیلم در این رده تولید می‌شد و هم اینکه فیلم‌های منتسب به این رده، از بهترین و پرتماشاگرترین آثار سینمایی ما به شمار می‌آمدند؛ به گونه‌ای که حتی بزرگسالان نیز به تماشای آن فیلم‌ها تمایل داشتند. در آن سال‌ها، سینما بولوار در تهران مختص نمایش فیلم‌های کودکان بود و اهالی سینما به خوبی می‌دانند که عصرهای جمعه، چه صاف‌های طولانی در مقابل این سینما تشکیل می‌شد؛ اما طی دو دهه اخیر با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اعمال شده در سینمای ایران، فیلم‌های کودک و نوجوان نیز مانند خیلی دیگر از طیف‌ها و جریان‌های سینمایی به انزوا رانده شده‌اند؛ هر سال، تعداد اندکی فیلم در این رده تولید می‌شود و اکثریت قریب به اتفاق همان اندک تولیدات سینمای کودک نیز اساساً قابل تماشا نیستند؛ هر چند که استثناهایی مانند «منطقه پرواز ممنوع» هم وجود دارند که یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سال هم شد. اما به طور کلی، تولید فیلم با اصالت و تأثیرگذار برای کودکان، نیازمند انگیزه‌های پاک و فطری است. اما به واسطه ریل‌گذاری مدیران سینمایی در این دوره، سینمای ما یا به سمت تجارت و سرمایه‌سالاری سوق داشته یا در جهت اطوارهای شبه روشنفکرانه پیش رفته است. با این‌گرایش‌ها، نمی‌توان برای بچه‌ها فیلم خوب و زیبا ساخت. در نتیجه چنین وضعیتی، «جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان» نیز برخلاف اسم پرطراوت و شورانگیزش، امروز به رویدادی کسل‌کننده، خسته، فاقد خلاقیت و نوآوری و تکراری تبدیل شده است. این جشنواره برخلاف انتظار، بیش از آنکه محل بروز استعدادها و نونهال یا درخشش ایده‌های هنری جدید درباره چگونگی کار تربیتی برای بچه‌ها از طریق سینما باشد، مجال برای خودنمایی بیشتر و آزمون و خطاهای بی‌پایان مدیران همیشه در صحنه سینماست! مدیرانی که همواره مسئولیت مصادر اجرایی سینمای کشور را برعهده دارند و فقط به طور فصلی با هم جابه‌جا می‌شوند! این جشنواره، مدرسه‌ای برای این افراد است تا هر دوره، درس‌ها و تجربیات گذشته را دوره کرده و روش‌های نه چندان تازه‌ای را در آن امتحان کنند. همیشه هم نمره نهایی آنها ثابت است؛ عدم تأثیرگذاری و جریان‌سازی در زمینه تولید فیلم برای کودکان و نوجوانان! کما اینکه در دوره‌های اخیر این جشنواره، بیشتر تولیدها درباره بچه‌ها بوده‌اند نه برای کودکان و نوجوانان. این در حالی است که این جشنواره اصلاً برای این راه‌اندازی شد تا کارزاری برای فیلم‌هایی با مخاطب کودک و نوجوان باشد. همچنین برنامه‌های اجرا شده در دوره‌های اخیر این جشنواره باز هم برای مدیران و فیلمسازان بزرگسال بوده و ارتباط چندانی با بچه‌ها نداشته است.



مهم‌تر و حتی زمینه‌ساز رشد آنها و از ضروریات است، فرزندان که در سبک زندگی ایرانی - اسلامی بزرگ می‌شوند، همیشه به قدرت خود متکی بوده و دست نیاز در هیچ بعدی به سوی بیگانه دراز نمی‌کنند.

شاید در نگاه نخست، کسی نتواند میان «فرهنگ» و «اقتدار ملی» ارتباط معناداری برقرار کند، اما مسئله چندان پیچیده نیست؛ وقتی فرهنگ یک ملت در شتون گوناگون آن، از سبک زندگی و باورهای عمومی گرفته تا نحوه مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلاح شود، دیگر فائق آمدن بر تنگناهای اقتصادی و بحران‌های مختلف پیش‌بینی شده و نشده، کار چندان سختی نیست و این باور و نگاه عمومی جامعه است که راه‌های برون رفت از مشکلات و دستیابی به اقتدار ملی را نشان خواهد داد؛ در این وضعیت، جریان‌های سیاسی زودگذر نیز به خودشان اجازه نخواهند داد با دستاویز قراردادن هر مسئله سیاسی و اقتصادی موقتی، با اعتماد و امید مردم بازی کنند و ناگزیر خواهند شد، بر مدار باورهای فرهنگی اصیل و بنیادین جامعه حرکت کنند.

و چه امروز در شرایطی چون سیل و زلزله و این روزها، در زمان شیوع ویروس خطرناکی که جان عزیزان و هم وطنانمان را می‌گیرد، قطعاً همین سبک زندگی درست است که سبب می‌شود حتی مشکلاتی مانند اقتصاد نیز کم رنگ‌تر از آنچه هست خودنمایی کند. در واقع می‌توان گفت بهترین راهکار برای بهبود مناسبات اجتماعی و روابط میان آدم‌ها، اصلاح و ارتقای فرهنگی است. این قوام‌یافتگی فرهنگی است که به جوانان یک مملکت می‌آموزد باید به توانایی خود امید داشته باشند و نباید منتظر بود تا انتخابات کشوری دیگر در آن سوی دنیا، برای آینده وطنش برنامه‌ریزی کنند؛ البته همین اهمیت فرهنگ است که باعث شده تا تهاجم‌های فرهنگی نیز پیش از اقتصاد به امید مردم حمله کرده و آنها را نسبت به آینده ناامید کند، این در حالی است که ناامیدی نیز در فرهنگ ایرانی - اسلامی هیچ جایگاهی ندارد. با این اوصاف، بر کسی پوشیده نخواهد بود که اهمیت فرهنگ نه تنها از مسائل اقتصادی یا نظامی کمتر نیست، بلکه در بسیاری موارد

درنگی بر بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب

دستیابی به اقتدار
از جاده فرهنگ

نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



فرمانده معظم کل قوا صبح روز دوشنبه در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در دانشگاه افسری امام علی (ع) توانایی و قوام‌یافتگی فرهنگی را در کنار ثبات اقتصادی، یکی از ارکان مهم اقتدار ملی توصیف کرده‌اند. ایشان تأکید کردند: «اگر ما برای اقتدار ملی لااقل سه رکن اصلی را در نظر بگیریم، این سه رکن استحکام و ثبات اقتصادی، توانایی و قوام‌یافتگی فرهنگی و قدرت دفاعی است.»

این سخنان نشان می‌دهد، حتی اگر حال اقتصادمان هم خوب شود، بدون توانایی و قوام‌یافتگی فرهنگی نمی‌توانیم به اقتدار ملی دست یابیم، اما فرهنگ چه تأثیری بر اقتدار ملی دارد که حتی در وضعیت سخت اقتصادی نیز رهبر فرزانه انقلاب به آن تأکید دارند؟ اساساً توانایی و قوام‌یافتگی فرهنگی به چه معناست و چه شاخصه‌هایی را شامل می‌شود؟

سبک زندگی ایرانی - اسلامی و
گلوگاه‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین ابعاد قوام‌یافتگی فرهنگی،

استقلال فرهنگی است و آن نیز در گرو سبک زندگی درست است؛ سبک زندگی ایرانی - اسلامی که بارها رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند. این سبک زندگی درست و بهینه است که سبب می‌شود رفته رفته حتی از نظر اقتصادی نیز به یک پل‌سوغ و ثبات قوی دست یابیم. به مثالی کوتاه در این زمینه می‌توان اکتفا کرد؛ سال‌هاست که کشور ما از صادرات نفت خام و کم‌کاری برای فرآوری این ماده ارزشمند نفتی رنج می‌برد، این در حالی است که سبک زندگی ایرانی - اسلامی، مصرف‌گرایی را نکوهش کرده و آن را مذمت می‌کند.

البته این تنها یک مورد بسیار کوچک از ده‌ها مواردی است که می‌توان آن را در مقوله سبک زندگی ایرانی - اسلامی قرار داد.

فرصت‌آفرینی سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بحران‌ها

در همین موضوع سبک زندگی ایرانی - اسلامی است که صحنه‌هایی مانند همیاری و همدلی‌ها در زمان‌های حساس و بحرانی شکل می‌گیرد، چه دیروز در میدان‌های جنگ نظامی

برداشت

والدگری و آموزش خودمراقبتی به کودک

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



کتاب‌های آموزش هشدارهای جنسی و جسمی برای کودکان در شرایطی روانه بازار شده است که بسیاری از والدین نحوه آموزش درست خودمراقبتی به کودکان را نمی‌دانند و در مواردی، با رفتارهای تند خود، حتی مانع از بازگو کردن حوادث از زبان کودکان می‌شوند. در چنین وضعیتی، نشر و عرضه کتاب‌های آموزشی برای والدین و کودکان در زمینه مراقبت از خود در برابر خطرهای جنسی و جسمی یک ضرورت

اجتناب‌ناپذیر است. البته آموزش‌هایی که مطابق دستورات دینی و اسلامی بوده و با فرهنگ جامعه ایرانی نیز همخوانی داشته باشد. یکی از مباحث مهمی که روانشناسان کودک بر آن تأکید دارند، «والدگری» است. والدگری، یعنی پدر و مادر باید به کودک خود بیاموزند که هر آنچه اتفاق افتاد، برای‌شان بازگو کنند؛ زیرا در این صورت مورد حمایت عاطفی آنها قرار می‌گیرد. کودک باید بیاموزد هر آنچه را که برایش رخ می‌دهد، تنها به پدر و مادرش بگوید و در مقابل یاد بگیرد که اخبار و وقایع مربوط به حریم خصوصی خانواده را نیز در جای دیگری بازگو نکند. اگر چه والدگری بسیار مهم است، اما والدین

در جایی این مهارت‌ها را آموزش نمی‌بینند. در آموزش‌های پیش از ازدواج، در خصوص مهارت‌های تربیت فرزند، مطلبی بیان نمی‌شود و پس از ازدواج هم، کمتر زوجینی هستند که به کلاس‌ها یا کارگاه‌های آموزشی پیش از تولد فرزند بروند. در این شرایط، نهادهای فرهنگی و ناشران کتاب باید دست به کار شوند تا از طریق تولید محتوای آموزشی مناسب، هم به والدین آموزش‌های لازم را منتقل کنند و هم مطالبی را آماده کنند که قابل ارائه به کودکان باشد. البته آموزش خودمراقبتی چیزی متفاوت از محتوای آموزش جنسی به کودکان است که در سندهای غربی به آن اشاره شده است؛ واقعیت

تلویزیون

از سرنوشت
داستان یک پرورشگاه



بنابر اعلام سیما، فصل سوم سریال «از سرنوشت» به کارگردانی «محمدرضا خرمندان» و تهیه‌کنندگی «اکبر تحویلپان» جایگزین مجموعه «بوم و بانو» خواهد شد. این سریال کاری است از گروه فیلم و سریال شبکه دو که در سه فصل تولید شده است. داستان آن از رفاقت هاشم و سهراب دو پسر بچه پرورشگاهی آغاز می‌شود. آنها از کودکی در این مرکز زندگی می‌کنند تا به مرحله نوجوانی و جوانی می‌رسند. آنها که آرزوهای بزرگی را در سر می‌پروراندند، فراز و نشیب‌های زندگی‌شان محور اتفاقات این سریال قرار می‌گیرد.

کتاب

پیاده تا خورشید
سفرنامه قزوه به کر بلا



کتاب «پیاده تا خورشید» سفرنامه «علیرضا قزوه» از هشت سفر وی به کر بلا منتشر شد در بخشی از این کتاب آمده: «از همین فرودگاه تهران لباس ورزشی پوشیده برای پیاده‌روی. من هم سنگ تمام گذاشتم و با لباس رسمی آمده‌ام؛ باکت و شلوار قهوه‌ای نوی که همین ماه پیش خریدم. می‌گویند: «تو با این لباس روی؟» من هم به شیوه طنز جوابش را می‌دهم: «بین دوست عزیز مرا خود آقا دعوت کرده، باید هم با این لباس بیایم، شما را به گمانم ذوالجناح دعوت کرده...!»

سریال

خوشبرگ
مجموعه‌ای برای نوجوانان



سریال تلویزیونی «خوشبرگ» به تهیه‌کنندگی «ایمان ایرانمنش» و کارگردانی «رامین معقولی» پس از طی مراحل پیش تولید، ضبط خود را آغاز کرده است و به زودی روی آنتن شبکه امید می‌رود. فیلمنامه این مجموعه را «مصطفی رجیب‌زاده» به رشته تحریر درآورده و روایتگر داستان‌هایی است که در یک محله و رستوران رخ می‌دهد؛ رستورانی متفاوت که در آن، به جای غذا، کتاب به مخاطبان نوجوان خود ارائه می‌دهد. «خوشبرگ» مجموعه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای است که به دنبال اشاعه فرهنگ کتابخوانی و ایجاد علاقه به مطالعه است.

یادداشت

بارش باران بر کویر

میثم رشیدی مهرآبادی

دبیر گروه دفاع مقدس



خبرنگار بود. یک پسر داشت. همسن من بود، اما به مراتب فعال‌تر و پرتحرک‌تر. از گزارش‌های اجتماعی زده بود به خط گفت‌وگو با خانواده شهدای مدافع حرم و یخس با خانواده فاطمیون بیشتر گرفته بود. بی‌پروا با یک بلیط پرواز کرمان خودش را به روستاهای رفسنجان می‌رساند و می‌نشست پای صحبت خانواده فلان شهید فاطمی. گاهی هم راهش را عوض می‌کرد و می‌رفت سمت مشهد. آنجا بیشتر کاسب بود. هر یک روز که می‌توانست پسرش را پیش مادرش بگذارد و از همسرش اذن سفر بگیرد، سه چهار گفت‌وگو و گزارش در حومه مشهد را هماهنگ می‌کرد. دست پر برمی‌گشت و تا مدت‌ها می‌توانست با تیرهای جذابش، چشم خوانندگان روزنامه را روی صفحه و مطلبش می‌خکوب کند.

تصمیم گرفتم بسا او مصاحبه کنم. می‌خواستم رمز کارش را پیدا کنم. اینکه همسر و فرزند و زندگی را می‌گذاشت و برای تهیه گزارش صدها کیلومتر از شهرش دور می‌شد، موضوع کوچکی نبود. محصول کار هم که قابل توجه بود. دعوتش کردم. یک روز عصر گفت‌وگویی مان پا گرفت و از حاشیه‌های چیزهایی گفت که به شدت شنیدنی بودند. وقتی از همراهی‌اش با یکی از رزمندگان فاطمیون گفت، نفس‌هایم را حبس کردم تا جملاتش را بهتر بشنوم. آنقدر اصرار کرده بود تا قبول کرده بودند برادران افغان را تا پای پرواز همراهی کند. حتی محل آموزش نظامی‌شان را هم دیده بود. تا توانسته بود گفت‌وگو گرفته بود تا گزارشش را پر و پیمان کند. همینطور هم شده بود. روزهای سخت نبرد سوریه در پیش بود و اعزام‌ها روز به روز بیشتر می‌شد. حفاظت اطلاعات هم که جای خود. حالا در این گیر و دار، فرض کنید خانم خبرنگاری را که با تیپ و ظاهری معمولی به فرودگاه رفته تا اعزام تعدادی از مدافعان افغان را ببیند و از آنها مصاحبه بگیرد. وقتی حاشیه‌های آن گزارش را برابری تعریف کرد، به حالش غبطه خورد. ساعات جالب و عجیبی را تجربه کرده بود...

برای من که سال‌ها در حوزه دفاع مقدس نوشته بودم، دانستن از حال و هوای آنها جذاب‌تر بود؛ اما هر چه کردم نتوانستم به روایت‌های‌شان نزدیک شوم. روایت‌های آن خانم خبرنگار هم فقط به تشنگی‌هایم اضافه کرد. روزگار گذشت تا اینکه یک روایت درست و درمان، جرعه‌ای آب شد وسط بیابان. جرعه‌ای از آب باران. کتاب «ابو باران»...

چندین کتاب درباره مدافعان حرم به دستم رسیده بود، اما اولویت را دادم به این کتاب. کتابی که بی‌تکلف حرف می‌زد و برای بسیاری از سؤالات من پاسخ داشت. کتابی که می‌شد با آن، تصورات غلطم درباره فاطمیون را اصلاح کنم و با یکرنگی‌های‌شان در صحنه نبرد همراه شوم. «مصطفی نجیب» اگر چه افغان است، اما نامی شبیه عرب‌ها دارد و خصلت‌هایش شبیه ایرانی‌هاست. روایت‌هایش هم به اندازه اسمش چند ملیتی است. در روایتش به همان اندازه که هموطن‌های افغانش را می‌بیند، از حماسه ایرانی‌ها و لبنانی‌ها و سوری‌ها یاد می‌کند. همه را با یک چشم می‌بیند و نگاهش منصفانه و دقیق است. «ابو باران» بارشی است بر کویر روایت‌های نبرد در سوریه. کویری که باید به همت مدافعان حرم، به باغ سرسبزی تبدیل شود.

گفت‌وگو با حاج بهزاد پروین قدس، عکاس جنگ درباره **مجید پازوکی** فرمانده تفحصی که با مین و المری پرواز کرد

مطمئن بودم مجید شهید می‌شود

انگیزه این گفت‌وگو از آنجا شکل گرفت که در روزهای نزدیک به سالگرد آسمانی شدن «مجید پازوکی» عکسی از او و حاج بهزاد پروین قدس در فک و ظهر عاشورا به دست‌مان رسید. چهره آفتاب‌سوخته آقامجید حرف‌های ناگفته‌ای داشت که باید از زبان رفیقش می‌شنیدیم. حاج بهزاد از قدیمی‌های جنگ و از هم‌زمان شهیدان حمید و مهدی باکری در لشکر ۳۱ عاشورا بوده است. او بعد از جنگ هم با دوربین و قلمش در مناطق جنگی پابه‌پای گروه‌های تفحص حاضر شده و عکس‌ها و لحظه‌های بدیعی را ثبت کرده است. چند روز پیش، یعنی ۱۷ مهرماه، نوزدهمین سالگرد شهادت جوانمردی بود که خانواده‌اش را وا گذاشت تا قلب مادران شهدای گمنام را به استخوانی و پلاکی شاد کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگوی ما با حاج بهزاد پروین قدس است...

کوثر مهرجویی

خبرنگار

اولین دیدارتان با آقامجید کجا و چطور بود؟

من با آقامجید در منطقه عملیاتی والفجر ۱ (فکه) و در گروه تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) آشنا شدم. فکر می‌کنم سال ۱۳۷۳ بود. آن زمان او عضو گروه تفحص بود و در زمینه خنثی‌سازی میدانی مین فعالیت می‌کرد.

از خصوصیات آقامجید برای‌مان بگویید.

خلوص در رفتار و کارهایش او را بین بقیه شاخص کرده بود. مجید همیشه سعی می‌کرد دل‌های ما را به هم پیوند بدهد. او برخلاف ظاهر آرام و ساده‌اش، روی مسائل فنی و نظامی بسیار حساس بود. شوخ طبع بود، ولی در میدان و موقع تفحص با احدی شوخی نداشت. یک‌بار در یکی از تفحص‌های برون‌مرزی به یکی از همراهان نظامی تشر زد و گفت: آقا! اگر فاصله‌ات را در میدان رعایت نمی‌کنی، برگرد. او بسیار صبور بود. به خاطر جراحات زمان جنگ خیلی درد داشت؛ اما ما از او آه و ناله نشنیدیم. بعضی اوقات سردرد چنان به او فشار می‌آورد که مجبور می‌شد در گرمای نفس‌گیر منطقه، چفیه‌ای را محکم به سرش ببندد، اما دم نمی‌زد و بسیار صبور بود.

از دغدغه‌های آقامجید برای‌مان بگویید.

اوایل تفحص، آب سالم و غذای کافی نداشتیم. مجید آن روزها به دلیل مشکلات گوارشی یادگار از مجروحیت‌های زمان جنگ، خیلی اذیت می‌شد. گاهی چنان عرق می‌کرد که از پا می‌افتاد. همیشه یا مشکل معده داشت یا کلیه. به همین دلایل خیلی‌ها به او اصرار می‌کردند که به تفحص نرود، ولی او اصرار می‌کرد این کار یک تکلیف است.

یکی از دوستان تعریف می‌کرد یک روز مجید برایم یک کتاب هدیه آورد و گفت: دیشب خواب دیدم که حضرت امام به من می‌گوید کار تفحص تکلیف نیست، عشق است... و همین عشق بود که تا آخر او را همراهی و بالاخره آسمانی کرد. مجید معمولاً مصاحبه نمی‌کرد، اما یک بار عده‌ای در دوکوهه گیرش انداختند و او اینطور گفت: «این راهی که باید رفت؛ یکی تصادف می‌کنه و میره، یکی هم با سکنه. چه بهتر که آدم جونش رو جایی خرج کنه که به درد بخوره. حالا



چه کاری بهتر از پیدا کردن پیکر مطهر شهدا که خانواده‌هاشون خوشحال بشن. زمان جنگ بچه بسیجی‌ها دنبال عشق‌شون بودن، الان و اینجا هم همونه. داریم می‌دویم تو منطقه دنبال کاروانی که ازش جاموندم. می‌خواهیم خودمان را نجات بدهیم چون راهی که مونده خیلی سخته؛ این قدر سخت که همه دارند می‌افتن...»

شما حتماً نماز خواندن‌های شهید پازوکی را دیده‌اید. نمازهایش چه ویژگی‌هایی داشت؟

وجود آقامجید عاری از تعلقات دنیایی بود و اهل تظاهر و ریا نبود. من خیلی تلاش کردم عکسی از او موقع نماز ثبت کنم که خدا را شکر توانستم فیلمی هم از او موقع قنوتش بگیرم. او آنقدر ارتباط زیبایی در قنوت با خداوند داشت که واقعاً به یادماندنی بود؛ البته اصلاً دوست نداشت کسی وارد خلوتش بشود؛ برای همین وقتی آن روز در نماز اول از او عکس گرفتم برای نماز دوم به جای خلوتی فرار کرد!

شما از ماجرای کانال حنظله اطلاعی دارید؟

گروه حنظله گویا نام گروه اطلاعات عملیات لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) بوده است که بچه‌های این گردان پشت پیراهن‌های‌شان هم با کلیشه، اسم حنظله را نوشته بودند. عراقی‌ها در منطقه عملیاتی فکه، کانال‌هایی تعبیه کرده بودند که همه بچه‌های حنظله در این کانال‌ها گرفتار

می‌شوند و فقط سه نفر می‌توانند از این معرکه جان سالم به در ببرند؛ یکی علی محمودوند، یکی مجید پازوکی و سومین نفر که او را نمی‌شناسم. بعد از جنگ و در موقع تفحص شهیدان پازوکی و محمودوند به سراغ این کانال و یاران شهیدشان رفتند و توانستند رفقای‌شان را پیدا کنند. موقعی که علی‌آقا محمودوند را دفن می‌کردند یکی از پیراهن‌های تفحص شده از بچه‌های گردان حنظله را روی کفن مبارک او گذاشتند.

آخرین دیدار شما با شهید پازوکی چه زمانی بود؟

حدود یک ماه قبل از شهادتش او را در تهران دیدم. آن روز با هم کلی دردلد کردیم. عمده صحبت‌هایش درباره شوق شهادت و فرار از این دنیای بی‌وفا بود. آقامجید بعد از شهادت علی‌آقا محمودوند حس و حال خاصی پیدا کرد. حقیقت این است که مجید قبل از اینکه در ۱۷ مهرماه سال ۱۳۸۰ شهید بشود، از غم فراق علی‌آقا مرده بود! مشکلات مادی دنیا از نظرش هیچ بود و هر مصیبتی برایش نعمت بود؛ ولی به هر حال مشکلات زندگی، مسکن و... گرفتارش کرده بود.

آخرین باری که آقامجید را دیدید فکر می‌کردید به این زودی شهید شود؟

من خیلی قبل‌تر از اینها، یعنی همان روزهای اول آشنایی که در منطقه او را دیدم، مطمئن بودم شهید می‌شود؛ حتی سماجتم برای گرفتن عکس از او و علی‌آقا به همین دلیل بود. آنها تنی خسته داشتند و



روح‌شان بسیار بزرگ بود. من می‌دانستم که اینها مانده‌اند تا پیکرهای مطهر شهدای مظلوم جنگ را از مناطق صعب‌العبور عملیاتی مانند شلمچه، فکه و طلائیه تفحص کنند. به نظر من شهدای تفحص امانت‌هایی بودند که خداوند به زمین داده بود تا این‌گونه فسادکاری و ایتار کنند و در نهایت سبکبال پرواز کنند...

یک خاطره شیرین از آقامجید هم برای‌مان بگویید.

یک بار که مجید در زمان جنگ زخمی و مجروح شد، متأسفانه به دست عراقی‌ها افتاد. آنها همانجا با اسلحه کلاش هفت گلوله به شکم او زده بودند؛ اما آن موقع قسمتش شهادت نبود و برای ماه‌ها راهی بیمارستان شد. مجید بابت این جراحات‌ها تا روز آخر حیاتش خیلی اذیت می‌شد، ولی هیچ وقت از دردهایش شکوه نمی‌کرد. یک پوسته و لایه از شکم او بر اثر همان گلوله‌های کلاش از بین رفته و بر جستگی روده‌هایش به خوبی نمایان بود.

یک روز بعد از کلی شوخی و خنده خواستم از این قسمت بدنش عکس بگیرم. در آن گیرودار علی‌آقا محمودوند هم با خنده می‌گفت: بگیر، بگیر. اینجا قسمتی از جنگل آمازون است!

تازه‌ها

پدر باران

کتاب «ابو باران» خاطرات مدافع حرم، مصطفی نجیب از رزمندگان غیور لشکر فاطمیون (رزمندگان افغان) در نبرد سوریه است. پیش از این هیچ کتابی با این جزئیات و اطلاعات دقیق و جذاب، نبرد در سوریه را به مخاطبان نشان نداده است. انتشارات «خط مقدم» که مدت زیادی از تأسیسش نمی‌گذرد، تاکنون کتاب‌های شاخصی را در زمینه دفاع مقدس و مدافعان حرم منتشر و روانه بازار کرده است. این کتاب در ۳۳۵ صفحه تدوین شده و «زهراسادات ثابته» زحمت نگارش خاطرات را بر عهده داشته است. در این کتاب از شهدای زیادی یاد شده که تصاویر آنها در انتهای کتاب آورده شده است. کتاب «ابو باران» در چاپ اول با ۱۰۰۰ نسخه شمارگان و با قیمت ۴۴۰۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



قاب

زندگی با عزت و آزادگی

دل‌کندن از تو سخت است. خنده‌ام را نبین. دلم خون است. نیمی از دلم پیش توست و نیم دیگرش پیش مادرت. من هم زندگی را دوست دارم؛ اما زندگی با عزت و آزادگی را. من و عموهایت باید برویم تا تو آزاد باشی و آزاده. دلم شاد می‌شود به آینده‌ای که در دستان توست...



خاطره

تنبیه با صابون و مشتش



عزالدین باگستاخی گفت: محمداقبر دیگر کیست؟ اگر پیغمبر اسلام هم با رژیم بعث مخالفت کند، او را اعدام می‌کنیم. بیا جلو. حمید بدون آنکه خم به ابرو بیاورد، جلورفت. عزالدین دستش را بالا برد و سبیلی به صورت حمید زد. حمید گنج خورد و روی زمین افتاد... عزالدین و سربازها بیرون رفتند. بچه‌ها دور حمید را گرفتند و بلندش کردند. مصطفوی گفت: این چه حرفی بود که زدی؟ مگر شاه جرنت داشت بلایی سر امام بیاورد؟ حمید گفت: نه نمی‌توانست. اما این دیوانه... رضا گفت: من می‌گویم باید تو هتونی را که به رسول خدا کرد، تلافی کنیم. همگی موافقت کردند. با رسیدن شب، به بهانه‌ای با سربازهای بعضی دعوا راه انداختند. وقتی عزالدین آمد، اسرا از تاریکی شب استفاده کردند و با قالب صابون و مشتش و لگد به جان عزالدین افتادند و قبل از آنکه سربازها بفهمند چه شده است، او را کتک زدند.

روایتی از آزاده ممتاز؛ سردار شهید سیدعلی اکبر مصطفوی

صلح امام حسن (ع) زمینه‌ساز قیام عاشورا بود



نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «برجسته ترین اقدام امام حسن(ع) صلح ایشان بود که از همه این کمالات از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ چراکه عامل بقای اسلام بود.»
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی که در جمع کارکنان ستاد فرماندهی کل سپاه در مراسم عزاداری ۲۸ صفر سخن می‌گفت، با بیان این مطلب افزود: «بنا بر گفته رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) در کتاب انسان ۲۵۰ ساله اگر امام حسن(ع) صلح با حربه صلح فتنه معاویه را از بین برد و بی‌بصیرتی و بازی خوردن مردم را درمان کرد. در حقیقت انقلاب فکری در میان مردم به وجود آورد و حقیقت بنی‌امیه را بر ملا کرد و زمینه‌ساز عاشورایی شد که برادرش تنها با هفتاد دو نفر یار قیام کرد و عامل نابودی کامل بنی‌امیه شد.»

نگاه انقلابی و اعتماد به ظرفیت داخلی



فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: «جوانان و نخبگان کشور باید به این باور برسند که نگاه انقلابی و نسخه داخلی ضامن حل مشکلات کشور بوده و با مجاهدت و استقامت و مدیریت جهادی می‌توان بر مشکلات فائق آمد.»
سردار سرتیپ پاسدار امیرعلی حاجی زاده، در جمع اعضای شورای تحلیل معاونت سیاسی سپاه که از نمایشگاه دائمی دستاوردها و توانمندی‌های این نیرو بازدید می‌کردند، اظهار داشت: «هدف از برپایی این نمایشگاه نشان دادن اهمیت و نسخه تکیه بر توان داخلی و اعتماد به ظرفیت داخلی و جوانان و نخبگان کشور است.» وی افزود: «این نمایشگاه نشان داد که چگونه می‌توان مسیرهای پیشرفت برای عزت و جایگاه جهانی ایران عزیز را با اعتماد

گزارشی از اقدامات خادمان ملت در شروع موج سوم کووید-۱۹

آرایش جنگی مقابل کرونا



داد که گسترده‌ترین شبکه درمانی ثابت و سیار سپاه را در قالب بهداری رزم در کشور دارد. وی گفت: «هم اکنون هفت قرارگاه در نیروی زمینی سپاه روزانه صدهزار ماسک استاندارد تولید می‌کنند.»
سردار سرتیپ پاسدار علی اکبر پورجمشیدیان در ادامه گفت: «بیمارستان صدوقی سپاه در اصفهان علاوه بر ظرفیت ثابت خود ۷۰ تخت را در یک مجموعه جدا آماده کرده و در قالب بیمارستان سیار همه خدمات بیماران کرونایی را در آن ارائه می‌کند.»
همه ظرفیت‌های بیمارستان‌های سیار و ثابت نیروی زمینی در اختیار بیماران کرونایی است و با همه ظرفیت به میدان آمده‌ایم و اگر ضرورت داشت مراکز نگاهگاهی را هم آماده خدمات‌رسانی خواهیم کرد.»



تصویر کنید. تصور من این است که خیلی در ارتفاع بخشیدن شخصیت جامعه پزشکی مؤثر بود و همچنان این تأثیر برقرار است.»
فرمانده کل سپاه ضمن تشکر از وزیر بهداشت و معاونان وی، گفت: «می‌دانیم که کارهای پزشکی چقدر حساس است و البته فقط می‌دانیم و حس کردن آن متفاوت است و کاملاً قابل مقایسه است با افتخارات بزرگی که در دوران پر افتخار دفاع مقدس خلق شده است و هیچ تفاوتی نمی‌کند.»
فرمانده کل سپاه در پایان با تأکید بر اینکه آرایش امروز ما آرایش جنگی برای مقابله با کروناست، گفت: «تمام امکانات سپاه از قبیل بیمارستان‌های صحرایی، سیار و توان بسیج جامعه پزشکی در اختیار وزارت بهداشت قرار دارد. همچنین سپاه آماده پذیرش نقش‌های جدیدتر در این میدان است.»



عزیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

هفته گذشته درست زمانی که موج سوم همه‌گیری کرونا شروع شد، فرمانده معظم کل قوا در فرمانی به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح فرمان بسیج امکانات درمانی و بهداشتی را بیش از آنچه در حال انجام بود، دادند تا همه توان بهداشتی و درمانی نیروهای مسلح در خدمت مردم و بخش‌های ضروری برای مقابله با این تهدید زیستی قرار گیرد. پیرو این دستور، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح هم دستورات لازم را به سازمان‌های نیروهای مسلح ابلاغ کرد. در این راستا فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه فرمان مبارک فرماندهی معظم کل قوا مبنی بر در اختیار قرار دادن ظرفیت حداکثری مراکز درمانی نیروهای مسلح به بیماران مبتلا به کرونا را با همه وجود به انجام می‌رسانیم، در اولین جلسه پیگیری و گزارش‌گیری این موضوع که به صورت ویدئو کنفرانس با مجموعه فرماندهان مرتبط در سپاه برگزار شد، گفت: «تمامی ظرفیت‌ها و امکانات درمانی سپاه اعم از بیمارستان‌های ثابت و سیار، امکانات تولید و توزیع ماسک و بسته‌های بهداشتی و مشارکت در غربالگری و کمک به کادر ایثارگر و فداکار درمانی در قالب مأموریت ویژه سپاه در موج سوم کرونا به میدان می‌آیند.»

آرایش جنگی
ظهر همان روز سردار سلامی در نشست وزیر و معاونان وزارت بهداشت حاضر شد و گفت: «میدان مبارزه با کرونا، آزمایش بسیار بزرگی بود که جامعه پزشکی و درمانی را با مفاهیم خیلی زنده و زیبا و درخشانی مثل شرافت، فداکاری، وفاداری، ایثار و از خود گذشتگی معنا بخشید و به

دو هزار تخت کرونایی
اما معاون سلامت، آموزش پزشکی و دفاع زیستی سپاه هم در این باره اظهار داشت: «بیش از ۲ هزار تخت بیمارستانی در بیمارستان‌های سپاه داریم که همه آماده ارائه خدمت است و به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌ایم که هیچ بیمار کرونایی بدون بستری نداشته باشیم.»
سردار عبداللہی افزود: «برای برپایی بیمارستان‌های سیار و صحرایی با درخواست وزارت بهداشت وارد عمل می‌شویم و همه بیمارستان‌های ثابت ما نیز ظرفیت‌هایشان را در اختیار بیماران کرونایی قرار می‌دهند.»
وی اظهار داشت: «در مقطعی بالاترین تخت‌های بستری برای بیماران کرونایی در بیمارستان‌های سپاه بود؛ به گونه‌ای که در بیمارستان بقیه‌الله(عج) در ماه‌های گذشته در یک زمان بیش از ۵۵۰ بیمار بستری بودند و در کل بیمارستان‌های ما تاکنون ۱۲ هزار نفر بیمار کرونایی بستری شدند که ۹۵ درصد آنها بهبود پیدا کرده‌اند.»
گفتنی است، پایگاه‌های مقاومت بسیج محلات و اقشار نیز در این موج جدید کرونا بیش از قبل به میدان خدمات اجتماعی وارد شده‌اند.

چهار بیمارستان صحرایی نیروی دریایی
نیروی دریایی سپاه پس از نیروی زمینی بیشترین مراکز درمانی و بیمارستان‌های سیار را دارد. در این راستا، سردار در یادار پاسدار علیرضا تگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه، اظهار داشت: «علاوه بر ظرفیت بیمارستان‌های سیار، بیمارستان صحرایی در شیراز آماده و به چالوس ارسال کردیم که استعداد ۷۴ تخت بستری دارد و می‌تواند تا ۱۲۰ تخت افزایش پیدا کند و تا ۲۳ روز در آنجا استقرار خواهد داشت.»
وی گفت: «دومین بیمارستان صحرایی در برازجان استان بوشهر است که استعداد ۴۰ تخت را دارد و ۵۰ روز مستقر خواهد بود و سومین بیمارستان در بوشهر است که استعداد ۴۰۰ تخت دارد و ۶۲ روز مستقر خواهد بود و بیمارستان صحرایی صاحب‌الزمان(عج) در بندرعباس هم آماده ارائه خدمت است.»

بهداری هفت قرارگاه پای کار
اما معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه گزارشی از اقدامات این نیرو

پاسدار

شماره ۱۹۷۲ | دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹



روی خط

به فکر ما خرید خدمت‌ها

هم باشید

۰۹۰۲۰۰۰۳۳۲۳ / بسیجی کد ۸۹ هستم؛ الان چهار سال است که در مناطق کوهستانی ارومیه هستم؛ اما متأسفانه میزان فوق‌العاده عملیاتی ما با سایر پایوران متفاوت است!

۰۹۱۱۰۰۰۶۸۹۶ / در منطقه عملیاتی خدمت می‌کنم اما از هر نوع امکانات رفاهی برای خانواده محروم هستیم. الان ۱۵ سال سابقه خدمت دارم، ولی وام طرح حکمت را نگرفته‌ام، لطفاً فکری به حال ما کنید.

۰۹۱۲۰۰۰۰۱۶ / چرا سابقه بیمه تأمین اجتماعی کارکنان را قبل از ورود به سازمان اعمال نمی‌کنند؟ ما حق بیمه پرداخت کرده‌ایم و حتی حاضریم مابه‌التفاوت آن را پرداخت کنیم، مگر سابقه بیمه کارگاه خصوصی با دولتی چه فرقی دارد؟

۰۹۱۳۰۰۰۰۴۴۳۳ / رنگ لباس کارمندی باعث رنجش نیروها شده، اگر نظرسنجی بشه کاملاً مشخص می‌شه. لطفاً در سهمیه جدید که قراره آینده واگذار بشه تجدید نظر بشه.

۰۹۱۳۰۰۰۰۸۳۳۵ / به فکر ما خرید خدمت‌ها هم باشید! ما هم زن و فرزند داریم.

۰۹۱۴۰۰۰۰۸۹۶۱ / دو انتقاد از دولت: ۱- چرا با این همه گرانی و تورم مرحله ۱۱۶ یارانه باز ۴۵ هزار و پانصد تومان است؟! ۲- در قضیه کرونا آگه بسیجیان اختیارات دولت را داشتند به جای جریمه آنهایی که حتی پول ماسک را ندارند، ماسک رایگان هدیه می‌دادند. «جهانگیری» از تریز.

۰۹۱۵۰۰۰۰۳۱۷۷ / شاغل نیروهای مسلح هستم. این گرانی‌ها و حقوق‌هایی که باتسورم همخوانی ندارند، زندگی را برای ما سخت کرده است. فکر به حال ما کنید.

۰۹۱۷۰۰۰۰۶۸۱۲ / با توجه به گرانی سرسام‌آور مسکن در کشور، آیا وام حکمت دردی را دوا می‌کند؟ بهتر نیست زمین ارزان قیمت در اختیار نیروها قرار بگیرد تا قیمت مسکن نیروها ارزان‌تر تمام شود؟

۰۹۱۷۰۰۰۰۷۹۳۳ / مشوق یا کمک سپاه برای کسانی که تعداد ۳ فرزند بیشتر دارند، چیست؟ سپاه برای ازدواج فرزند پاسداران مشوق دارد؟

۰۹۱۸۰۰۰۰۲۳۳۸ / آیا ابلاغیه ستاد کل و امتیازات ۳ فرزند به بالا اجرا می‌شود؟
۰۹۱۸۰۰۰۰۴۳۳۵ / چرا با این شرایط وخیم کرونا پادگان‌ها آموزش‌های خود را با جدیت تمام برگزار می‌کنند؟

۰۹۱۸۰۰۰۰۳۸۱۶ / چرا هدیه تولد فرزند در سال ۱۳۹۹ پرداخت نمی‌شود؟
۰۹۱۸۰۰۰۰۵۹۴۰ / وام مسکن بسیجیان کد ۸۹ از سال ۱۳۸۶ پرداخت نشده و حتی تعدادی از آنها اواخر سال ۹۸ تکمیل پرونده کرده‌اند.

۰۹۳۵۰۰۰۰۱۶۰۲ / با وجود ابلاغیه و دستورالعمل حق مرزی برای اداره‌ها از نیمه دوم سال ۱۳۹۸ اعمال شده برای نظامیان هنوز اجرائی نمی‌شود.

۰۹۹۰۰۰۰۰۶۵۴۴ / چند سال است که تبدیل عضویت بسیجیان تمام وقت در خوزستان تقریباً نادیده گرفته شده است.
۰۹۹۰۰۰۰۰۵۲۲۲ / چرا حکمت کارت سپاه برای خرید اقساطی کالا از فروشگاه اتکا و دیگر فروشگاه‌های طرف قراردادش اعتبار ندارد؟!

۰۹۹۲۰۰۰۰۲۸۶۵ / در کرمان ارشدیت تحصیلی و ارشدیت سنوات درجه‌داری برای پایوران فرماندهی اعمال می‌شود، چرا برای پایوران نمایندگی با همان شرایط ارشدیت اعمال نمی‌شود؟

۳۸۲۳۲۲۲۲-۳۸۳۳۳۳۳۳
انتساب یا سردار هفتی مشاور امور ایثارگران فرمانده کل سپاه

